

يَا مَعْزِبَ الْقُلُوبِ الْآنَ يَا مَدِيرَ اللَّيْلِ
النَّهْيَ يَا مَحْوِلَ الْحَوْلِ الْإِحْوَالَ حَرْجِ
حَالِنَا إِلَى الْحَبْلِ الْجَالِ

فَارَمَعَ الْعَسِيرُ نِيرًا
إِنْ مَعَ الْعَسِيرِ نِيرًا

لاه مجاهد

دوره خدایان و سحر و جادو و تیرتیر و جادو

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

استراتژی واقعی انقلاب اسلامی در منطقه

● محمود نورالدین رهبر تشکیلات "انقلاب مصر":
"ما با زهمبها عدا م این عناصر (دستهای مرموز) ادامه
میدهیم تا اینکه خاک مصر را لودگی موسا دوسا
پاک شود."
صفحه ۱۷

**گام به گام با جبهه اسلام و فسوجانی در مسائل
استراتژیک**

● پول نفت برای ما خیلی اهمیت دارد.
● پس از جنگ قانع کردن مردم نیا زبنا استدلال دارد.
● گرفتن Usance و اعتبار محدود برای تکمیل طرحهای
نیمه تمام در خدمت مردم
صفحه ۱۴

فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸

بها: ۱۵۰ ریال

شماره ۵۲

- آیا یک نفر روحانی مسئول از
سطح حجت الاسلام به با لادرجنگ
بطور حرفه ای شرکت داشت؟
 - چرا هر سال ارسال پایان جنگ
اعلام کردیم؟
 - آیا شرکت فعال نظام درجه سه
نمی توانست قبل از پذیرش
قطعنا مه با شد؟
 - پذیرش کودتای آمریکا شی در عراق
پذیرش صلح در شرایط قیام
حسین
- صفحه ۵

ریشه یابی پذیرش قطعنامه ۵۹۸

آیا مردم مقصودند یا ...

● اگر مردم به لحاظ آمار ریور
مقطعی از رفتن به جبهه کمتر
استقبال میکردند، نمیتوانند
ریشه یابی مردم را مقصودا نسته
وعوامی که مردم را از شور و شوق
انداخته بود، نا دیده گرفت.

پیام امام و پاکسازی شیوه های حجتیه در درون

امام خمینی در پیام اخیرشان خطاب به ائمه جماعات
و روحانیون سراسر کشور گفتند:
"در بروز حجتیه ای ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه
سازرات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب جراحانی نیمه
شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون
شده اند."
امام خمینی گرچه در گذشته از این جریان بعنوان اسلام
آمریکایی یاد کرده و بدنبال آن آموزشهای آنها متوقف
گشت ولی در این پیام تنها جریانی را که با اسم و رسم مشخص
از آن یاد کردند همین گروه حجتیه بود.
در رابطه با شناخت و نحوه برخورد با این جریان عاقبت
طالب نهضت مجاهدین و راه مجاهد کتابها و مقالات زیادی
داشته که برخی از آنها را در همین شماره راه مجاهد آورده ایم
باید توجه کرد که پس از پیروزی انقلاب حجتیه تغییر خط
مشی داد و دست از ارزش فرهنگی با بهائیت برداشت
و متوجه ضدیت با التاط و کمونیسم گشت و با حوسازی خود
موفق شد ضدیت با التقاط و کمونیسم را در سطوح مختلف
ملکت جا انداخته و جوانهای پر شور و دل سوز را با این عناوین
تکمیر و تصفیه نمایند. منظور حجتیه از التقاط و کمونیسم
کلیه کسانی بودند که شور و شوق و پتانسیل انقلابی
داشته و بدنبال یک مکتب راهنمای عمل برای مبارزه
می گشتند ولی در سر راهشان در جادو مانع انجام شده
باید و آشنایی با اسلام واقعی بدام کمونیسم افتادند.
مهم این است که ماشیوه ها و خطاها حجتیه را از درون
صفحه ۸

سراشون آزادی اهزاب

● آزادی از موضع روح قرآن و انقلاب،
آزادی است که خدا به شیطان دشمن
قسم خورده انسان هم عطا نموده است.

● پس از زشت سال برای اولین با راست
که قانون احزاب علاوه بر قانونیست
مشروعیت هم پیدا میکند.

صفحه ۳

ژاپن را ندارم آمریکا در آسیای خاور

● مولف قانون اساسی ژاپن
ژنرال مک آرتورا آمریکا شی
است.

● طبق پیمان ۱۹۵۱ ژاپن
موظف است "زمین بدون
اجاره بها" جهت پایگاه
های نظامی در اختیار
آمریکا قرار دهد.

صفحه ۱۱

کنسرسیوم یا دخالت استعماری شرکت های خارجی ایران

● منطق دکترا مینی در دولت
را هدی این بود که میگفت با
دخالت دادن ۸ شرکت نفتی از
۴ کشور جهان برخلاف گذشته مانع
دخالت انگلیسی ها در امور
داخلی ایران خواهیم شد.

صفحه ۷



**توطئه صهیونیسم بدست
رشدیها علیه اسلام ناب محمدی**

صفحه ۲۴

اخبار ایدئولوژیک

● تضاد بین احکام شرعی جاری در حوزه های علمیه و ضرورت
زمان مسئله ای است که اگر در این مقطع بسادگی از آن بگذریم
در مقابل بعدد و با ربه آن دچار خواهیم شد. ملاحظه شدن این
موضوع با ردیگر با زنگری به آموزشهای رایج در حوزه های
علمیه را می طلبد.

صفحه ۱۱

بازسازی

● اگر میخواهیم زهم خا رجیان در اجرای طرحها بکا هم با بد
یک تحقیق همه جا نبه و ریشه ای بیرون نگیره ها و نیا ز-
ها شی که سبب استفا ده از آن در طول این سالها شده
است، انجام میدهیم.

صفحه ۱۲

پس دو سنخ میشود جشن گرفت یک جشن مردم را در خواب
غفلت و نا آگاهی و سرگرمی نگه داریم مردم خوششان باشد بعد
هم تمام بشود نه یک جشنی که در آن حسابرسی بشود اعتراف
به اشتباهات و قصورات و بعد هم دعوت به جبران و بسیج
ملت و دعوت همه نیروها از داخل و خارج برای سازندگی
کشور و راستش را هم به آنها بگوئیم.

پیام آیه الله العظمی منتظری به مناسبت ۲۲ بهمن ۶۷

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

سخن امام را هما



مستضعفین

امام امت در پاسخ به ما مدحجه اسلام اتصاری در رابطه با اختلافات در اسلام، در تاریخ ۶۷/۸/۱۰ می نویسد:

... کتابهای فقهای بزرگ اسلام پراست از اختلاف نظرها و سلیقه ها و برداشتهای در زمینه های مختلف نظامی فرهنگی و سیاسی و اقتصاد و غیره است... از آنجا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آنهم عربی ضبط میگردد قهرا "توده های مردم آن بی خبر بودند ...

... اما امروز با کمال خوشحالی به ما سبب انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحب نظران به راه دیوانه و تلویریون و روزنامه ها کشیده شده است چرا که نیا ز علم به این بحثها و مسائل است مثلا "در مسئله مالکیت و محدود آن، در مسئله زمین و تقسیم بندی آن و ... در تجارت داخلی و خارجی و مزارع و مزارعه و اجاره و ورهن ... در موسیقی تئاتر سینما و ... در برخورد با کفر و شرک و الحاق و بلوک تابع کفر و شرک ... و مهمتر از همه اینها ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و چا معه، همه اینها گوشه ای از هزاران مسئله مورد ابتلا مردم و حکومت است، که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است ... لذا در حکومت اسلامی همیشه باید با احتیاط و با تدبیر و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا میکند که نظرات احتیاطی فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد

روشهای مختلف توشه گیری از قرآن، مبنای اختلاف روحانیت

بر خلاف نظر عده ای که عقیده دارند در اسلام اختلافی وجود ندارد اما ماصریحا "به اختلاف نظر علما در طول تاریخ و در اکثر زمینه ها اشاره مینماید، اختلاف نظرها در اسلام اگر در گذشته با برخورد صحیح و اصولی حل میگردد، امروزه با نفی اندیشه ها و "مرگ برفلان برداشت" و یا "مرگ برفلان نظریه" در صدر محل آن بر نمی آید، اگر امروز نیز ما به حل اصولی اختلافات بینشی نپردازیم باعث تشدید آنها در آینده خواهیم شد.

اولین قدم هما نظور که ما مگفته اند این است که ما ور کنیم اختلافات بینشی و بنیادی هم وجود دارد و طبیعی هم هست که وجود داشته باشد و همه آن نیز اختلاف سلیقه نیست که ما اینک ما مدربیا حج سال ۶۵ به دو عقل و دو شعور "حسینی" و "غیر حسینی" اشاره نمودند، به نظر میرسد که این صحبت های امام زمینه فقهی تاریخی جهت مشروعیت بخشیدن به فعالیت احزاب گوناگون باشد، امیدواریم چا معه به سمتی برود که قبل از نا سزا و مرده با دگفتن کمی تاء مل کرده و حرف هرفردیا هرجریا نابتدا به صورت یک " برداشت " برخورد نماید.

با توجه به سخنان امام ملاحظه میشود، مواد اختلافاتی که در نا ما م مطرح شده اند، در زمینه "مصادیق" میباشد. چه بسا یک وجه قضیه این باشد که حوزه ها به "مفاهیم" محدود میشده و نه "مصادیق" ("مصادیق" در واقع جنبه عملی و "مفاهیم" جنبه تشریحی دارد.) و زمانی که کار به "مصادیق" و مطالب روز میرسد، بن بستها و اختلافات نیز

شروع میگردد، هما نظور که ما هم منتقا دینبا دیشا ن رابه آموزشهای حوزه های علمیه در تذکراتی که به شورای نگهبان دادند، چنین بیان نمودند که تشریحاتی مدارس حنبه نظری داشته و نظا جمهوری اسلامی فلسفه عملی اسلام است، وجه دیگر این اختلافات بخاطر تفاوت در روشهای مختلف و توشه گیری از قرآن است. زیرا شیوه نگارش نسبت به قرآن و سنت، خود باعث اختلاف نظر میگردد، از قرآن چا ربه بعد منطقی یونانی ارسطویه عنوان مقدمه ای بر علوم اسلامی قرار گرفت و متفکرین اسلامی نظرات مختلفی را چا ربه این مطالب ارائه نمودند، به عنوان مثال در عصر چا ربه ما معتقدند که کتابهای ارسطویی از آنچه در قرآن دنبال میشود ضعیفند. آقای موسوی اردبیلی عنوان مینماید که منطق، وحی منزل نیست که بگوییم اشتباهی ندارد و از آن دفاع کنیم و آقای آذری قمی نیز معتقدند که زیربنای اصول فقه منطق است و اگر روزی منطق مخدوش شود، اصول فقه هم مخدوش خواهد شد و کسی نمیتواند منطق را رد کند. امثال روش شناختهای متفاوت در بین اندیشمندان اسلامی فراوان به چشم میخورد، با توجه به این مطلب که هیچ روش شناخت کامل و منسجم اسلامی از طرف اندیشمندان تا کنون ارائه نشده است آیا میتوان صرفا "خوانائی که به علت طلب انحصار و محدودتیبین واحد، حذف روشهای شناخت غیر اسلامی شده اند را معروض دانست؟ آیا ارائه یک روش صحیح که در تمام زمینه ها تبیین کننده و وحدت بخش باشد این خوانان را از دامهای مهلک رهایی نمیبخشد؟

امیدواریم که با تاکیدات امام و آیت الله العظمی منتظری و همت نیا زمتدان حرکتی اصیل در جهت رجعت به محتوای قرآن و نهج البلاغه و تدریس این دو کتاب را رزمنند در حوزه های علمیه صورت پذیرد، تا با همت امروز انقلابیون این اختلافات را برای آیندگان به ارث نگذاریم.

در ادامه نامه امام می خوانیم: "یک فرد اگر علم در علوم معهود حوزه ها باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی متعهد نیست و نمیتواند زمان ما را به دست گیرد ..."

یکی از شرایط اجتهاد علاوه بر " صدور حکم " تشخیص "مصادیق" است

با ید توجه کرد که این صحبت های امام در چا ربه ابظهای است و زمینه آن چیست؟ فقها و علما اکثرا "معتقدند که اگر متعهد صدور حکم است و کار به تشخیص "مصادیق" ندارد، نتیجه عملی این بسیار چنین میشود که اگر متعهد تنها صدور حکم است و فقیه با این بگوید "ظلم بید است" ولی "ظالم" (مصدق) را معرفی نکند و از آنجا که ما لرا از غیر ما لرا تشخیص نمی دهد ممکن است تمامی افرادیست و تشکیلاتش نا صالح باشند. استاد محمد تقی جعفری در سال گذشته گفته بودند یکی از شرایط اجتهاد علاوه بر صدور حکم تشخیص مصداق است و در غیر این صورت فرد متعهد نیست، بنظر میرسد این بیان امام و استاد جعفری انقلابی در مفا هیم حوزه ها باشد که بدستال انقلاب ۲۲ بهمن و وارد شدن عامه روحانیت در عمل صالح

وجود آمد. البته این نقص وجود دارد که برای تشخیص مصلحت چا معه با بستنی علاوه بر تقوا به یک متد لوزی و راهنمای عمل هم مصلح بود که خلا چنین مجموعه ای در چا احساس میشود. علت اصلی تشکیل گروه های جدا از رو چا این بود که روحانیت عموما "و ا رد مصا دیق نمیشده و یک مجموعه را ه نما ی عمل ندا شتند.

امام در ادامه میا مد در رابطه با دو جریا ن موجود چا معه چنین مینویسد: " ... آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب و فادان دولتشان برای کشور و مردم مسوز و دهر کدا م برای رشد و خدمت به مسلمین طرح و نظریه دارند که به عقیده خود موح رستگار ی است. اکثریت قاطع هردو جریا ن میخواهند کشورشان مستقل باشد ... هردو گروه با ید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریا ن رحم نمی کند ... با ید از واسطه های بی که فقط کارشان القاب بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود ...

دستهای مرموز دشمن مشترک افسراد صادق و مبارز هردو جناح هستند

امام در این قسمت از بیبا م برای دو جناح مذکور خصوصیات را مطرح نموده و اعلام میکند که علت تا ید این دو جناح از طرف ایشان وجود این خصوصیات در آنها است. راس این صفات وفا داری به اسلام و قرآن و انقلاب و صداقت در این امر است.

کسانی که در این بین ویژگی بوده و به استقلال کشور معتقد باشند، مسلما "مورد کینه مبریا لیم و یا دین نبر میگیرند، هما نظور که در تاریخ مشروطیت و نهضت ملی و سایر قبا مهای مردمی شاهدیم که افراد مزدور و دست نشاند ما با امثال بقا بی چگونه سعی در بدبین نمودن دو جناح صدا نهضت ملی نسبت به یکدیگر داشتند و وضعفهای دوطرف را به وبال داده و سرانجام همه با استفاده از این تضاد، در برابر آمریکا و انگلیس در ایران حاکم میگردند.

منظور ما م از واسطه ها، دستهای مرموزی هستند که ایحا د قطب بندیهای کاذب در چا معه، باعث فراموش شدن دشمن مشترک گردیده تا بدین وسیله منافع او را حفظ کرده و سرانجام نیز ضربه نهائی خود را به افراد صادق و مبارز دو جناح بزنند.

امام امت در نامه ای به آقای گوربا چف که در روزهای ۱۹ دی ماه ۶۲ به چا پ رسیده است می نویسد: " ... باید به حقیقت روی آورد مشکل اصلی کشور ما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، مشکل شما اعتقاد واقعی به خداست همان مشکلی که غرب را هم استبدال و سن بست کشیده و با خدا کشید، مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیپایان با خدا و میدا هستی و آفرینش است ..."

شرق و غرب هیچ یک اعتقاد واقعی به خدا ندارند

اما مریشه اساسی مشکلات را چه در غرب و چه در شرق ناشی بقیه در صفحه ۲۷

پیرامون

آزادی احزاب

انگیزه و هدف:

این روزها این سؤال وجود دارد که آیا اجرای قانون احزاب در این شرایط از اعتقاداتی نظام به آزادیهای سیاسی سرچشمه گرفته و یا در برخورد با واقعیتها و بر حسب ضرورت های داخلی و خارجی انجام گرفته است؟ و اینکه این ضرورت مقطعی و موقتی است یا دائمی و پایدار؟ و به بیان دیگر ضرورت های موجود از نوع "ضرورت ایدئولوژیک" است یا "استراتژیک" و یا "تاکتیکی"؟ ما برآنیم ضمن پرداختن به مسائل فوق پیشنها داتی نیز جهت تعمیق و تدوین آزادیهای سیاسی ارائه کنیم.

آیا آزادی احزاب انقلاب وجود دارد؟

هرچند که اعتقاد به آزادی از موضع ضرورت های ایدئولوژیک و استراتژیک پدیده ارزشمندی است و چه بسا با پدیدار هم بتوانند مابعدتدولتی آنها را نمیتوان به آن بصورت یک اعتقاد ذاتی نگاه کرد.

آزادی وقتی ذاتی و پایدار است که زیاده پشوا نه مکتبی و تبعیضاتی از یک تئوری معرفتی درست برخوردار باشد. چنین اعتقادی تحت تاثیر بحرانهای داخلی و خارجی دستخوش تجدیدنظر و تعطیل نمیشود. و تنها با این باور است که استعدادها به آزادی اعتماد کرده و شکوفا میشوند و توان جمهوری اسلامی را در برابر امپریالیسم با لامبرند. حال برای آنکه ببینیم تا چه حد آزادی ذاتی انقلاب و نظام است به بررسی آن میپردازیم.

۱- حکومت عدل علی (ع)

نظام جمهوری اسلامی اصولا انجام دیکتاتور و استبداد نداشته چرا که هویت اسلامی را پذیرفته و عینیت آن را در حکومت عدل علی (ع) معرفی نموده که شیوه های آن حضرت آشکارا ز روز است.

اگرچه بطور موقت این آزادیها توسط نیروهای سلب شود، طبیعی است که مجددا انقلاب به ما آزادی بازگردد و نمیتوان در کار اسلام و انقلاب اسلامی آزادی را بیک پدیده استثنائی تلقی کرد.

شیوه حضرت علی در برخورد با مخالفین بسیار آموزنده است. علی (ع) با خوارج تا آنجا که دست به توطئه نزدند و شمشیر نکشیدند برخورد فکری میکرد و از طریق بحث و استدلال سعی میکرد که آنها را هدایت کند. حتی در حین جنگ هم به خانواده آنها معونه میبرد و اذیت و بیبروانی را از جنگ با آنها پس از خودش برحذر داشت. و با درآستانه شهادت با اینکه علم به نیت این ملجم داشت ولی قاتل را آزاد گذاشت.

با چنین الگو فرهنگ آزادی کسی قادر به دیکتاتور توری در این مملکت نیست که موجب سقوط و سرنگونی استبداد میگردد.

۲- "روح انقلاب آزادی است."

روح انقلاب همان روح قرآن است که به شیطان دشمن قسم خورده انسان هم آزادی میدهد. روح انقلاب الگویی است تا دنیویها و مبارزه علیه سلطنت وابسته و تحت رهبری واحداست.

روح انقلاب الگوی اوائل پیروزی انقلاب یعنی " فضای باز و انقلابی ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰" است که در جهت آزادی بود و حتی از سوی دشمنان سیاسی انقلاب هم "بها آزادی" نامیده شد. فضای انقلابی و سازنده ای که تمام نیروها و استعدادها را به میدان کشیده بود و مرتجعین را خانه نشین و جریانیهای نحرفی را بتدریج افشای و

تشکیل این جمهوری اسلامی است در جهت جامعه توحیدی و زمینه ساز ظهور امام زمان (عج) و لذا از هر تشکلی که گامی در این جهت باشد باید مدافعا کرد.

از آنجا که انتظا رفرجها لاترین عبادت در شیعه بوده، بین امر تئوری معرفتی شکل و تحزب است. که در سیرتاریخ همه تشکلهای یک حزب واحد تبدیل خواهند شد. لذا تمام تشکلهای اسلامی از این جهت مقدس و ارزشمند بوده و نظام اسلامی با بدباغوش با زهر رشد و تقویت آنها کمک کند.

۳- "اعتقادات الهی منتظری به آزادی"

ایمان ذاتی آیت الله منتظری به تقویت آزادیها و اصلاحات مکرر ایشان به اینک با بدبه حرفهای مخالفین دلسوز و صادق گوش کرد و حتی در کارها از آنها استفاده کرد. یکی از عوامل ذاتی آزادیها در انقلاب و نظام است. با توجه به اینکه ایشان در سیر مجلس خبرگاری و تدوین قانون اساسی بوده و در تمام مذاکرات آن مجلس آزادی مدافعا کرده و میتوان گفت که حاصل واقعی قانون اساسی میباشند.



ضروریهای ایدئولوژیک

جریانیها در انقلاب و نظام هستند که به یک تئوری مکتبی در رابطه با آزادی مسلح نیستند ولی در واقعیت و در تجربه های سیاسی ایدئولوژیک انقلاب بخصوص طی سالهای اخیر تحولی در آنها بوجود آمده و به ضرورت پذیرش افکار مختلف و اصل استقلال فکری در جامعه رسیده اند که اگر این تحول پایدار باشد و تعمیق شود، میتواند ذاتی هم بشود. لذا ما نه تنها نباید آن همه بر زمین بکوبیم بلکه باید رشد و تعمیق آن هم کمک کنیم.

عوامل این تحول و تغییرات دیگر ضرورت های ایدئولوژیک موجود را به قرار زیر میتوان برشمرد:

۱- "زمینه سازی امام برای پذیرش افکار مختلف"

یکی از وجوه اساسی سلب آزادیها در ایران این تصور بود که تنها برداشت صحیح از اسلام آموزشها را بحد حوزها بوده و بقیه برداشتها را هم "من در آوردی" و "نحرفی" می دانستند. تا آنجا که نه تنها هر برداشت دیگری از اسلام را می کوبیدند بلکه کار ایدئولوژیک در آن حوزها در امتداد دخالت در سیاست و ارائه خط مشی سیاسی هم در حوزها صلاحیت فقها را غلام شد. تا جاییکه جوانان را بتدریج منزوی نمودند. (توضیح اینکه رجوعی هم در زندان مدعی بود که تنها برداشت صحیح از اسلام "و" ایدئولوژی ناب توحیدی "ا" ز ذهن او ترا دیده و دیگران را نه تنها برای کار ایدئولوژیک صالح نمیدانست بلکه هر کسی را که در تشکیلاتش بها این امر میپرداخت، تکفیر و تصفیه مینمود.)

برخورد امام با این توطئه در سال ۶۲ و نیز سیر بهای ایشان در نقد آموزشها و فقه رایج در حوزها بعنوان یک سیری تئوریهایی محصور در حوزها که به مقتضیات انقلاب و رشد آنها توجه نداشته است، به این مطلقیت و حاکمیت فکری و سیاسی ضربه زد و راه را برای تفکرو استقلال فکری و سیاسی جوانان باز کرد.

توجهی تئوریک و اجتماعی به سیر برخورد های امام با اصحاب رطلیبیهای ایدئولوژیک نظرفوق را تا بید میکنند:

- امام فرمودند که بهای ارسطوئی بوشی از آنچه در قرآن کریم دنیا میشود نمیدهد. در حالی که یکی از ادله استنباط فقهی عقل بوده و راهنمای عقل هم در حوزها های علمیه منطق

منزوی مینمود.

افسوس که قدرت ان الگورا نشناختیم و دشمنان و مغرضین و فرصت طلبان به توطئه علیه آن پرداختند و با قساوت و خشونت به آن پایان دادند.

بهمن نیرومند ز سران جبهه های مستقل در اروپا چندی پیش به این جمع بندی رسیده است که این اشتباه خود ما رکیستنها بود که آزادیها موجود در اوائل انقلاب درست استفاده نکردند و آزادی وجود داشت. بهمن نیرومند به این نتیجه رسیده است که آلترا تئوری تئوری جمهوری اسلامی یک حکومت آمریکائی سرکوبگر خواهد بود.

از طرف دیگر چون لوازم دیکتاتور تئوری تاثیریک حزب فرا-گپرویک تئوری مدیریت بظا هر منسجم و قوی و یکپارچه برای اختناق در کشور وجود ندارد، طبیعی است که مجددا جوهره انقلاب یعنی اعتقاد به آزادی را خود را باز کند.

همچنین ۱۰ سال انقلاب و ۸ سال جنگ و مقاومت یک رشد و کیفیت انقلابی در نسل جوان ما ایجاد کرده که دیکتاتور تئوری فکری و سیاسی را نمیتوانند بپذیرند و به جمع بندی استقلال فکری رسیده اند و این خود یک پشتوانه ذاتی برای حفظ آزادیها در انقلاب بوده و هست.

۲- "قانون اساسی نگهبان آزادی"

هویت نظام جمهوری اسلامی با قانون اساسی است که حتی هر مستبدی با بدبا استناد به آن خود را تثبیت کند. قانون اساسی با امضا ۴۵ مجتهد در پای آن و بعنوان رساله ای که مورد تائید امام قرار گرفته در حد یک اجماع برای علماء مبارز و حامی انقلاب بشمار میرود. قانون اساسی بعنوان یک میثاق قلمی و شمره خون شهدا، یکی از وجوه ذاتی آزادیها بشمار میرود و صریحا آزادی فکری و بیان دفاع کرده است. با بدبا آنرا تقویت کرد و زنده نگاه داشت.

پس از ۶۰ سال برای اولین بار است که قانون احزاب علاوه بر قانونت، مشروعیت هم پیدا میکنند و این گامی است بزرگ در جهت توده های شدن و سنتی شدن تشکلهای در کشور ما.

خود قانون اساسی هم در "فضای انقلابی" ابتدای انقلاب نوشته شده و روح موجود در آن مقطع از انقلاب در قانون کلاما به چشم میخورد. هرچند که امروز بسیاری از مخالفان کاندگان آن مواضعی مغایر با قانون ابراز میدارند و آنرا با احکام و آموزشهای رایج در حوزها های علمیه تفسیر و تعبیر میکنند که بقول امام عینا قایل به شدن نبوده و به نقض ظاهری قانون اساسی میماند. (پیام امام به شورای مصلحت) ولی همچنان قانون اساسی یکی از سنگرهای قوی و موثری است که میتواند بدبا افکار غیر انقلابی مبارزه کرده و نظام حوزها را اصلاح و متحول کند.

۴- "جوش تشکلی در تبعیض"

این تفکر که "حفظ نظام از واجب واجبات است" و امام نیز کرا را آنرا بیا نکرده است، از این اعتقاد دنا می شود که

آزادی وقتی ذاتی و پایدار است که زیاده پشتوانه مکتبی و تبعیضاتی از یک تئوری درست معرفتی برخوردار باشد. چنین اعتقادی تحت تاثیر بحرانهای داخلی و خارجی دستخوش تجدیدنظر و تعطیل نمیشود و تنها با این باور است که استعدادها به آزادی اعتماد کرده و شکوفا میشوند و توان جمهوری اسلامی را در برابر امپریالیسم با لامبرند.

پیرامون...

اصرار در مورد کادر رومی قرآن و توصیه مؤکد به جوانان ندر صورتیکه در حوزه های علمیه با جزبا ۵۰ آیه معروف به "آیات الاحکام" سروکار نداشته و کلیتاً مرحله آنها در مسیر آموزش خود با قرآن سروکار ندارند.

"فلسفه عملی اسلام در نظام اسلامی است"
در یکی از بیانات مهمی که اخیراً ما فرمودند که (قریب به مضمون) شورای نگهبان باید از تشویریهای محصور در حجره ها دست برداشته و به نیا زهای نظام اسلامی که مجریان مریای زگو کنند آنها هستند، یعنی به مقتضیات زمان عنایت کند.

بدین ترتیب از نظر ما "فلسفه عملی اسلام" در مسیر "عمل صالح" تشکیل نظام اسلامی مشخص و مدون میگردد. نه در تشویری ها و بحثهای جدا از "عمل صالح"، لذا دست اندرکاران جنین عمل صالحی از صلاحیت بیشتری برای تحقق اسلام در دنیا مست و اقتضا دوجا معبر خوردار مینمایند.

"مبارزه با اسلام آمریکا"
اما در پی این مباحثات که در عارف حسی از علمای

مبارزه با کستان قریب به این فرمودند که اگر حوزه های ما روی اسلام آمریکا کی کار کرده بودند، عارف حسی از دست نمی رفت. یعنی حوزه های ما در سیر کار خود با اصلی ترین با یگانه دشمن که همان اسلام آمریکا است درگیر نشده است.

حتی اما میباید افرا تر گذاشته و بسیاری از جناحهای حوزه ها به عنوان اسلام را تحت طلب و عافیت طلب و اسلام سرما به داریو ... یعنی اسلام آمریکا کی معرفی میکند.

همچنین اما م در پی ما مشهوره منشور بر ادیری که چند ماه پیش منتشر شد اختلافات فکری را امری طبیعی دانستند.

۱- "تحول در شرا حزب فقط حزب الله"
از ابتدای انقلاب شعار "حزب فقط حزب الله" بر سر زبانها بود، از این شعار دو برداشت میشد. یک تلقی بن بود که تنها شکلها کی اصل و قابل تأسیس هستند که در راه خدا حرکت کنند. ملاک تشکیلات با بد خدا و صفات خدا باشد.

یک برداشت نا درست هم بود که فقط در کشور با بدیک حزب باشد و احزاب دیگر از زمین بیرون و کلیتاً فکار و مواضع مستقل در جامعه نفی کنند.

البته عملکردنا درست گروهها در کشور خورد های غلط طرفداران این برداشت از سوی دیگر باعث گسترش نا آرامی و درگیریهای ناسف با ری در جا مع گردید.

ولی حال گذشته سال از انقلاب حزب الله با اختلاف چشمگیری در زمینه های ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی در میان نیروهای انقلاب و نظام و حتی خود حزب الله مواجه شده و لذا اصل اختلاف فکری را بعنوان یک واقعیت پذیرفته است. بعبارت دیگر تصور غلطی که از شعار حزب فقط حزب الله وجود داشته شکسته است و از آن دست برداشته شده است.

ولی متأسفانه بسیاری از نیروهای حزب الله در این مسیر واقعا گرایشی دارند از رزها ایشان که همان وفاداری به اصول و شعارهای انقلاب است دست بر میدارند که با بد در این باره هوشیار بود.

۲- "ملاک صداقت و دلسوزی"
چندی پیش با معروضات میا رزظی اطلاعیه ای ابراز داشت که: "... وقت آن رسیده است که عنا صر ما دیق و دلسوز بنشینند و مسائل فکری شان را با هم حل کنند."

با بد توجه داشت که قبلاً جریان فکری فوق جا مع را بر اساس اعتقادات آموزشی رایج در حوزه ها خط کشی میکردند و غیرا ز خوردار منتم به التقاط و انحراف و ایدئولوژیهای من در آوردی مینمودند. ولی حال که در راه با فقه و اسلام فقا هتی نظریات مختلفی وجود دارد و اختلاف نظر ها حتی در میان روحانیون و اقعیت خوردار نشان داده است. به ملاک با لائری ارتقاء پیدا کرده اند که همان صداقت و دلسوزی است. چنانچه در جا مع از التزام عملی به جنین ملاکی وجود داشته باشد، زمینه توافق هم و تحمل جریانهای فکری مستقل و متفاوت فراهم خواهد شد.

۳- "انحلال حزب جمهوری اسلامی و تنش در نظام"
حزب جمهوری اسلامی در ابتدای پیروزی انقلاب از سوی یک شورای مرکزی پایه گذاری شد. حزب در درون به کار ایدئولوژیک نپرداخت و بقول حجت الاسلام خامنه ای بیان گروه ایدئولوژیک آن صفر بود. لذا اختلافات فکری و

بینشی از حوزه ها به درون حزب کشیده شد و آنرا جناح بندی کرد. بصورتی که رهبران حزب در آستانه انحلال آن اعلام کردند که مشکل حزب اختلافات بینشی بوده است.

در شرایطی که حزب بتدریج به وسیله عناصر مرموز جناح بندی و متشنج میشد رهبران برای پیشگیری از انتقال تنشهای درون حزب به داخل نظام دست به انحلال زدند. لیکن از آنجا که منشا این تنشها اختلافات فکری بود انحلال نه تنها راه حل آن نبود بلکه موجب شد که در نظام و کشورگسترش یافته و جناحها بصورت با رزتری در برابر هم صف آرایی کنند. لذا پس از طی یک دوره اختلافات بینشی موجود خود را بعنوان یک واقعیت به نظام و انقلاب نشان داده است.

۴- "خلأ فقهی"
حجت الاسلام رفیعی در سخنرانی خود در دانشگاه هزممان با اعلام انحلال حزب به خلأ فقهی در نظام بعنوان اصلی ترین نیا زا شا ره کردند. البته فقهی که راهگشای مشکلات بین شورای نگهبان و مجلس باشد.

پس از آن شورای تشخیص مصلحت بوجود آمده عمدتاً یک پدیده تشکیلاتی بود و ملاک قرآنی تشخیص مصلحت دقیقاً تعین نشد.

۵- "خلأ ایدئولوژیک"
در سمینار تحکیم وحدت به خلأ ایدئولوژی راهنمای عمل و فقدان یک تشویری منسجم علیه امیرالیم اشاه شد و حتی در یکی از شاخه های آن اعلام شده بود که ما رکسیسم-لنینیسم منسجم ترین تشویری فدا امیرالیم است.

"ضرورت های استراتژیک"
۱- "تداوم انقلاب و حفظ نظام"

آقای صدر معاون سیاسی وزارت کشور اخیراً در جلسه معاونین سیاسی استانداریهها در باره ضرورت فعالیت سالم احزاب و اجرای قانون احزاب اظهار داشت که این امر: الف- موجب جلوگیری از بروز دیکتاتوری در جا مع شده ب- از هرج و مرج سیاسی جلوگیری کرده، ج- از سقوط انقلاب مانع خواهد شد.

د- باعث تقویت نظام در حل مسائل سیاسی اقتصادی میگردد. ه- وبه یک کار سازی عمومی در سطح انقلاب منجر میشود. برای مطالعه بیشتر میتوانید به متن سخنرانی اشان و وزیر کشور در سمینار معاونین سیاسی ... در کیهان ۶۷/۱۱/۱ و همچنین به قرا زهای مهم آنها در خبرنا مه همین شماره راه ما هد مرا جمع کنید.

۲- "تقدم با زسازی انسانی بر زسازی اقتصادی"
بعد از پذیرش قطعنامه برقرار آتش بس با زسازی کشور بصورت شعار اصلی نظام درآمده است. عده ای معتقدند با زسازی اقتصادی غیرا بسته بدون با زسازی ناسانسیج مردم و نیروهای انقلاب ممکن نیست.

آیت الله منتظری معتقد است از ادب های سیاسی انسجام درونی انقلاب را در مقابل امیرالیم با لبرده و استقلال کشور را حفظ میکند.

این عده معتقدند بدون با زسازی انسانی ما ناگزیریم به منابع مالی و شرکتهای خارجی برای با زسازی اقتصاد کشور تکیه کنیم که به اصل انقلاب ضربه خورده و موجب تخریب کشور و انقلاب خواهد گردید.

این جریان از سیرگرایشه غرب احساس خطر کرده و با ساز شدن جو سیاسی جا مع را از یک سو کامی در راه مقام و مسست در مقابل این سیر و در نتیجه حفظ استقلال کشور میداند.

و از سوی دیگر با قانومند کردن فعالیت های سیاسی در صداست از جویازی و ایجاد دیک فضای غیر انقلابی از سوی تشکلهای راستگرا و متمایل به غرب پیشگیری نماید.

همچنین عده ای میگویند اجرای قانون احزاب بدون حمایت امام نیست و امام میخواست که در یک ارزیابی مجدد، نیروهای رشید بنده در انقلاب را فعال کرده و بهتر بشناسد.

قانون اساسی یکی از سنگرهای قوی و موثری است که میتواند با افکار و غیره انقلابی مبارزه کرده و نظام جلوزه را انحلال و متحول کند.

آزادی ذاتی انقلاب و از اهدافا مسلم است. بگونه ای که آنها دبا یدار و ذاتی در نظام سیاسی و اجرایی کشور تبدیل و تثبیت کنیم و آنرا از ضرورت تاریکی به نیا دی استراتژیک و ضرورتی ایدئولوژیک تبدیل نما شیم تا آنها د خوبی برای انها دا نقلا سی گشته و امیرالیم به آن امید ببندد.

۳- "آزادیهای قانونی و جنگ"

عده ای میگویند در زمان جنگ برای حفظ وحدت داخلی در برابر دشمن اجرای قانون اساسی و فعالیت احزاب به صلاح نبود ولی حال که جنگ تمام شده مانعی برای اجرای قانون وجود ندارد.

اولاً- با بد رسید اگر در دوران جنگ راه حل های مفید و با انتقاد وجود داشته باشد بطور یا بدیا ن شود و چگونه با انقلاب را از اشتباهات حفظ کرد تا پس از ۸ سال جنگ و تقدیم این همه شهیدان شیم بگوئیم که ما اشتباهات زیادی داشتیم. اگر در دل جنگ آزادی با شد و نظرات مطرح شود به آنها ترتیب اشر داده شود انقلاب و نظام بهر حفظ میشود. ثانیا- اگر طرفداران این عقیده جنگ را یک بحران میدانند باید گفت: حال که بقول امام بحرانها بیشتر از زمان جنگ است. بنظیر بحران طح مسلح، بحران نه جنگ نه صلح و دیگر بحرانها و احزاب اگر بخوانند بیشتر میتوانند به انتقاد بدیدارزند. بهتر است به این اصل توجه داشته باشیم که آزادی وجه لاینفک استقلال و مبارزه با امیرالیم است و هم در جنگ هم در صلح باید به آن وفادار بود.

۴- "آزادی از موضع مصالح خارجی"

یک جریان از موضع گرفتن اعتبارات خارجی برای با زسازی کشور و جذب افکار عمومی غرب میخواست که آزادی باشد. در حالیکه آزادی و حقوق بشر مورد نظر غرب که کمک های خود را مشروط به رعایت آن میکند، آزادی غیر انقلابی بوده و از این موضع نمی شود به آزادی واقعی رسید. آزادی از این موضع مخالف استقلال بوده و با فشار غرب به سرکوب نیروهای استقلال طلب و با انحلال آنها ی انقلابی خواهد انجامید. ضمناً غرب در این مسیر یکا رنشته و توسط دستهای مرموز و شبکه های وابسته به شناسائی و ترور و ایجاد درگیریهای داخلی خواهند پرداخت.

اولاف پالمر نخست وزیر وقت سوئد و اشل جنگ از سوی ما زمان ملل به ایران و عراق سفر کرد و در جمع بندی از این سفر اعلام نمود برای ایران جنگ با یدی رژیمهای دو کشور تعدیل شوند. کلاً غرب در طول جنگ تعدیل دو کشور و تحمیل شرایط خود بخصوص به ایران بوده است.

بعد از تحمیل قطعنامه ۵۹۸ اصرار غرب در مورد آزادی برای تقویت جریان میا نه رو بوده و از این موضع تن دادن به آزادیها موجب کامرانجام فدا امیرالیم است و نظام و انقلاب میگردد. آنچه این نظریه را تقویت میکند این است که در عراق هم چندی قبل کلیه زندانیان سیاسی آزاد و مقدمه فعالیت احزاب و "بخش خصوصی" فراهم گردیده است.

۵- "نیای غرب به ارزیابی مجدداً انقلاب"

عده ای معتقدند پس از ده سال انقلاب و هشت سال مقاومت در جنگ تحولات زیادی در جا مع ما رخ داده است و نیروهای جدید با بینش و تجربیات انقلابی رشد کرده اند که بسیاری از آنها برای دستگاری اطلاعائی و تحقیقاتی غرب ناشناخته هستند.

قیام مردم الجزایر در شرایطی اتفاق افتاد که غرب این کشور را سرپل و نقطه سرد در شمال آفریقا تلقی مینموده قیام انتفاضة مردم فلسطین در شرایطی اتفاق افتاد که سرای عربی ر کردها می خود و همچنین اسرائیل ایران را دشمن اصلی خود اعلام نمودند. غرب روی مصر را هم به گذاری کردها و در نهایت و بقیه در صفحه ۲۵

ریشه یابی پذیرش قطعنامه ۵۹۸

انگیزه و ضرورت :

جریانی در ریشه یابی پذیرش قطعنامه با استناد به جمله حضرت علی (ع) که میفرمایند: "لاری لمن لا یتعاطی" معتقدند که: بدلیل عدم استقبال مردم از رفتن به جبهه و بالطبع کم شدن اعزامها پذیرش قطعنامه یک عمل طبیعی و اجتنابناپذیر است. این جریان که در تحلیل نهایی نشان مردم را مقصودانسته و تلویحا "به کوفتگری" مینمایند، استدلالشان این است که نظام جمهوری اسلامی برای اعزام مردم به جبهه تلاش زیادی نمود و ولی این تلاشها موثر واقع نگرفت. بخصوص مدتی قبل از پذیرش قطعنامه اطلاعاتی زیادی از طرف بسیج و سپاه و دیگر ارگانها برای اعزام به جبهه منتشر میشد که در عمل با استقبال عمومی مواجه نشد. در مقابل این استدلال اعتقاد بسیاری از رزمندگان بر این است که انصافاً نمیتوان مردم را مقصود اعلام نمود چرا که مردم با ایثار و فداکاری و تقدیم نمودن شهدای گرانقدری در این راه دین خود را به انقلاب اسلامی ادا کردند. خیل عظیم مجروحین و جانبازان و اسرا گناه دیگری بر این مدعاست و پدر و مادران داغ دیده، فرزندان بی سرپرست و خانههای ویران، بر این از خود گذشتگی مردم شهادت میدهند. آیا با وجود این همه دلایل ملموس میتوان مردم را متهم به کوفتگری کرد؟

جریان رزمنده در رابطه با صداقت و آز خود گذشتگی مردم، بر اساس مشاهداتشان دلیل دیگری ارائه میدهند. این جریان میگوید بعد از پذیرش قطعنامه و حملات به روحانهای که ستون پنجم رجوی با حمایت صدام و امیرالهیسم نمود، دیدیم که مردم چگونه به جبهه های مختلف روانه شدند و بقول یکی از فرماندهان جبهه غرب، آنچه که مملکت رانجات داد انبوه غیرتهای مردم بود که منظورشان از انبوه غیرت همان نیروهای داوطلب مردمی بودند که خودشان به سمت جبهه ها هجوم آوردند. و این خود یک حرکتی خود جوش بود که فوق همه تشکیلاتی موجود منجمله ارتش و سپاه و... عمل نمود.

شهید عبدالله مهنی نماینده دفتر نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه گفته بود: سرنوشت جنگ وقتی تعیین میشود که جنگ بیست و دو بهمن گردد. و حرکت مردم در کربلا و اسلام آباد از اینگونه بود. ریشه این حرکت بیست و دو بهمنی در چند عامل نهفته بود.

الف - صداقت امام :

امام در توضیحاتی که در پیام حج دادند و پذیرش قطعنامه را همچون خوردن جام زهر دانستند، در جمله ای قریب بدین مضمون

گفتند که تا چند روز قبل من بوسرمواضع اعلام شده بودم ولی حالا بدلیل از آنها دست کشیدم و آبروی خود را با خدای معامله کردم. که این توضیحات در میان واقعه های موجود اشک را از دیدگان دلسوخته های انقلاب سرازیر کرد و آنها را در غم و اندوه امام شریک نمود.

ب - حماقت رجوی :

رجوی پس از آن همه شعارهای ضد جنگ و به ظاهر صلح طلبانه و سرازیر آنکه قطع نامه از سوی ما پذیرفته شد با حمایت صدام و آمریکا به خاک ایران تجاوز نمود. این تجاوز آشکار خون را در رگهای بسیاری از مدافعین میهن اسلامی بجوش آورد و انبوه غیرتهای مردمی ثابت نمود که بسیجها از جنگیدن خسته نشده اند.

ج - همبستگی ملی و عشق به میهن و تمامیت ارضی :

همبستگی ملی موجب شد که اکثر نیروها جدا از اختلافات فکری موجود در دفع این تجاوز قاطعیت داشته باشند. باید توجه داشت که اگر مردم به لحاظ آماری در مقطعی کمتر از رفتن به جبهه استقبال میکردند، نمیتوان در ریشه یابی مردم را مقصودانسته و عواملی که مردم را از شور و شوق انداخته بودند نادیده گرفت. قابل ذکر است که وقتی به مقصودها سبب اشاره میکنیم منظور محاکمه فرد یا جریانی نیست، بلکه ضرورت جلوگیری از تکرار ضربه است که ایجاب می کند، عوامل اساسی در این قضیه بی گیری شوند. همانگونه که در سنت پیامبر (ص) هم مشاهده می کنیم، می بینیم که آن حضرت پس از ضربه "احد در ریشه یابی قضیه با همان تنگه داران اشاره می کنند. ولی از طرفی نه تنها آنها را محاکمه نمی کند، بلکه در ادامه مبارزه از آنها در پیشبرد حرکت اسلامی استفاده می نمایند.

۱ - چرا هر سال را سال پایدان جنگ اعلام کردیم؟

در سالهای بعد از عملیات فتح المبین هر سال مسئولین مطرح میکردند که امسال - سرنوشت جنگ مشخص میشود. و می گفتند سرنوشت جنگ یکطرفه خواهد شد. ولی مناسفاً نتوانستند سرنوشت آمده برخلاف پیشبینی فوق از آب در میآید، که این خود تدریجاً زمینه بی اعتمادی به وعده های داده شده را تشدید کرد. حداقل اگر مردم در درسوزی مسئولین نسبت به تعیین سرنوشت جنگ شاک نمی کردند ولی بعد از هر ضربه ای این مسئله به اذهان خطور میکرد که آیا مسئولین

آیا مردم مقصودند یا...؟

سیاسی نظامی مصلاحتی طراحی خط مشی نظامی را دارند؟ حتی اگر این موضوع که امسال جنگ پایان میپذیرد، به نیت انگیزه مند کردن مردم برای حضور در جبهه ها میبود آیا تلویحا این نوعی مردم فریبی را در ذهنها تدلیس نمیکرد؟ در حالی که اگر به مردم گفته می شد که ما در این جنگ تحمیلی یک دفاع دراز مدت را در پیش داریم از یکسو امت امام روند زندگی شان را متناسب با جنگ طولی - مدت هماهنگ کرده و از سوی دیگر به بهر روزی زودرس دلخوش نمی کردند. که در این صورت ضربات مقطعی هم نمی توانست موجب نزول کیفی بسیج مردم گردد.

۲ - عمل گسترده بدون آموزش و شناسایی

آیا عملیاتیایی چون رمضان، خبیره بدره، والفجر مقداتی و دیگر عملیاتیایی گسترده که طی آن مردم میدانهای مین را در نورپردی و شهدای بسیاری را تقدیم کردند، در ریشه یابی ضربات فوق باید مردم را مقصودانیم و یا اینکه اشکال را در انتخاب شیوه عمل گسترده آن هم بدون آموزش و شناسایی کافی جستجو کنیم. بسیاری از رزمندگان در برگشت و عقب نشینی از این

اگر به مردم گفته میشد که ما در این جنگ تحمیلی یک دفاع دراز مدت را در پیش داریم از یکسو امت امام روند زندگی شان را متناسب با جنگ طولی - مدت هماهنگ کرده و از سوی دیگر به بهر روزی زودرس دلخوش نمیکردند که در این صورت ضربات مقطعی هم نمیتوانست موجب نزول کیفی بسیج مردم گردد.

گونه عملیاتیها با خیل اجساد شهیدان و مجروحین روبرو می گردیدند که غم و اندوه ناشی از دیدن این جراحتها و شهدا تنها آنها را منقلب نمیکرد. چرا که در برخی موارد هم قادر به نجات مجروحین و یا منتقل نمودن اجساد شهیدان نبودند. آیا این مسائل را نمیتوان از دلایل انفعال دانست؟

۳ - توجیه نشدن کافی نیروها برای ورود

به خاک عراق و دست یازیدن به اعمالی چون مقابله به مثل موشکی که علیرغم مخالفت امام با اینگونه اعمال، صورت میگرفت آیا نمیتواند عاملی در جهت انفعال مردم محسوب گردد؟ گرچه مطمئناً که علیرغم اعمال این شیوه های غلط نیت بسیاری از برنانه ریزان خیر بود، ولی آیا اصولاً چنین کارهایی بایک جنگ رهائی بخش که هدفش نجات ملت عراق و مستضعفین جهان بود - مطابقت داشت؟

۴ - استمرار توده ابزار
اینکه در عملیات بزرگ و گسترده به منظور سرعت، دقت و وفالگیری دشمن مردم بدون شناسایی و توجیه کامل به عملیات - فرستاده و به عنوان ابزار کار گرفته میشدند آیا استمرار این توده ابزار که ارزش مردم را تا سطح یک ابزار نظامی تقلیل میداد، موجب انفعال مردم نسبت به جنگ نشد؟

۵ - روش جنگی ما و روش جنگی آنها

در هر کدام از جنگهای اسلامی برهبری پیامبر یا ائمه اطهار می بینیم که خود آنها را حلوانتاده و در میدان رزم شرکت میکردند. در جنگمان با عراق این سنت تا چه حد الگویمان بود؟ آیا یک نفر روحانی مسئول از سطح حجت الاسلام به بالا در جنگ به طور حرفه ای شرکت داشت؟ (البته بازیدها و وسرکشیاها و سخنرانیها و... را باید در رابطه ای دیگر بررسی کنیم). اگر از روحانیون هم در جبهه ها حضور پیدا میکردند اساساً "تلاشی بودند که بعد از انقلاب با روحیه بسیجی به جرگه روحانیون پیوسته بودند. یکی از رزمندگان حرفه ای میگفت در حالی که صدام، عدنان خیرالله و ماهر عبد الرشید را "ثامنا" به جبهه سرکشی می کنند و حساسی جاسات فرماتدهی خود را در جبهه ها اثر مینمایند، در همان شرایط عملیاتی مسئولین حتی وضعیت مشابه و طموس بر آری رزمندگان نداشتند. آیا این مسئله نمیتواند دلیلی برای انفعال مردم محسوب شود؟ آیا باز هم باید بگوییم که در تحمیل قطعنامه مردم مقصودند؟ شهید حنیف نژاد میگفت: "یکی از دلایل مهمی که باعث گردید مردم ما نسبت به احزاب بدبین شوند این بود که مسئولین احزاب همیشه توده ها را جلومی انداختند که بطور مثال دیدیم مسئولین حزب توده در جریان کشاکش سیاسی از اعدام مصون ماندند." شهید حنیف نژاد میگفت: "ما بایستی

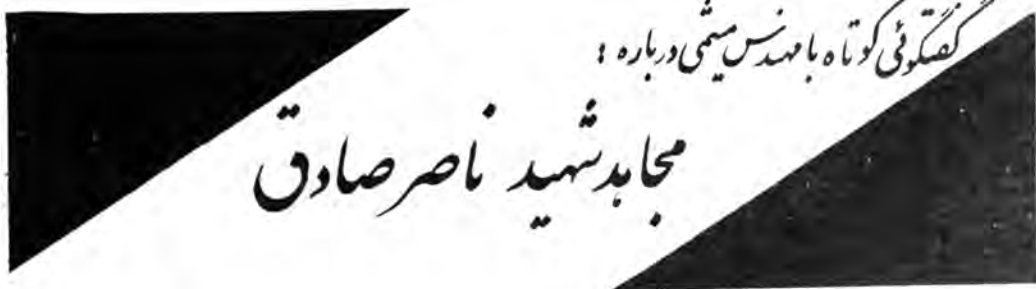
اگر به مردم گفته میشد که ما در این جنگ تحمیلی یک دفاع دراز مدت را در پیش داریم از یکسو امت امام روند زندگی شان را متناسب با جنگ طولی - مدت هماهنگ کرده و از سوی دیگر به بهر روزی زودرس دلخوش نمیکردند که در این صورت ضربات مقطعی هم نمیتوانست موجب نزول کیفی بسیج مردم گردد.

کاری کنیم که این اعتقاد را در مردم بوجود آوریم که مسئولین مجاهدین در خون دادن پیشتاز هستند. از آنجا که شهادت یک فوز و رستگاری است، چه بهتر که آگاهترها و مسئولترها به این فوز برسند.

۶ - آیا شرکت فعال نظام در جبهه نمیتوانست قبل از پذیرش قطعنامه باشد؟

در حماسه دفاعی کردند و اسلام آباد دیدیم که در سطح مملکت همه جوشیدند و جبهس و آرزو زندگی کنده روانه جبهه ها شدند از تشکیلات نظام جمهوری اسلامی هم بسیاری از مسئولین و ائمه جمعه و جماعات روانه جبهه شدند. حال فرض میکنیم که مردم دیگر از اداه جنگ خسته نشده بودند، آیا تشکیلات نظام جمهوری نمیتوانست یک چنین بسیجی را قبل از پذیرش قطعنامه

گفتگویی کوتاه با مهندس شیخی درباره مجاهد شهید ناصر صادق



وصیت نامه غیرارسی ناصر صادق
بسم الله الرحمن الرحيم

بدر - مادرگونی و برادران و خواهران عزیزم و سایر دوستان و برادران
عقدی در این راه تا کمال افکار قدم گذاشتم و با آخر لحظه هم آن را با
اعتماد کامل ادامه دادم. چه اوصی من است که تمام دوستان و آسازان
بگویند که منظر قدم گذاردن شما در این راه همس و والسلام
ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

و وصیت نامه غیرارسی ناصر صادق
بسم الله الرحمن الرحيم

فرمان همگی با -
فرمان کریم



بسم الله الرحمن الرحيم
بدر - مادرگونی و برادران و خواهران عزیزم و سایر دوستان و برادران
عقدی در این راه تا کمال افکار قدم گذاشتم و با آخر لحظه هم آن را با
اعتماد کامل ادامه دادم. چه اوصی من است که تمام دوستان و آسازان
بگویند که منظر قدم گذاردن شما در این راه همس و والسلام
ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون



قطعه شعر زیر را مجاهد شهید محمد بازرگانی
در شکنجهگاه اوین سروده است

پیروزی

درون سلولم ، در انتظار روز موعودم
دل من تنگ گشته است
ز خود برسم ؛ بگو فردا چه خواهد شد ؟
حوانانی دلیر و پاک تر از من
برون آیند و رزم خلق را ، ره ببمایند
و مردم را بسوی فتح می خوانند
و خون ما ز دشمن بازستانند
و من با این امید زرفی تنهایم
هتی در انتظار روز موعودم
- که تبری در سحرگاهی درون سینه
ام را باز شکافند
و خونم را روان سازند
مرا از هر گناهی پاک گردانند
و فردایش
شقی یک ذره رنگش سرخ تر گردد
که این سرخی ، ز خون ما شهیدان مایه می گوید
خراغ دیگری در راه
روشن مینماید حق
وران پس سربلند و رو سپیدم من
که بر عهدم وفا کردم
و گوئی نیک می بینم بدنیالم
خوش خشم مردم را
که چون موجی بیا خیزند
و بخروند و منت آهین
بر بیکر فرسوده و لرزان شب گویند
و در فرجام ،
ظلمت محو میگردد
و تب پایان همی باید ،
فروع آفتاب صبح مینماید ،
فروغی گرم و جان افزا
به خاک ما و بر ویرانه کاج تنهاران
و مردم نادمان گردند ،
و یک بار دیگر انبیا میگردد ،
سراجام تبرید تودهها اینست ؛
پیروزی ؛
و من با این امید زرفی تنهایم
کنون - در انتظار روز موعودم

اواسم شاه مراد دلفانی را نمیگفتم که مباردا
قاچاقچیان از تحصیل کرده هازده شده و
همکاری شان با جنبش مسلحانه ادا نموده
البته شهید صادق آن موقع نمیدانست
شاه مراد با ساواک همکاری میکرد . است .
در اینجا لازم است گفته شود که مرحله اول
استراتژی سازمان قبل از سال ۵۰ قیام
سازمان پیافته شهری بود . بدین شکل که
۱۵۰ تا ۲۰۰ انفجار و اعدام انقلابی در
شهرها انجام شود . بدینال این ثبات شکنی
در شهرها پیش بینی می شد که ارتش و
ژاندارمری به شکل کوری وار در شهرها شده
و حکومت نظامی برقرار کنند . در نتیجه مردم
ناراضی میشدند . چون توجه دشمن به
شهرها معطوف میگشت ، بنا بود که مجاهدین
به روستاها بروند .
در این راستا بود که شهید صادق با شاه
مراد دلفانی برای تهیه اسلحه آشنا میشود
شاه مراد ساواکی بود ولی خود را قاچاقچی
اسلحه جاییزند . البته سال ۴۲ دستگیر
شده بود که معلوم نیست آن موقع هم ساواک
همکاری میکرد با در زنتان به همکاری کشیده
شد . (در مقاله دستهای مرموز - امجاهد ۵۱)

بعد از آشنائی با شاه مراد ، ناصر مدتی
تحت تعقیب ساواک بود . در یکی از این
تعقیب و مراقبتها ، ساواک یک تصادف
مصنوعی به راه میاندازد و اسراییلی که با
ساواک همکاری داشت از او کارت شناسائی
میگیرد . بدین ترتیب اسمش را میفهمند و از
روی آن منزل و محل کارش (که یک کارخانه بود)
را پیدا میکنند . بعد از آن در تعقیب و مراقبت
هروقت او را میگردند ، از مسیری که میرفته
حدس میزدند که کجا خواهد رفت ، همانجا
میرفتند و او را پیدا میکردند .
بعد از عید سال ۵۱ چهار نفر را به
اطاقی که قبلاً سی نفر زندانی بودند
بردند . این چهارتن ناصر صادق ، محمد
بازرگانی ، سعید رجوی و علی میهن دوست
بودند . من در آن موقع با فتح الله خاچه
در سلول انفرادی بودیم و با سلولهای دیگر
تماس داشتیم .
یک سرباز بود که برایمان خبر میآورد . یک
روز آمد و با ما را حتی گفت این چهار نفر
را اعدام کرده اند .
سعید رجوی را از اطاق یک بند یک از
محمد ناصر وطنی میهن دوست جدا کرده و به
زند ان قزل قلعه بردند و علی باکری را از
سلول انفرادی به اتفاق آن سه نفر به میان
تبر بردند و به شهیدات رساندند .
روحشان شاد

سی ام و سی یکم فروردین ماه ، یادآور شهادت چند تن از بهترین
فرزندان میهن اسلامی مان است این عزیزان در آن سالهای ظلم و
خفقان بیخاسته و با پیوستن به سازمان مجاهدین به مبارزه ای قهر
آمیز علیه سلطنت وابسته و ساواک و . . . پرداختند ، به همین دلیل
در ابتدا نگاههای رژیم پهلوی محاکمه و به اعدام محکوم شدند .
در ۳۱ فروردین سال ۵۱ مجاهدین شهید علی میهن دوست ، ناصر
صادق ، علی باکری و محمد بازرگانی و در ۳۰ فروردین ۴ مجاهدین
شهید کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل به شهادت رسیدند
مجاهد شهید علی اصغر منتظر حقیقی نیز در ۲۹ فروردین ۵۱ در
درگیری با مزدوران رژیم ، به شهادت رسید .
به همین مناسبت بر آن شدیم که برای در سرگیری از زندگس آن
عزیزان گفتگوی کوتاهی با مهندس لطف الله میثمی پیرامون ویژگیها و
. . . آن عزیزان انجام دهیم باشد که صفات انقلابی آنان سر
مشو مبارزات ماعلیه ظلم و کفر کمپ د بویدی قرار گیرد .
قابل ذکر است که به علت تراکم مطالب و کمبود جا پیرامون شهیدان
میهن دوست ، باکری و بازرگانی در شماره آینده صحبت خواهیم کرد
ضمناً در مورد ویژگیهای شهیدان ذوالانوار و خوشدل به راه مجاهد
شماره ۶ مراجعه فرمائید .

خانه را تخلیه کند . ولی چون عجله داشت
اسلحه را برنداشته بود ، آوردن اسلحه از
انجام مذکوری شده بود ، چرا که احتمال لو
رفتن خانه و تحت مراقبت بودن از طرف
ساواک ، میرفت . شهید ناصر لباس افسری
پوشید و با شهادت بسیار رفت و اسلحه را
آورد .
در همان سالهای ماشین قدیمی داشتم
میخواستم بفروشم . او کمک زیادی کرد .
میگفتنیک اش خیلی خوب بود . خلاصه ماشین
را روبراه کرد و فروختیم .
س - ویژگیهای بارز شهید صادق چی بود ؟
ویژگیهای که در شرایط فعلی میتواند به ما
کمک کند .
ج - علاقه زیادی به آیت الله طالقانی
داشت و یکی از مستمعین پر و باقرص مسجد
هدایت بود .
موتورسوار ماهر بود ، بطوریکه کترکسی
جرات میکرد ، ترک موتور او بنشیند . ساواکیها
بعد از ضربه ، ۵۰ گفتند : برای تعقیب وی
۱۶ موتورسوار زنده از شهرستانها خواسته
بودیم .
ساواکیها بعد از دستگیری وی موتورسوار
به اوین آورده بودند و مرتب و روان میگردند ،
یکی یکی سوارش میشدند تا ببینند چه فرقی
با موتورهای دیگر دارد .
از دیگر کارهای وی جاسازی کردن چند
اسلحه در منزلشان بود . بعد از لورفتن ،
ساواکیها به آنجا رفته و پیدا کرده بودند . به
قدری ماهرانه جاسازی کرده بود که حتی
اعضای خانواده اش در این چند سال
نفهمیده بودند . بعداً ساواکیها به
یکدیگر میگفتند " خوبست مانیز برای اسلحه
- هایمان اینگونه جاسازی کنیم تا در نبرد
در زندان عمومی اوین با هم بودیم آنجا
هم فعال بود مثلاً جمع بندیهای خیلی
ریز برای دیگران میگفت . یاد اوقات فراغت
به بچه ها میمانستیک یاد میداد (ناصر
قهرمان زینما ستیک دانشگاه بود)
در اوین او را خیلی شکنجه کرده بودند

س - نحوه آشنائی شما با شهید ناصر صادق
چگونه بود ؟
ج - بسم الله الرحمن الرحيم در سال ۴۲
فارغ التحصیل شده بودم . همان سال در
رابطه با دادگاه آیت الله طالقانی و مهندس
بازرگان و . . . به زندان افتادم . این زندان
هفت ماه طول کشید . بعد از آزادی کارت
آماده به خدمت گرفته و چند ماهی به
سرمازی رفتیم مانده بود . در این فاصله یک
کلاس از طرف انجمن اسلامی دانشکده فنی
تشکیل شد . کارمان در آن کلاس ۳ نفره
پس از قرآن با ترجمه ، خواندن و بحث کردن
کتاب " راه طی شده " مهندس بازرگان بود .
در آنجا بود که با شهید صادق آشنا شدم و او
بچه مذهبی و متشرعی بود .
در رابطه با علت تشکیل اینگونه کلاسها
باید بگویم که یکبار قبل از دستگیری ام در سال
۴۲ با شهید حنیف نژاد در قدردین آیت الله
بهشتی رفتیم . ضمن صحبتهای دیگر در
مورد آموزش ایدئولوژیک پرسیدیم ، شهید
بهشتی گفت " کتاب راه طی شده کتاب بسیار
خوبی است در زمینه اصول دین " . بعد از
آن بر آن شدیم " راه طی شده " را تیمی دسته
جمعی بخوانیم نه فردی .
س - چه خاطراتی از آن شهید به یاد
دارید ؟
ج - بعد از چند سال پدرش حاج احمد
صادق را دیدم ، صحبتهای رد و بدل شد
که احساس کردم ناصر فعالیت شدید
مبارزاتی دارد . خیلی خوشحال شدم
مدتی همینگونه (غیر مستقیم) از او با خبر
بودم تا اینکه یک روز در یکی از خانه های
سازمانی وی را دیدم . شهید سعید محسن
پرسید " او را شناختی ؟ " گفتم آری پدر حاج
صادق است . آنروزها خانه ای در چهار
راه گلشن داشتیم ، خانه مرکزی بود ، در
آنجا میدیدمش .
یکبار یکی از بچه ها در خانه اش اسلحه جا
سازی کرده بود . بدلائلی مجبور شده بود

کسرسیوم

یا دخالت استعماری شرکت های خارجی در ایران

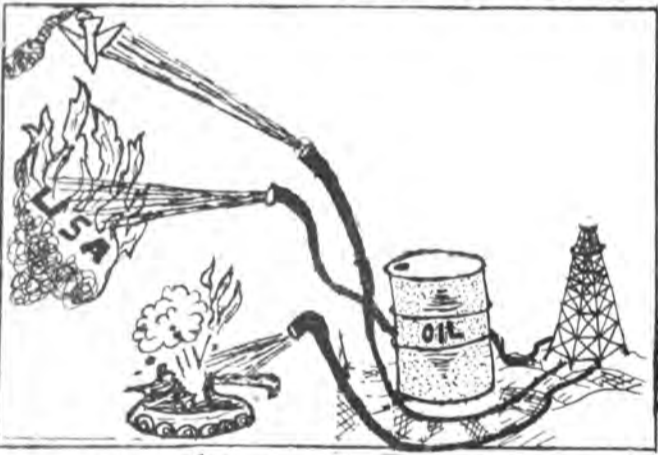


انگیزه نگارش:

مقاله زیر که در شماره ۳۲ با قرارداد نفتی کسرسیوم توسط مهندس کاظم حسینی در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نگاشته شده است به افشا کردن چهره پیچیده این قرارداد استعماری پرداخته و محتوای اسارت بار آنرا در مقایسه با قراردادهایی چون داری و ۱۹۳۳ نشان داده است. قرارداد فوق چهره کزیه خود را پشت منطبق عوام فریبانه ای پنهان کرده بود که میگفت با دخالت دادن شرکت نفتی از کشورهای جهان برخلاف گذشته مانع دخالت انگلیسیها در امور داخلی ایران خواهیم شد و بر اساس چنین استدلالی دولت کودتا بنام استقلال ایران و قانون ملی شدن نفت قرارداد کسرسیوم را منعقد نمود. امیدواریم که چاپ مقاله حاضر گامی باشد در جهت شناخت هر چه بیشتر کارتها و تراستهای بین الطلی که در استثمار ملل نه در قالب یک کشور بلکه بصورت دسته جمعی و فراملیتی عمل میکنند. با توجه به اینکه راحلهای بازسازی ایران و نحوه مشارکت شرکتهای خارجی در امر بازسازیها و... مورد بحث و بررسی است مطالعه مقاله حاضر بعنوان یک تجربه زندگانی می تواند کمک زیادی به ما در اتخاذ تصمیماتی که حافظ استقلال کشور و ارزشهای انقلاب اسلامی باشد بنماید - انشاء الله

مناخ ما و جلوگیری از غارت ثروتان باقی نخواهد ماند نباید فراموش کرد که بدلیل سهام و مشارکت منافع که شرکت سابق نفت با عده ای از اعضای کسرسیوم و بخصوص شرکت فرانسوی و بالاخص گروه "روسیال" داشت در حقیقت از هم اکنون اکثریت اراکین شرکت کسرسیوم در دست شرکت سابق و بنابراین در اختیار سیاست خانمان برانداز انگلستان میباشد و تمام ادعاهای مشعر به در اقلیت بودن آن شرکت جز ظاهر سازی چیز دیگری نیست. مگر ملت ایران طرز عمل پنجاه ساله شرکت سابق نفت را که نماینده یک دولت خارجی و عده ای از سرمایه داران غارتگر انگلیسی در ایران بود با خود فراموش کرده است که اکنون شرکت خارجی و دولت بزرگ را بر سر نوشت خود مسلط گردانیدند.

قدرت و شدت عمل شرکتهای بزرگ بهره برداری در کشورهای مختلف جهان امروزه به پایهای رسیده که هر ملتی را صمم به اخراج آنها از صحنه اقتصاد خود نموده است. امروز نهضت های ملی در اکثر



کشورهای تحت استثمار بدست آمده دارد و هر کشوری با تصویب قوانین ضد استثمار مربوط به ملی شدن صنایع داخلی دست بیگانگان را از بهره برداری از منابع طبیعی خود کوتاه میکند لیکن در ایران دولت ما بجای آنکه قانون ملی شدن صنعت نفت را طوری اجرا نماید که دست شرکت سابق نفت از بهره برداری از منابع نفتان کوتاه شود تا بدین طریق وسیله رشد سیاسی اقتصادی و اجتماعی ملت ایران در در دخالت بیگانگان فراهم گردد برعکس راه نفوذ و سلطه کشورهای بیگانه را بر ذیقیمت ترین منبع ثروت ایران باز میکند و سر نوشت مردم این کشور را برای مدت ۵۰ سال در اختیار کمیته ای میگذارد که برای بهره برداری از منابع کشورهای دیگر و درهم کوبیدن نهضت های استقلال طلبانه آنها روز دستهای ناپاک خود را بخون مردم بوده میسازند... مثال زنده و بارز همان حوادثی است که چند روز قبل در بزرگترین اتفاق افتاد و دنیای را به حیرت و تأثر واداشت... عده ای از فرماندهان ارتش بزرگ با وارکاس رئیس جمهور ۲۱ ساله به مخالفت برخاستند... چون فرماندهان نظامی و توطئه گران علیه استقلال کشور ملت بزرگ فشار خود را بر رئیس جمهور شدیدتر و عرصه را بر او تنگتر ساختند وی بجای آنکه در برابر دشمنان آزادی و استقلال ملت خود سر تسلیم فرود آورد دست به شرافتمندانه ترین اعمال زد و جان خویش را فدای مصالح ملت خویش نمود... تنها گناه این فرد این بود که میخواست نیروهای استعماری سرمایه داران خارجی را از کشور خویش براند و راه را جهت رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی کشور خویش هموار سازد.

اقایان محترم! آیا اینگونه وقایع نمیبایستی سر مشق ما قرار گیرد و به ما درس عبرت بیاموزد؟
- والسلام

شرکتهای عضو این کارتل بین الطلی میکنند روشن میشود و البته یک چنین خدمتگاری میبایستی پاداش و تعریفی را که جناب آقای دکتر امینی از سراسر جهان نفت خوار دریافت داشته اند در برداشته باشد چون حوزه خلیج فارس بزرگترین منبع تولید نفت نیکوترین شرقی یعنی آسیا و اروپا و آفریقا و اقیانوسیه میباشد بنابراین با واگذاری نفت ایران طبق این قرارداد به کسرسیوم مرکب از شرکت بزرگ جهانی اعضای کسرسیوم عملاً تمام ذخیره و تمام تولید نفت خام و چهار پنجم تصفیه خانه های نیکوترین شرقی شامل آسیا اروپا آفریقا اقیانوسیه را در اختیار خواهند داشت و با توجه به اینکه نفت ماده حیاتی و خون تمدن امروزی است نیکوترین شرقی بخصوص آفریقا و آسیا ۱۰۰٪ در اختیار سیاست این کمیته ای و دولتی که برای پیدا کردن این راه حل کوشش کرده اند یعنی آمریکا و انگلیس و هلند و فرانسه قرار خواهند گرفت به همین دلیل قیستی که برای نفت خام در خلیج فارس در سراسر اروپا آسیا آفریقا اقیانوسیه معین کرده و میکنند به منظور افزایش عواید خود آنها و کم کردن فی کشورهای خاورمیانه است و به هیچ وجه متکی بر اصل "جنتلمن اگر جنت" نیست تکمیل این زنجیر خطرناک با واگذاری نفت ایران طبق این قرارداد بزرگترین لطمه است که ممکن است دولت فعلی ایران به تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی سراسر آفریقا و آسیا وارد آورد. هم اکنون که آخرین حلقه بدست گرفته گشائی "امینی - پیچ" متصل نگردیده قدرت و نیروی مالی و در نتیجه تأثیر سیاسی این کسرسیوم به درجه ایست که حتی سیاست دولتهای خود را برای جنگ آوردن منابع از دست رفته بکار انداخته اند. دخالتها علنی دولتهای انگلیس و آمریکا و هلند در حل مسئله نفت آنها با این کلاه سازی و منطقی جلوه دادن قرارداد "امینی - پیچ" بسیار قانون ملی شدن نفت که در واقع تنش و پنبه و کار دهنی هستند نتیجه مستقیم همین اعمال نفوذها میباشد.

نمیبایستی فراموش کرد که ما بجای یک شرکتی که کمتر از ۱۰ میلیون دلار سرمایه داشته است یک کارتل عظیم بین الطلی نفت که در حدود ۷۰ برابر آن شرکت سرمایه دارد انتخاب کرده ایم. نباید فراموش کرد که ما بجای یک شرکتی که فقط یک دولت خارجی یعنی دولت انگلیس از آن حمایت میکرد فعلاً کارتل عظیمی را انتخاب کرده ایم که دولت بزرگ جهانی که سرمایه خود را اکثراً از چاپیدن سایر ملل بدست آورده اند و جنگهای اخیر اندونزی و کره و هند و چین و شمال آفریقا زانیده تسلط و استعمار طلبی آنها است از آن کارتل پشتیبانی میکنند نباید فراموش کرد که ما با راه حل فعلی دولت سرمایه داران را که از نظر سیاسی و سوق الجیشی نسبت به کشور ما اتفاق نظر دارند فقط ممکن بود از اختلاف نظر اقتصادی آنها برای تأمین منافع خودمان استفاده نماییم با سهام کسرسیوم چنان منافع اقتصادی انسانرا در ایران نوام و مستحکم میسازیم که دیگر هیچ روزنه امیدی برای تأمین

کسرسیوم به جای شرکت سابق

یکی از استدلالهایی که طرفداران قرارداد فعلی (کسرسیوم) میکنند این است که با دولت دادن کسرسیوم که مرکب از شرکت از کشورهای جهان است راحلهای فعلی برخلاف سابق مانع دخالت شرکت سابق در امر نفت ایران و بخصوص امر داخلی و سیاست داخلی کشور خواهد شد بنابراین راحلهای کسرسیوم از نظر سیاسی با هدف و آمال ملت ایران از نهضت ملی کردن صنعت نفت تأمین میشود. درست است که بر حسب ظاهر با راحلهای فعلی دیگر شرکت سابق نفت نخواهد توانست وسایل خرابی و ایجاد خلا در خوزستان را به قصد صرفه جویی در هزینه های عمومی و تأمین تسلط شرکت و دولت انگلیس بر این ناحیه زرخیز فراهم آورد. درست است که دیگر دولت انگلیس نخواهد توانست برای حفظ منافع غیر مجاز خود منفرداً حکومتیهای ما را تغییر دهد و با انتخابات ما و دولتهای ما و ادارات ما مشکل سابق عمل کند ولی نباید فراموش کرد که با قبول این راحلهای صرف نظر از اینکه بومی از ملی شدن نفت نبرده ما بجای شرکت سابق که قبل از ملی شدن صنعت نفت در ایران یک ششم ذخیره و یک هشتم نفت خام و یک هشتم نفت تصفیه شده و بنابراین یک هشتم بازار فروش نفت جهان را در اختیار و تحت کنترل خود داشته است یک کارتل بین الطلی را انتخاب میکنیم که بدون منیع ایران که ملی شده است بیش از نصف نفت ذخیره و نفت خام استخراجی و نفت تصفیه شده جهان و تحت اختیار و کنترل خود دارد و از نظر حوزه خلیج فارس صرف نظر از اینکه از جنگ آنها بیرون آمده کسرسیوم دو سوم ذخیره و صد درصد نفت خام صادراتی و یک سوم تصفیه خانه های حوزه نفتی خلیج فارس را در اختیار و تحت کنترل مطلق دارد ولی برای شادمانی و خوشنودی به جناب آقای دکتر امینی باید عرض کنم که با قرارداد "امینی - پیچ" اعضای کسرسیوم بر صد درصد تولید و صد درصد ذخیره و صد درصد تصفیه و صد درصد بازار فروش خاورمیانه و حتی بازار داخلی ایران تسلط خواهند گردید. همان خاورمیانه ای که به تنهایی ۴۲٪ ذخیره حتی جهان را در دل خود جای داده است و افزوده شدن نفت ایران بر آنچه که این شرکتها در سراسر جهان خارج از آمریکا بوسایل مشابهی بدست آورده اند باعث میشود که اعضای کسرسیوم به جای ۶۹٪ فعلی ۸۳٪ ذخیره و بجای ۲۲٪ فعلی ۸۸٪ نفت خام تولیدی و بجای ۵۵٪ فعلی ۶۶٪ تصفیه خانه های جهان صرف نظر از آمریکا تسلط گردند و با این ارقام عظمت خدمتی که دولت فعلی جناب آقای دکتر امینی و اعضای کمیسیون مذاکرات نفت به

واضح است که آمریکا مدافع آزادی و استقلال ملت ایران نبود و آزادی ملت ایران را با ۴۰٪ سهام کسرسیوم معاوضه نمود.
دکتر محمد مهدق

پیام امام و ...

نهادها و وزارتخانه‌های خودمان پاکسازی نمائیم. در این چند سال ملاحظه کردیم در حالی که امام اصلی ترین خطر را حجتیه و خطوط و شیوه های آنها و اسلام امریکایی میدانسته ولی وزیر اطلاعات در مصاحبه شان اعلام کردند اصلی ترین حرم سید مهدی هاشمی التقاط بوده است.

امید داریم وزارت اطلاعات بلحاظ تشکیلاتی و شیوه ها و خطوط یک کارحی روی سازمان حجتیه انجام داده و نتایج آنرا بسمع ملت برساند.

در این رابطه از امام تقاضا داریم پیشنهاد عملی و ممکن آیت الله منتظری در لیبیک به پیام خود را مرحله احضار آوردند. این پیشنهاد این بود که هیئت مرکب از افراد انقلابی و زحمت دیده و دلسوز تعیین شده تا حداقل بر سر نفوذ جریانات عاقبت طلب و بیدرد در گلیه سطوح نظام نظارت کنند.

مطلب دیگر اینکه امام خمینی در این پیامشان از یکطرف جریان حجتیه را بعنوان اصلی ترین خطر یاد کرده و از طرف دیگر بلحاظ تشکیلاتی جامعه مدرسین بعنوان تشکیلات محری پیام امام در حوزه ها تلقی شد.

باید توجه کرد که برخی از اعضا اصلی و فعال تشکیلاتی جامعه مدرسین نظیر آیت الله راستی کاشانی و آیت الله خزعلی و ... از حجتیه تأییدات ایدئولوژیک عمیقی داشته و عملکرد آنها نشان داده است که این پیوند ها بسادگی گسسته نمیشود. امید داریم اگر امام مایلند این شکل را از روحانیون عاقبت طلب وی در وقت استلاف جریانات غربگرا جدا کنند، پیشنهاد می کنیم امام برخورد مستقیم و مستمر با جامعه و تک تک اعضا آن داشته و عملکرد آنها را نظارت و حسابرسی نمایند و ضمناً جامعه در مواضع گذشته خود در رابطه با حجتیه تجدید نظر وریشه یابی نماید. تا در نیروهای مسلمان باور و اعتمادی بوجود آید که این تشکیلات حاصل پیام امام می توانند بود.

برای آشنایی با حجتیه و پاکسازی آن در درون خودمان چند مقاله منتخب و قسمتی از کتاب سازماندهی و مکتبب رابطه ترتیب ذیل می آوریم باشد که مفید افتد:

الف - نحوه برخورد با انجمن حجتیه در کتاب سازماندهی و مکتبب منتشر شده توسط نهضت مجاهدین

ب - دوشیوه برخورد با جریان عاقبت طلب (شیوه امام خمینی و شیوه آیت الله راستی) عنوان مقاله ای

ج - نظرات آیت الله خزعلی در مورد حجتیه، بخشی از نامه سرگشاده نهضت مجاهدین به جامعه مدرسین

د - آشنایی با شیوه های گروه عاقبت طلب (روش ضدیت روش هدایت) مقاله ای از نشریه راه مجاهد شماره ۲۰

ه - آشنایی با شیوه های گروه عاقبت طلب (روش ضدیت روش هدایت) مقاله ای از نشریه راه مجاهد شماره ۲۰

توجه برخوردار با انجمن حجتیه
از کتاب سازماندهی و مکتب صفحات ۲۷ تا ۳۱

انجمن ضد بهائیت یا امام زمان: شرایط سال ۴۲ را بررسی می کنیم - البته این سازمان در سالهای قبل از ۴۲ بوجود آمد ولی بعد مدت گرفت و سازماندهی اش قوی شد - در آن سالها جنبش مسلحانه خلق لژیون پیروز شده بود. بعد از ۷ سال مبارزه مسلحانه و سر جای نهادن بیش از یک میلیون شهید، ضربه پذیری امیرالیهیم را بخوبی به خلق نشان داده بودند و تأثیر این پیروزی در ایران بسیار زیاد بود. نیام ملی ۱۵ خرداد پیش آمده بود و هزاران نفر شهید شده بودند و با خون خود جمع بندی مبارزه مسلحانه را در اذهان مبارزین زمان کاشته بودند. انقلاب کوبا هم به پیروزی رسیده بود و موفقیت مبارزه مسلحانه را نشان می داد و در جمع بندی جوانان ایران تأثیر داشت. مبارزات خلق بین شکل

مسلحانه در کوههای بیس جنوبی علیه امیرالیهیم انگلیس جریان داشت و اخبارش مرتباً به ایران می آمد و مردم از آن تأثیر می گرفتند. در افریقا هم بهضهای رهایی بخش به پیروزی رسیده بودند آنها هم با مثنی مسلحانه. مجموع این عوامل داخل و خارج ایجاب می کرد که همه سمت مبارزه مسلحانه گرایش پیدا کنند.

در این شرایط است که می بینیم کار انجمن ضد بهائیت اوج می گیرد و شکل انحرافی دیگری در جنبش مذهبی ایران بوجود می آید.

آنکه تضاد عمده را بهائیت می گیرد در این مسیر است که با سلطنت و دربار سازش کند. مثلاً این انجمن می گوید برای اینکه خوب بتوانیم تبلیغ کنیم باید شبکه بیوشیم و کراوات بزنیم و همان کارهایی که بهائیت ها می گویند و می کنند انجام دهیم و در این رابطه زندگی مصرف و شیک بوشی را تأیید می کنند. می گویند در خانه مان باید میل و صندلی و تحمل باشد تا تبلیغاتمان بتواند روی نسل جوان موثر باشد و آنها بهائی نشوند. در اینجا هم زندگی مصرف که هدف بورژوازی است تأیید می شود. مسأله سوم اینکه می گفتند: همانطور که بهائیتها رزیم را اشغال می کنند، ما هم باید داخل رزیم شده و پست های دولتی را اشغال کنیم و قدرت مذهبی خودمان را از این طریق اعمال کنیم. بدین طریق نه تنها همکاری با رزیم مباح می شد، بلکه خرگاری برای رزیم هم مباح می شد و در این رابطه انجمن سازش ناپذیری شیعه را پایمال می کند و اسم خود را انجمن امام زمان می گذارد و حال آنکه اگر امام زمان می خواست با خلفا سازش کند، دیگر شیعه شیعه نبود. شیعه مذهبی است که نه تنها همکاری با رزیم طاغوتی را مباح نمی داند بلکه آن را حرام هم می داند.

مسأله دیگر آموزششان بود. مبنای آموزش خود آنها کتابهای بهائیت بود، یعنی مطالب بهائیت را می گرفتند و تناقضاتش را در می آوردند و آموزش می دادند. یعنی مبنای خود بهائیت بود و با آنها سخنی نداشتند، چون اساس این جریان بر ضدیت استوار بود و نه ملاک مستقل از ذهن توحیدی، بنابراین به یکی از موانع درونی جنبش مسلحانه اسلامی تبدیل شده بودند یعنی یک شکل کاملاً انحرافی که حتی از طریق یک جناح از دربار و ارتش و ساواک حمایت هم می شد.

اما برخورد جنبش مسلحانه و رهبران سازمان با این انجمن سازمان از افراد آنها عضوگیری می کرد. گرچه در ابتدا خیلی سخت با آنها برخورد کرده و آنها را کاملاً راست می دانستند ولی بعد به آنها آموزش سیاسی داده و از آنها عضوگیری می کردند. این افراد در انجمن می ماندند و سایرین را به جنبش مسلحانه جذب می کردند. این امر باعث شد که در داخل انجمن تحولاتی صورت بگیرد. مثل شورا و غیره - و این مسأله که انجمن حق ندارد کار سیاسی بکند لغو شد و تدریجاً در آموزش بجای ضد بهائیت صرفه آموزش اصول اسلامی هم گذاشته شد و در اکثر شهرستانها دیگر انگیزه های برای این شکل مبارزه نبود و خیلی از این افراد جذب جنبش مسلحانه می شدند و از تجربیاتشان مثل سازماندهی، مخفی کاری، تعقیب - مراقبت و جعل و غیره استفاده می شد. بدین ترتیب چون جنبش مسلحانه اصالت داشت، این انجمن و افراد صادق آنرا تحت تأثیر قرار داد و بدنبال خود می آورد. رشد افراد ضد بهائیت به این ترتیب بود که تدریجاً به این مسأله می رسیدند که حامی اصلی بهائیت جناحی از دربار و صهیونیسم است و عامل اصلی امیرالیهیم است و در مسیر رشد خود اول ضد دربار و بعد ضد صهیونیسم و ضد امیرالیهیم شده و جذب سازمان مجاهدین می شدند. انجمن که مرکز تشکل دانش آموزان و دانشجویان بود مرکز عضوگیری خوبی برای سازمان بود. بطوریکه اگر یک نفر از اعضای بالای انجمن عضوگیری می شد، آن یک نفر تعداد زیادی از افراد زیر دست خود را می توانست تغییر دهد و آموزش را از کتاب بهائیت و بیان روی محور قرآن و سنج البلاغه بیاورد و بهائیت را آموزش سازمان را پیاده کند، از طرف دیگر انجمن محل و سرپوش خوبی برای مبارزه مخفی بود. در ساواک از مجاهدین می پرسیدند:

- کجا باهم آشنا شدید؟
- انجمن ضد بهائیت.
- ارتباطتان چی بود؟
- فعالیت ضد بهائیت.

مکانیسم دیگر رشد این افراد این بود که خودشان ریشه یابی می کردند و به این نتیجه می رسیدند که ریشه بهائیت به صهیونیسم می رسد. بعد می دیدند که عناصر بالای ارتش از صهیونیسم حمایت می کنند. بعد ریشه یابی می کردند و در می یافتند که خود دربار یک تضاد مصنوعی ایجاد کرده، هم بهائیت را و هم ضد بهائیت را و از هر دو حمایت می کند. سازمان به این افراد آموزش می داد و آنها را از ضد بهائیت به ضد صهیونیسم و ضد امیرالیهیم می کشاند. و از تحریکات و نیروی آنها استفاده می کرد. کما اینکه عمده زیادی از شهدا از همین انجمن عضوگیری شده بودند. این شکل برخورد بهترین نوع مبارزه با انجمن می توانست باشد زیرا سازمان بعثت کمبود کار نمی توانست جلوی فعالیت انجمن را بگیرد و انجمن هم فعالیت داشت. سازمان از فعالیت و نیروهای آنها استفاده می کرد، تضادهای انجمن تشدید می شد و جناحهای صادق و برتر آن جذب جنبش می شدند. کار بجایی رسیده بود که در این رابطه در ساواک هم تضاد ایجاد شده بود. یک جناحشان موافق فعالیت انجمن بودند و جناح دیگر که تکجیم - گران و ... بودند مخالف، چرا که عملاً می دیدند انجمن عملاً در خدمت جنبش مسلحانه در آمده است. ولی مغزهای ساواک که می خواهند تضادهای درون خلق تشدید شود و تضاد عمده سلطنت نباشد موافق ابقای انجمن

بودند. چرا که می توانست بسیاری از نیروهای آماده را جذب یک حرکت انحرافی لغوی بکند (عوضی گرفتن تضاد عمده).

باید توجه کرد که موسسین سازمان احساس می کردند که انجمن امام زمان انحراف از جنبش اسلامی است ولی کار اصلیشان را مبارزه با آن قرار ندادند، بلکه کار اصلیشان همان جهت گیری علیه تضاد عمده بود به کار کادر سازی و تدارک برای مبارزه مسلحانه و عضوگیری و کار مکتبی پرداختند که به بهترین وجهی، هم به رزیم ضربه بزنند و هم با انجمن ضد بهائیت مبارزه بکنند. این درس بزرگی است که موسسین سازمان یاد دادند که: در یک پروتیک اصل مکتبی و ضد سلطنتی و ضد امیرالیهیستی و ضد صهیونیستی است که می توان با اشکال انحرافی و ارتجاعی عمیقاً مبارزه نمود. رویارویی با این اشکال ارتجاعی فراموش کردن تضاد عمده یعنی امیرالیهیم است.

دوشیوه برخورد با
جریان عاقبت طلب
از راه مجاهد شماره ۲۰

پایروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و عمیقتر شدن حرکت مکتبی امت مسلمان ایران هر روز مرز بندی بین افشار مختلفی که با انقلاب پیوند خورده بودند بیشتر میشود و مواضع جریانات

مختلف آشکارتر میگردد که نشان دهند دیدگاهی خاص در رابطه با انقلاب اسلامی است جریانی خواسته های رفاهی از انقلاب ارد ولی از آنجا که تادم انقلاب و مبارزه با استکبار جهانی بالطبع نمی توانست پاسخگوی این انتظار باشد، لذا این جریان به ضدیت با انقلاب افتاده و ناراضیهای طبیعی آنرا عمده میکند و به این طریق در تضعیف انقلاب می کوشد.

جریان دیگری با سادگی داشتن از نارسائیهها وضعفها درصدد توجیه آنهاست. چرا که در دیدگاه این جریان انقلاب به پیروزی نهایس رسیده است و هیچ خطورتی و خطری آنرا تهدید نمی کند. به همین جهت هیچکدام قادر به برخورد اصولی با نارسائیهها نیستند. یکی در بدن ضعفها انقلاب را نئی کرده و دیگری ضعفها را اصلاً نادیده می گیرد. حال آنکه ضعفهایی در جامعه وجود دارد که اگر برخورد اصولی با آن نشود دشمن از آن سوء استفاده کرده و علیه انقلاب توطئه می کند.

جریان اصیل آن است که با تلاش و رفرسج نارسائیهها در تداوم و تکمیل انقلاب بکوشد تا هم زمینه های معرض را که موجب توطئه دشمن میشود از بین ببرد و هم اینکه با توطئه و توطئه گران مبارزه مستمر داشته باشد.

از جمله عواملی که انقلاب و تداوم آنرا تهدید می کند، جریان عاقبت طلب است که با اشاعه تفکر کلیسای جدایی دین از سیاست نه تنها در زمان رژیم شاه هرگز حرکتی را نسی می کرد، بلکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با بکار بردن شیوه های غیر اسلامی عملاً در این خط قرار گرفته و اسلام راز اهنای خود قرار نمی دهد و با توجیه این شیوه ها در قالب های بظاهر شرعی و اسلامی، ایدئولوژی انحرافی خود را در جامعه گسترش میدهد.

بدین ترتیب با جریانی روبرو هستیم که شیوه های ماهیتاً ضد اسلامی خود را در قالب الفاظ شرعی ترجیح می کند. آنچه که می تواند این مسئله را بمنفع انقلاب حل کند، نه انحلال و تفسیر افراد آن به شکل مکانیکی است و نه ساده گذشتن و اغماض از این جهان است. زیرا این دوشیوه برخورد تناقضی با سادگی و پشانه به تبعیت از جریان انحرافی می انجامد و نه تنها مسئله ای از انقلاب را حل نمی کند بلکه باعث تثبیت آن جریان میگردد.

خط امام در کلام

آیت العظمی منتظری



نه با تلفن و از این دکان به آن دکان .
تجار باید مصلحت عمومی کشور را در نظر
گیرند بخصوص حالا که مملکت در حال جنگ
بوده و مشکلات داشته ، آنها که به استقرار
خارجی نظر دارند این فروش کشور است ،
وابستگی اقتصادی و دیپلماتیک سیاسی
و فرهنگی است این فروش دین و ایمان است
و ام دهندگان که نوعا صهیونیست هستند
و می خواهند دنیارابه خودشان وابسته
کنند یا فرهنگ شما مبارزه کنند با اسلام
مبارزه کنند . دولت باید به ملت مجال دهد
و ملت هم باید ایمان پیدا بکند به دولت
و بداند که سرمایه اش از دستش بیرون نمی
رود .

نگوین با بدبوم فقط در بازار تهران
باشد ، کشاورزی و دامپروری را رونق
دهد ، جنس از خارج نیاید .

سرمایه داران باید سرمایه هارا بکار
بیاورند ، تولیدات ، صنایع ، کارخانجات ،
خوزستان و کردستان برای توسعه کشاورزی
و دامپروری استعداد دارد ، گندم از خارج
می آید گوشت از فرانسه و نیابیم
این کارها خدمت به ملت و مملکت است .
کشور مال خودتان است کشور را بسازید
مملکت را رونق دهید ، نگویید باید پولم
فقط در بازار تهران باشد ، کشاورزی و
دام پروری را رونق دهید ، جنس از خارج
نیاید . برای دانشگاهها پول خرج کنید
خوابگاه دانشجویان بسازید ، نگویند و حوضها
دام ، اینها عبادت است .
اینها که احتکار میکنند و بازار سیاه درست
میکند اینها را از صنعتان ترد کنید .
کار انجمن اسلامی شما این باشد که هم
کمبودها را به دولت اعلام کند و هم کنترل
کند آدمهای عوضی را ، در هر طایفه وصف
دوتا آدم عوضی باشد همه صف را بدنام
میکند .

با بدافتصاد بدون نفت را پایه گذاری کرد
اینها با لایحه یک روز تمام میشود .

باید اقتصاد بدون نفت را پایه گذاری کرد
اینها بالاخره بگور تمام میشود .
خداوند به اندازه نیاز همه انسانها روزی
داده ولی بعضی ظلم میکنند ، احتکار میکنند
زیاده خوری میکنند ، یا از منابع استفاده
نمی کنند . در بولتنی خواندم خداوند دریا
ها را طوری قرار داده که به تنهایی
می تواند ۳۰ میلیارد جمعیت را اداره کند
باز هم بگوئید نداریم و از نسل باید جلوگیری
کرد البته اداره میکند با علم .
این وضع فرانسه و ژاپن است که از ما

گاهی شرایط سخت اجتماعی انسانها را
جانی با لایحه را میکند .

مضمون سخنان آیه الله العظمی منتظری در
دیدار با اصناف و بازاریان

نوار سخنرانی ۶۷/۱۱/۲۷

درست است که کمال انسان در روح و عقل
است ولی ساختار انسان بدن داشتن است
نیازهای انسان کامل باید بر طرف شود
انسان غذا میخواهد ، نیاز به کشاورزی و دام
پروری دارد ، نیاز به صنایع هم دارد و چون
نمیتواند همه اینها را بدست آورد تجارت
هم نیاز دارد .

اگر میخواهیم جامعه اصلاح شود ، اول
باید نیازهای اولیه انسان فراهم شود در
کشاورزی و صنایع و تجارت ، بعد بگوئیم اگر
سراغ نوحا و هروین و قاچاق رفتی فلان میکنیم
انسانها بالفطره جانی نیستند ، گاهی
شرایط سخت اجتماعی انسانها را جانی
لاضرار میکند ، وقتی خوب برای صدور فروش
بزار مشکل باشد ممکن است یکجده سه
قاچاق آن پناه ببرند .

کار زراعت و صنایع و تجارت که فرشته اقتصاد
است باید به مردم محول شود و دولت راهنما
شی کند و نظارت داشته باشد ، نه سختگیری
بلکه کمک به شکوفایی .

شوروی راهی را هفتاد سال رفت و حالا
دارد بر میگردد ، و آنوقت بعضی کشورهای
اسلامی میخواهند آن راه را بروند .
آنکه میدانند درآمد مال خودش است
زحمت میکند در سرما و گرما کوشش میکند ،
اما آنکه حقوق بگیر است نه .
تجارت جنس آوردن و بردن از این شهر
به آن شهر و از این کشور به آن کشور است



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کماهی - همانطور که هستند) تحلیلها
را با رورمی نماید ، بر آن شدم مجموعه ای از اخبار مهم ما را در بخشی از نشریه
کدها بنکارا اختصاص داده ام ، درج نمائیم ، اهداف مورد نظر ما در این بنکار
عبارتند از :

- ۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی .
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران ، منطقه ، جهان .
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول
امپریالیسم . ضمناً " راه محاهد با این اخبار برخورد فعال میکند .

قسمتهای از پیام آیه الله منتظری در پاسخ
به پیام امام خمینی

بر جمعیت تر و زمینشان از ما بسیار کمتر
است .

نماینده گان و اعضای انجمنهای اسلامی
دوبال رشد و تعالی فکری و عملی و مذهبی
دانشگاهها با بدباشند .

کیمهان ۶۷/۱۰/۲۹ طی نامه ای خطاب
به نمایندگان خود در دانشگاهها .

غیر از محرمات شرعی ، حلوی آزادی تفکر
و اظهار نظر و عمل افراد بخصوص در مساله
تل سیاسی و اجتماعی نباید گرفته شود .
با اعمال خشونت و زور ایمان به قلب افراد
بخصوص اساتید و دانشجویان وارد نمیشود
باید شیوه برخورد و قوت منطق و محتوای علمی
و تطبیق قول و عمل ما بشکلی باشد که آنان را
حذب کند .

برادران انجمنهای اسلامی نباید خود را
قیم همه دانشجویان بدانند و در آزادی آنان
کارشکنی کنند .

با تهدید و شانناژ وانگ زدن نه تنها
مسئله ای حل نمیشود بلکه ممکن است باقیماند
علاقه و ایمان آنان نسبت به روحانیت و
انقلابیون بسا نسبت به اصل دین او بین
برود .

برادران عزیز نماینده و اعضای انجمنهای
اسلامی در حقیقت د و بال رشد و تعالی
فکری و علمی و مذهبی دانشگاهها باید باشند
و این رشد بدون پیروزی که از تضارب افکار
بدست میآید و تامین امکانات رشد ممکن
نیست .

با بدباشدن قانون احزاب و شوراهای
اسلامی مردم احساس میکنند در تصمیم
گیریها بیشتر دخالت دارند .

کیمهان ۶۷/۱۱/۵ در دیدار با وزیر کشور
با پیاده شدن قانون احزاب و همچنین
قانون شورای اسلامی مردم واقعا احساس
میکند که در تصمیم گیریها بیشتر دخالت
دارند و خودشان را همچنان در صحنه
انقلاب و اداره کشور شریک و صاحب نظر
میدانند . از این رو اقدام در پیاده کردن
این دو قانون بیه مصلحت نظام کشور است
و نباید در اجرای آن تعلل کرد .

نشان دادید که دول استگباری از هر
نوع و شکلی که باشند هیچگاه قابل اعتماد
و طرح دوستی با آنها نبوده و نیستند و از
آنان جز ضربه زدن و تزیق زهرهای کشنده
و جپاول و غارت ثروتها نباید انتظار داشت
هر چند بصورت قرض و کمک و دلستوزی باشند
بلکه این ملت های مسلمان و مظلوم و مردم
محروم و مستضعف جهان هستند که باید به
آنان اعتماد کرد و روابط فکری و فرهنگی
اسلام و انقلاب را با آنان قوی و محکم نمود .
اگر دیرتر میگوئیم قدرت ندرتند آری -
نمیتوانیم احکام اسلام راستین را درست
پیاده کنیم بعد از پیروزی انقلاب و قرار
گرفتن قدرت به دست علمای متعصب و
انقلابی دیگر عذری پیش خدا نداریم .
امید وارم با این پیام نیروهای انقلاب
حساس و باشناط ، همچون روزهای اول
انقلاب گردند و اگر بعضی در معرض یاس
و بی تفاوتی و یا بوجی قرار گرفته اند با این
دعوت و پیام حضرت عالی متحول گردند و با
ایمان و اراده قوی و شور انقلابی به جنگ
مشکلات و موانع که لا زمه طبیعی انقلاب با
این عظمت است بروند .

نظام ما با همان اشراف کلی شما باید
روی پای خود بایستد و گرنه نظام ما
تشبیت نمیشود .

حق المقدور نباید از حیثیت معنوی
حضرت عالی در کارهای جزئی و اجرایی
ماه گذشت بلکه باید در نظام مادران
تضایق ، سیاسی و اجرایی بحدی قسوی و
مستحکم و هماهنگ باشند که با همان اشراف
و نظارت کلی حضرت عالی روی پای خود
استاده و کشور و انقلاب را اداره کنند و در
غیر این صورت نظام ما تشبیت نمیشود .

ببینیم اگر جانی اشتباه کردیم ، این
هم توبه داردا قلامتنه شویم که بعدا بنکار
را نکنیم .

قسمتهای از سخنان آیه الله العظمی
منتظری ۶۷/۱۱/۲۲ از نوار سخنرانی

نیایم یک حسابی بکنیم که آن نیروها
←

آیا ایادی استکبار روحانی نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت کرده است
یا فرد دیگری را بر حوزه ها حاکم نمیکند
امام خمینی



آن هماهنگی‌ها، آن وحدت و یگانگی‌ها، آن ایثار و فداکاری‌ها حالا چه شد؟ این را حساب کنیم که در ظرف ده سال، جنگ رابما تحمیل کردند ما نمیخواستیم جنگ بشود ولی آیا ما خوب طی کردیم این جنگ را یا نه؟ دشمنان که این جنگ را بابت تحمیل کردند آنها پیروز از کار درآمدند؟

ببینیم اگر حایب اشتباه کرده‌ایم این همه توبه دارد. آنگاه متنیه شویم که بعد این کار را نکیم چقدر در این مدت شعارهایی داده‌ایم که غلط بوده. خیلی شعارها دادیم که مارانوی دنیا منزوی کرد. مردم دنیا ربه ما بدبین کرد و هیچ لزوم هم نداشت. بد یقوت عمدی است یقوت قصور و قصورها را هم باید حساب کرد بله مادر جنگ خیلی اشتباه کردیم خیلی جاها لجبازی کردیم خیلی جاها شعار دادیم شعاری که می دانستیم نمی توانیم بکنیم فقط شعار دادیم شعارهایی دادیم که دنیا را از خودمان ترساندیم.

این حالت لجبازی و گوش نکردن به حرف دیگران، گوش نکردن به نصیحتها، خود محوریها، کنار زدن نیروهای خوب، بسی اعتنایی به نیروهای خوب، منزوی کردن افراد دلسوز اینها را بگذاریم کنار بایستی جامعه جامعه بازی باشد که بتوانند افراد تذکره دهند... رادیو تلویزیون انحصاری نباشد دست چهار نفر که هرچه را خواستند سانسور بکنند وقتی کار به جایی برسد که من طلبیه‌ای که از همان اول انقلاب توی انقلاب بوده‌ام دلسوز انقلاب بوده‌ام و هستم اگر بنا بشود که صحبت من سانسور بشود دیگر وای به حال دیگران... و یک کسی که انتقاد دارد انتقادش را بکند تا یکی حرف زد قهوری نگوئید نخیر، باید برای پیش پرونده سازیم تا پدرش در بیاید تا دیگر کسی حرات نکند نطق بکند.

زندانیان پر کردن درد و نمیکند، یک زندانی که در اثر فکر باشد، فکر غلط را نمیشود زندانی کرد یک زندانی بواسطه فکر غلط شده تا قوم و خویش دارد اینها مسئله دار میشوند.

ممکن است یک کسانی راه غلطی رفتند حالا اگر جذبش کنید، تو کار توی دانشگاه حالا اگر بنا باشد کار نداشته باشد و هیچ جا هم راهش ندهید، درس هم نتواند بخواند، آنوقت بگوئیم که چرا رفته وصل به گروهها شده، آنها جذبش بکنند و ما دفعش راه جذب افرادی که در خارج هستند این است که سفارتخانه‌های ما در خارج و کنسولگریها بررسی کنند، افرادی که مایلند بیایند به کشور به سفارتخانه‌ها مراجعه کنند وقتی که آنها بررسی کردند که واقعا او میخواهد بیاید به کشور یک تعهدی هم آنجا بدهد و بعد هر چه میخواهد بیاورد و بیاید به کشور، دیگر از توی فرودگاه بیرون خانه‌شان نخواهیم بیاییم از ش احوال بررسی کنیم (تخلیه اطلاعاتی)

امید است قسمتهایی از کشور تدریجا به این عزیزان گمنام و مخلص بی‌توقع سپرده شود.

قسمتهایی از پیام آیت اله منتظری در پاسخ به پیام امام خمینی

اطلاعات

۶۷/۱۲/۶

هر انقلابی اگر بدست صاحبان اصلی انقلاب و آنان که طعم تلخ مبارزه و زندان و شکنجه و آوارگی را چشیده اند باشد هیچگاه از مسیر خود منحرف نخواهد شد اینها هستند که چون طعم فقر و کمبودها را چشیده‌اند میتوانند در مراجعین و نهادهای حاجات را احساس کنند و بس و در سرگردانی و کاغذ بازی و رابطه بازی و تعویض بکاره‌آریدگی کنند تا انشاء الله بیا هدایت و دستور حضرتعالی امید است قسمتهایی از کشور در دست ریجا به این عزیزان گمنام و مخلص وی توقع سپرده شود.

اول نیروی مدیریت کشور با بد ساز می شود.

اول نیروی مدیریت کشور باید بازسازی بشود (بی رود بایستی) خیلی از نیروهایی که منزوی هستند باید دعوت بشوند بیایند توی کار چه از داخل و چه از خارج اختار به گذشته و اینکه ما کیم که انقلاب کرده‌ایم، بله این مائیم که انقلاب کرده‌ایم ولی انقلاب را توانستیم حفظ کنیم؟ آیا اهداف انقلاب را توانستیم به آن برسیم؟ آیا آن وعده‌هایی را که به مردم داده ایم توانستیم عمل بکنیم؟ اگر نتوانستیم حالا راهش را پیدا کنیم، بپر و بسخ میشود جشن گرفت یک جشن که مردم را در خواب غفلت و ناآگاهی و سرگرمی نگاه داریم مردم خوششان باشد بعد هم تمام بشود، نه یک جشنی که هم در آن حسابرسی بشود - اعترافات به اشتباهات و قصورات و بعد دعوت به جبران و بسیج ملت و دعوت همه نیروها از داخل و خارج برای سازندگی کشور و راستش را هم به آنها بگوئیم.

آنچه ممکن است روزی به انقلاب ضربه بزند خروج تدریجی افراد انقلابی زجر کشیده و وفادار به انقلاب با برخورد های ناروا و تفسیق و... است.

حضرت عالی از خطر قشر متحجر و غیر مبارز یاد کردید که چقدر بجا بود ولی متأسفانه باید عرض کنم امروز در بعضی از دستگاهها و ارگانهای ما نفوذ نموده‌اند و احیاناً در ترسیم امور و سیاست ها نقش زیادی دارند بجاست اکنون که حضرتعالی با این صراحت وارد عمل شده‌اید هیئت از قوی ترین و انقلابی ترین افراد مبارز و زجر کشیده‌ای را که تحت تاثیر خط خاص نباشند و فراقت نیز داشته باشند مامور فرمائید تا دستگاههای قضایی و اجرایی و سازمانها مختلف را و ارسای نمایند تا هم افراد خوب و خد متگذا از حزب اللهی را شناسایی و تشویق و تقویت کنند و هم افراد متحجر و فرصت طلب را زیر نظر بگیرند تا انقلاب از کار شکی ها و ناراضی تر اش های آنان جلوگیری نمایند و هم ملحا و پنهانی باشند برای افرادی که به آنان ظلمی شده باشد و از ارگانهای رسمی شکایتی دارند و وقت و حوصله حضرتعالی هم مناسب با مراجعات آنان نیست و این موضوعی است که سابقا بنام ولایة المظالم در حکومت های رایج

اسلامی معمول بوده است. آنچه که ممکن است روزی به انقلاب ضربه بزند اینست که بتدریج افراد انقلابی زجر کشیده و وفادار به انقلاب با برخورد های ناصحیح و ناروا و تفسیق و برچسب و انگهای گوناگون از صحنه خارج شوند و جای آنان افراد غیر مبارز فرصت طلب که هیچگاه و در هیچ شرایطی قابل اعتماد نبوده و نیستند بکار گمارده شوند.

مضمون سخنان آیت الله العظمی منتظری در دیدار با مسئولین ستاد حزب و هدایت کمکهای مردمی و مسئول بسیج (از نوار سخنرانی) ۶۷/۱۱/۹

اگر ما بخواهیم فساد، رشوه و فحشاء را از بین ببریم باید کار را بجا بکنیم.

صرف جمع کردن نیروهای زیاد در جبهه و حتی سربازانی که عائله مند و نان آور یک خانواده هستند کار درستی نیست اینگونه افراد را که نوعاً از اقشار محروم هم میباشند یا باید از خدمت معاف نمود و یا در شهرهای خودشان به کارهای مناسب مشغول نمود.

اگر ما بخواهیم فساد، رشوه، فحشاء، رازدین، بیبریم باید کار ایجاد کنیم... کشاورزی و دام پروری را توسعه دهیم، در بازارگانی گدازی نکنیم آنقدر کسب و کار را سخت کنیم که طرف پشیمان بشود. بچه مردم پشت در رستوران از بی سر می میمیرد آنوقت ما بیایم در خیابان آبنما درست کنیم.

حشن بگیریم، چراغانی کنیم که برق نداریم گاز نداریم، دوا نیست کمبود اقتصادی - داریم محاصره هستیم. ماهنوز سه میلیون آواره داریم، شهرها میان خراباست شهر های بیمار ان شده بعضی هنوز شیشه‌هایش را نداده ایم آنوقت پول چه خرج کنیم.

جشن باید کارهای آموزشی، علمی، تذکرات به مردم، تشویق مردم در کارهای سازندگی، مملکت آنها که طرح دارند بیایند بگویند فکرها و ابتکارات را به کار بگیریم... کشور مال ۵۰ میلیون است همه حق دارند نظرات را بگویند نه خراب کردن، در روزنامه در رادیو تلویزیون، رادیو تلویزیون بدانند رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی است نه رادیو تلویزیون محمد رضا شاه.

نباید بد دشمن حسن ظن پیدا کرد و از او غافل شد، نگوییم زمان ملل درست می کند.

حضرت علی (ع) میفرماید اگر از طرف دشمن صلحی تحمیل بایشنا شد آن را باید قبول کرد ولی نباید به دشمن حسن ظن پیدا کرد و از او غافل شد چه بسا دشمن برای غفلت به شما نزدیک میشود... نگوی سازمان ملل درست میکند نیروهای رزمنده را از نظر کیفیت باید تقویت کرد و سطح آموزش آنها را بالا برد.

زمینها و بیابانهای خوزستان و کردستان را به همین بجه‌های بسیجی که چند سال حبسه بوده‌اند و اگر برگردند کاری ندارند

بچه‌هایی که با سلاح آشنا هستند وزن و بجه هم ندارند بدهید بکارند خوزستان ۵۰ میلیون را میتواند تغذیه کند این هم مشکل بیکاری را حل میکند و هم اگر مرز آب باشد برای حفظ آن انگیزه بیشتر است مانورها را در مرز انجام دهید مانور در شهر به چه درد میخورد از دشمن یاد بگیرند عراق تمام مانورها و آموزشهایش را در مرز انجام میدهد و تمام امکانات راهسازی در مرز مشغول بکار است دشمنان باید بدانند که شما آماده‌اید دشمن شما که تنها عراق نیست.

زندانیان پر کردن درد و انمی کنند، یک زندانی که در اثر فکر باشد، فکر غلط را نمی شود زندانی کرد. یک زندانی بواسطه فکر غلط ده تا قوم و خویش دارد و اینها مسئله دار میشوند.

پاسخ به...

س - آیا گروه های دیگری از محاهدین هستند که مانند شما دنباله روی باند رجوی نبوده و روش مستقلی داشته باشند؟ ج - کسانی که محاهدین اولیه مثل شهید حنیف نژاد و شهید سعید محسن و... راتائید می کنند و رجوی را خائن می دانند بسیارند. اعم از مسئولین امر یا شخصیت های سیاسی یا مشعبین از رجوی. اما اینکه بصورت تشکیلاتی فعالیتی تحت این عنوان داشته باشند نشنیده‌ایم. (البته مشعبین از رجوی در خارج کشور هستند)

س - برادری در مورد خط مشی و ایدئولوژی سازماندهی و دیدگاه ما نسبت به نظام و نیروهای سیاسی جامعه و مسائل دیگر جو یا شده اند، پاسخی به همه این سئوالات در این صفحه مقدورما نیست. اگر در مقاله استراجه محاهد و یاکتابها مطالب خود را نیافتید و یا ابهامی وجود داشت در خدمت حاضریم.

س - خواننده دلسوزی راهنمایی کرده‌اند که گرچه شما از کمبود امکانات می نالید و نمی توانید همه مقالات خود را چاپ کنید ولی از استان و شعر و عکس غافلید. گاه مطلبی را در قالب داستان یا شعر بهتر می توان منتقل کرد تا یک مقاله خسته کننده یا عکس گاه بهترین بیان یک موضوع است.

ج - ضمن تشکر از راهنماییان در این زمینه نیازمند کمک و راهنمایی بیشتر شما هستیم.

همه ما مردنی هستیم، همه ما میمیریم، کاری کنیم که در این بستر تاریخ نگویند فلان گروه خیانت کرد، انقلاب را منحرف کرد آریا طالقانی



اخبار آیدئولوژیک

نظراتی پیرامون برخورد
امام با مسئله
"الگوی زن مسلمان"

در تاریخ ۶۷/۱۱/۸ برنامهای تحت عنوان "الگوی زن مسلمان" از رادیو پخش گردید. مضمون این برنامه که بصورت مصاحبه پخش میگردید بدین صورت بود که دختر جوانی در مقابل این سوال که در شرایط فعلی الگوی شما چه کسی است مطرح می نماید که الگو و هدف خاصی ندارد، اما شاید بتوان "اوشین را" به عنوان یک الگو برای زنان جامعه ما مطرح کرد که البته آن هم مربوط به سالها قبل است.

در مورد مطرح کردن حضرت زهرا بعنوان الگوی زنان جامعه ما فرد مذکور با این میباید که اگرچه ایشان شخصیت بزرگی میباشند اما مربوط به ۱۴۰۰ سال قبل بوده و امروز نمی توانند بعنوان الگو برای زنان جامعه ما مطرح باشند.

در رابطه با پخش این برنامه رادیویی امام در تاریخ ۶۷/۱۱/۹ پیامی خطاب به مسئولین رادیو و تلویزیون به این شرح دادند:

"..... با کمال تأسف و تأثر روز گذشته از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که آنسان شرم دارد. با زگونما بد، فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج میگردد و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتیکه ثابت شود قصد توهین در کار نبوده است بلائیکه فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر با رد دیگران اینگونه قضا یا تکرار گردد موجب تنبیه و توبیخ و محارفات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمام زمینه ها قوه قضائیه اقدام می نماید.

بدنبال سخنان امام افراد مسئول و دست اندرکار سرریخ "از طرف قوه قضائیه محاکمه و محکوم گردیدند که بعد از تقاضای عفو به سرعت عفو گردیده و آزاد گردیدند.

نظراتی پیرامون پیام امام
در جامعه

عده ای میگویند بهتر بود که امام بحایبیتی صحبت شخصی نظر ندهند به جنبه های انسانی قضیه و ویژگیهای تحقیقی حضرت فاطمه میبپرداختند.

عده ای میگویند: پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از طرف امام به عنوان نوشیدن زهر تعبیر گردیده و با لطمه هرنوشیدن زهری عواقبی دارد که نظری پخش شده هم یکی از عواقب نوشیدن زهر ۵۹۸ می باشد.

عده ای دیگر معتقدند که برنامه های پخش شده از رادیو و تلویزیون ختم بسیاری از افرادی را که مذهبیهون خنک و مقدس هستند برانگیخته و امام با دادن این پیام و برخورد با این مسئله در اصل میخواهند سندی به این افراد اعلام کنند که خودشان مواظب این

روند بوده و در مواقع لزوم با این جریان برخورد مینمایند.

عده ای دیگری معتقدند که این پیام ناشی از فشاری بوده که از طریق جریا بمقدسین به امام وارد شده است تا مقابل جریا را را دیوموضع گیری نمایند.

جمعیت دیگری اینگونه تحلیل مینمایند که جناح تندپها و حریمات مخالف بدینسان، مستمکی برای کوبیدن جناح مقابل میگرددند و این در واقع تلاش یک جریان برای محدود کردن جناح مقابل بوده است که با تلاش و برخورد جناح مقابل دویا ره حکم عفو و گذشت نسبت به مسئله داده شد.

عده ای میگویند اینگونه برخوردها باعث بی اعتمادی مردم نسبت به نظام میشود.

بعضی نظر میدهند که محارفات و عملیات و دشنام شمه و پیا پیا مبراعدا میباشند اما در مواجبه چنین مسائلی نبوده و توهینی انجام نشده است.

جمعیت میگویند: آیا حضرت علی الگوی مسئولین ما هست که اینقدر روی الگو بود و حضرت قاطعه برای زنان تکیه میشود؟

عده ای هم میگویند: گناه بزرگتر متوجه مسئولین است که معتقدند و این را بیان هم میکنند که شیوه حکومتی از اسلام و فرهنگ آن در نمی آید بلکه دموکراسی غربی نزدیکترین روش حکومتی به اسلام میباشد.

جمعیت هم معتقدند امام روی کلمه قدیمی بودن حنا سیت زیاد دی داشته چرا که اسلام ناب محمدی هم که از طرف امام در مقابل اسلام آمریکا مطرح شده از قدمت ۱۴۰۰ ساله برخوردار است. حنا سیت زیاد امام تا بند ناشی از این امر باشد که توطئه عمیقی است که اسلام محمدی و روی غرب امام را به اسلام زشتکار با غرب تبدیل نمایند. لازم است تذکراتی که ملاک انقلاب و ارتجاع قدمت نیست ولی با همس مطالب هم در جامعه باید برخورد آموزشی نمود.

حال باید دید مجرم و مقصود واقعی چیست کسی است که باعث میشود دختر جوانی در جامعه ما یک هنرپیشه خارجی را به عنوان الگوی خود قلمداد نماید.

آیا صدا و سیما هما نقدر که برای شناساندن این هنرپیشه و بر روی شیوه های رزم سره و روزمره او کار کرده اند برای بیان زندگی حضرت فاطمه سیر فلان نموده اند و چرا با این خلا برخورد نمی شود گرچه از طرف اندیشمندان کتابها بی در زمینه زندگی ائمه و حضرت زهرا تدوین گردیده اما بجز معدودی از آنها به زبان روز قابل استفاده برای جوانان نیست بحاست که ما توجه به این نیاز سخکوی نیاز اصیل مشتاقان باشیم.

مسئول نمایندگان درباره:

شورای تشخیص مصلحت

۹۷ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای به امام امت در رابطه با شورای تشخیص مصلحت می نویسند:

"... در ابتدای تشکیل هیات مذکور مسیر کار چنین ترسیم شده بود که مصوبه مجلس پس از اظهار نظر منفی شورای نگهبان برای اطلاع به مجلس برگردد و مجلس پس از نظر مجدد

آنرا به شورای نگهبان برگردانند. آنگاه چنانچه لازم تشخیص داده شد برای اطلاع بها بی به شورای تشخیص مصلحت ارجاع گردد و لایحه هم اکنون بعضاً "این شورای قانون گذاری نیز می نماید و مهمتر این که تقدیم لایحه قانونی به این شورای عالی ارجحیت مقدمات و مقرراتی است که یک لایحه قانونی از طریق متعارف دارد. طرح لایحه در هیات دولت و تصویب آن توسط آنان و امضای نخست وزیر و وزیر امور مربوط و تقدیم آن به مجلس و بحث در کمیسیون ها و در جلسه علنی در دو شورایی است که با این روند هرگز حتی مقامات غیر مشمول نمیتوانند تقدیم پیشنهادی به شورای تشخیص مصلحت برای شورای قانون حدیدی بحد کنند و حتی قوانین مصوبه کشور را نقض نمایند و این میتواند علاوه بر بی خاصیت شدن مجلس تنها قضای فراوان در قوا نینکته، ایجاد نماید و با لحمله وجود مراکز متعدد و موازی قانون گذاری در کشور بنوبه خود مسائلی را مشکل آفرین و موحد ترزلزل نظام سیاسی کشور میباید.

شورای تشخیص مصلحت نمیتواند قانون گذار باشد

امام امت در پاسخ به نامه نمایندگان مجلس در مورد رعایت قانون در حوزه مختلف که در تاریخ ۶۷/۱۱/۲۷ در کیهان به چاپ رسیده است اینگونه نوشته اند:

"... انشاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه ها وضع صورتی در آید که هم طبق قانون اساسی حرکت کنیم، آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است مصلحت نظام اسلام اقتضا میکرد تا گروه های کورقانونی سریعاً "به نفع مردم و اسلام باز گردد...."

در رابطه با این سخنان امام سوالی مطرح میشود که گروه های کورقانونی چیست؟ این مسئله از حوزه مختلف قابل بررسی است زیرا قوانین جامعه ما به قانون اساسی برگشته و قانون اساسی در رابطه با هر جریان و طبقه و... گروه های خاصی دارد. مثلاً در قانون اساسی برخورد غیر اسلامی و شکنجه ممنوع است و با در زمینه اقتضا دیقانون اساسی، بخش خصوصی در ردیف سوم و بعد از

بخش دولتی و تعارضاتی قرار داده است و این مسئله برای سازمانها را یک گره کور قانونی محسوب میشود قانون اساسی صریحاً "اعلام میکند که تعارضات خارجی با بدلی شود، در قانون اساسی اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان پیش بینی نشده و راه حلی برای آن ارائه نگردیده است.

در اصل ۵ قانون اساسی ملاک نهایی انتخاب ولی فقیه را اکثریت و پذیرش عامه است و مشخص نیست که اگر زمانی اکثریت حاکم معینه خطا رفتند تکلیف چه میباشد؟

در اصل ۴ قانون اساسی شرعی عنوان ملاک اصلی مطرح گردیده و سوال این است که با توجه به اینکه اسلام بن بست ندارد چه چیز باعث بوجود آمدن این گروه های کورقانونی گردیده است؟

تشکیل شورای تشخیص مصلحت نشان داد که گاهی اوقات احکام شرعی با مقتضیات زمان تضاد پیدا کرده و به این دلیل نمیتوان به عنوان مصلحت و به طور مقطعی از احکام شرعی چشم پوشیده تضاد ما بین احکام شرعی جاری در حوزه های علمیه و ضرورت زمان مسئله ای است که اگر در این مقطع به سا دگی از آن بگذریم در مقابل بعد و با راه آن دچار خواهیم شد. مطرح شدن این موضوع با ردیگری از تگری به آموزشهای رایج در حوزه های علمیه را طلب می نماید.

نکته دیگر قابل تذکر این است که اگر شورای تشخیص مصلحت برای تصویب لایحه به نفع مستضعفان ایجاد شده است بعد از رحلت نبی زبیشتری به آن احساس میگردد.

ملاک قرآنی و الهی تشخیص مصلحت باید معلوم شود تا مرز آن با استحسان اهل سنت از یک طرف و با واژه مصلحت گرای و میل گرای که عموماً "رژیمها به کار میبرند از طرف دیگر روشن گردد آیا بهترین است که شورای مصلحت هم میرقا قانونی را طی نماید و نظرات انتقالی امام در مجلس مطرح گشته و به شور گذاشته شود.

فقه امام خمینی (شماره هشتم)

امام امت در تاریخ ۶۷/۱۱/۱۱ در نامه خود به شورای تشخیص مصلحت تذکراتی به ایراد طرح به اعضای شورای نگهبان میدهند:

"... تذکر کردار نه به اعضای شورای نگهبان میدهم که خودشان قبل از این گیرها مصلحت نظام را در نظر بگیرند چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیا پیرا شوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیری است. حکومت، فلسفه، عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین میکنند و این بحثهای طلبگی مدارس که در جها رجوب نشوریها ست نه تنه بلکه حل نیست که ما را به بین بستهای میکشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی میگردد. در عین اینکه باید تمام توان خود را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد (و خدا آن روز را نیاورد) باید تمام سعی خود را بکنید که خدای نا کرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی نظامی، اجتماعی و سیاسی منتهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد...."

ما بارها و بارها اینگونه صحبتها را با ما نوشته و تکرار کرده ایم و امیدواریم در زمینه اسلام راهنمای حکومت، حوزه ها گامهای بزرگی برداشته و نصیحتهای مکرر ما را جامعه عمل پوشانده و با این انتقاد جدی و اصلاحی اما مپیگیرانه برخورد نمایند. و گرنه گرایش جوانان به مکاتبی که یک مجموعه ظاهری راهنمای عمل دارند، طبیعی و تردیدنا پذیر است امام در پیما نشان به مناسبت شهادت عارف حسینی بدین مضمون گفتند: اگر حوزه های علمیه ما در رابطه با اسلام آمریکا کاری نمیکردند، امروز عارف حسینی در بین ما بود. ای کاش حزب جمهوری اسلامی خود را منحل نمیکرد و رسالت تشکیلاتی خود را تحقق همسین امر یعنی معرفی ویژگیهای اسلام محمدی و اسلام راهنمای عمل و همچنین اسلام آمریکایی قرائی داد.

دیروز حجتیه ایها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را بکنند امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند.

امام خمینی



به عنوان کشور فروشنده در جای پنجم آمار بازرگانی خارجی ایران بوده پس از انقلاب حضور خود را در حد و همان ردیف حفظ کرده و در سال ۶۰ خود را به جای دوم رسانده و در سال ۶۵ (آخرین آمار در دسترس) در جای سوم قرار داشته است. بنابراین کسانی از نو پدیدایشان نشده است. آنها بوده اند و هم جنبه هم بوده اند. نمونه دیگر از این دست، انگلستان بدون سفارت در تهران است که رفت و آمد نمایندگانش را برای مذاکره با مسئولان ایرانی پیرامون از سرگیری روابط، بسیاری نمیپسندند. آنها فهرستی از رفتارهای این کشور در مقاطع گوناگون عرضه میکنند که بهتر است دو عمل ناپسند آخر را هم بدان بیفزایند. انگلستان نه تنها در آخرین آسیب ناگوار و غیر موجه وارد شده به ایرانیان (سرنکوتی ارباب) جانب آمریکا گرفت و آن را محق دانست، بلکه در عملی ناپسندتر حتی فرستادن تجهیزات لازم برای یافتن جعبه سیاه را (که به کشف حقایق بیشتری پیرامون مرگ مسافران ایرانی بیگناه میانجامد) موقوف به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ کرد. با این همه آنها نیز از نو پدیدایشان نشده است. آنها بوده اند، پیش از انقلاب، پس از انقلاب، پیش از جنگ، پس از نزول رسطح روابط دیپلماتیک و ۵۰۰۰۰ در سالهای ۵۶ و ۵۷ انگلستان جای چهارم را در روابط بازرگانی با ایران داشته و در سالهای پس از انقلاب (پنجمین سال ۶۰) همان جای را حفظ کرده است. در سالهای ۶۲ تا ۶۳ به جای سوم ارتقا یافته و در سال ۶۴ (آخرین آمار در دسترس) به همان جای پنجم که از سالهای پیش از انقلاب داشته، بازگشته. نتیجه این آمارها میتواند به ما نشان دهد که باید از سطحی نگری دست برداریم و به مسائل عمیق ترنگاه کنیم و آنرا به جامعه هم عمیق تر منعکس سازیم. از رفت و آمد این هیاتها که نشانه تحرک دیپلماتی ایران است نباید بیامد. بسم داشت، بسم واقعی در نیازها و تواناییهای ماست.



اقتصاد ایران و بازرسی

بازرسی و حضور پیمانکاران خارجی

نشریه صنعت حمل و نقل (شماره ۷۲) در سرمقاله خود تحت عنوان "بازرسی، آرزو-های زیر خاکستر" به بررسی مسئله "بازرسی" و نقش خارجیان و نظرات مختلف پیرامون آنها پرداخته است. نویسنده ضمن بیان ضرورت برخورد ریشه ای با مسئله "حضور خارجیان" تاکید دارد که باید از هر خورد های احساسی و شعاری دوری گزید و به واقعیت های اقتصادی ایران توجه داشت. ضمناً در این مقاله نکات تکان دهنده ای از اقتصاد ایران ارائه شده، که در زیر می آوریم.

بنظر میرسد که در خط مشی مشکوک ضدیت با بخش خصوصی با ضدیت با بخش دولتی با دیدن نظر اساسی کرد

نقطه وصل دوم با خارجیان میتواند و - گذاری عملیات اجرائی طرحها باشد. در این ناحیه نیز سر و صدای زیاد به گوش میخورد و احساسات پر شور دیده میشود. بسیاری با فشاری دارند که سرو که خارجیان نباید برای اجرای طرحها پدیدار شود و با تاکید بر استفاده از نیروهای داخلی تخصص و کارآموزده معتقدند در دوران صلح نباید در راهدین منظور به روی خارجیان گشود. در این احساسات همه نشانه ها مثبت است و این امر نمایانده میشود که همه میخواهند کارمان به دست خودمان انجام گیرد. اما این حرفهای خوب مانند بسیاری دیگر از حرفهای خوب پدید است بدون تحقیق و حتی بی توجه به واقعیتهای پیرامونمان گفته میشود.

تحقیقات ما نشان میدهد در دهه طول سالهای جنگ که اقتصاد کشور به شدت از لحاظ منابع ارزی در رنج بود، طرحهایی به پیمانکاران خارجی سپرده شد و هیچ

علیرغم اینکه گرفتن وام یک مسئله اقتصادی است اما عواقب سیاسی مهمی در بر دارد. چطور در حالت اضطرار زمان جنگ که احتمال سقوط نظام را در پی داشت ما وام نگرفتیم و جز افتخارات خود دانستیم ولی حال زمانی که این احتمال بسیار کم شده است، وام بگیریم؟

کس هم نه در مطبوعات و نه در پشت تریبونها به آن اعتراضی نکرد. پروژه "محرم"، پروژه بافق - بندر عباس، پروژه "اسکله های شناور" پروژه "ماکرو بیو ایران"، پروژه تصفیه خانه "بزرگ" نفت بندر عباس، پروژه "گازکنگان"، پروژه پالایشگاه هشتم، و بسیاری دیگر پروژهها از این دست اند. آخرین آمار در دسترس حاکی از آن است که فقط در حوزه کار شرکت های ساختمانی در سال ۱۹۸۵، پنج شرکت آمریکائی، ۲۳ شرکت اروپائی و ۱۴ شرکت آسیائی در ایران اجرای طرحهایی را به عهده داشته اند.

این آمارها میتواند به همه ما نشان دهد که بررسی پیمانکاران را نباید پیش نمیبریم و اکنون به مانند همیشه چون موجی پیش میآید در این روان میشویم و هنگامیکه موج فرو نشست در این برنخواهیم آمد و موضوع را بی نخواهیم گرفت. یک تحقیق ضعیف گروه گزارش ماهنامه نشان میدهد که سندیگای شرکت های ساختمانی و پیمانکاران ایران از سال ۱۳۵۹ به بعد بیش از حد و صدانه به مقامات گوناگون و سازمانهای مختلف ارسال داشته و ضمن اعلام وضع بحرانی شرکت های عضو خود و تعطیل شدن شماری از آنها و بیگارشیدن نیروهای انسانی شاغل در آن واحد به گروهی از متخصصان اشاره کرده است که ناگزیر به ترک اجباری کشور میشوند و به بازار کار بیگانه گان جذب می گردند. در همان هنگام "جامعه" میهن دهن مشاور ایرانی نیز در تکاپوی مشابهی به سر میبرد. این همه در حالی اتفاق می افتد که شرکت های خارجی از اجراء طرحها در ایران دریافتی ارزی داشتند و شرکت های ایرانی به طور پیوسته و در یک ناه پراکنی بر دانه پیشنهاد میکردند که اگر دستگاهها دولتی نمی از همان مقدار ارز را به آنها بدهند، توانائی به عهده گرفتن پروژهها را دارند و از پس آن برخوردارند آمد، آن هنگام که گفته میشود دستگاه های دولتی نمی - تواننده به شرکت های ایرانی به جای رسال، ارز بپردازند و بسم فساد در آن می رود، آنان پیشنهاد میکنند این مقدار ارز در اختیار همان دستگاه دولتی پیشنهاد دهنده قرار داشته شود و زیر نظر آنها به مصرف خرید ماشین آلات و تجهیزات برسد که شرکت های ایرانی آن را کسر دارند ولی برای پیشبرد کار بدان نیازمندند

مسئول ایرانی میگوید اگر کار راهبه خارجی سپردیم، انجام میدهد مسود میبرد و میبرد، اما با شرکت ایرانی تکلیف نکات ثروت چه میشود؟ اگر پیمانکار ایرانی متعهد باقی بماند، ناگهان در میانه راه کار را رها کند و از کشور خارج نشود و آن دستگاه را با گرفتاری عظیمی روبرو سازد و اگر راه دیگر... آنگاه بر اساس رقم ۸ درصد سود پذیرفته شده و رسمیت یافته از سوی وزارت برناه و بودجه (که حداقل سود در استاندارد اروپائی است) در یک پروژه یک میلیارد تومانی ۸۰۰ میلیون تومان سود نصیب شرکت ایرانی میشود. بنابراین مسائلی نیز از حوزه دیگر صحنه وارد میشوند و موضوع را تو در تو تر و پیچیده تر میکنند.

حضور پیمانکاران خارجی در ایران به هر حال موضوع تازه ای نیست و هم اینک نیز آنان در گوشه و کنار کشور مشغول کارند. آنان پیش از انقلاب بوده اند و اکنون نیز هستند. بنابراین کسی از نو پدیدایشان نشده است. اگر می خواهیم از سهم خارجیان در اجرای طرحها بکاهیم و آرام آرام در گذشته شده را ببندیم، باید یک تحقیق همه جانبه و ریشه ای پیرامون عوامل، انگیزه ها و نیازهای که سبب استفاده از آنان در طول این سالها شده است انجام دهیم و موضوع راهبه جنبه بررسی بی این بررسی کسانی میتوانند حرفهای خودشان را بزنند و کسانی دیگر هم کارهای خودشان را بکنند. در آخر صورت دروغیت

در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ یعنی طرح شورای امنیت ابرقدرتها، ما ده اندیشا نه رهبری افرا دیوا پذیرفتیم که تا به حال امنیت ما را بر هم زده بودند.

تبادل جدی آراء و اندیشه، در دوران بازرسی نیز همان خواهد رفت که پیش از آن.

راه مجاهد

متاسفانه تضاد کاذب بخش خصوصی - بخش دولتی در ایران آنچنان اوج گرفت که مانع از همکاری سالم این دو جریان با یکدیگر گشت. آنچه که تا بحال دیده شد منافع بود که شرکت های خارجی و سرمایه داران وابسته از این تضاد بردند و این اختلاف و درگیری بین این دو جریان و مشکلاتی که هر یک بر سر راه دیگری بوجود آوردند، باعث شد که تنه حرکتی جدی در جهت استقلال از درآمد نفت صورت بگیرد، بلکه مشکلات اقتصادی مردم روز بروز نیز افزایش یافت.

شبهه هایی چون خرید و فروش سکه و فروش اجناس و ارداتی به قیمت فوق آزاد توسط دولت و نهاد های دولتی، اعطای است که مورد قبول بسیاری از بازاربان و بخش خصوصی هم نمیشد.

به قول بسیاری از افراد دلسوز وضعیت طوری است که تولید اصلاً صرف ندارد. به نظر میرسد که در خط مشی های مشکوک ضدیت با بخش خصوصی با ضدیت با بخش دولتی باید تجدید نظر اساسی کرد و ملاک "استقلال از درآمد نفت" و "تولید" را در بخش خصوصی و دولتی مد نظر قرار داد.



بازسازی مبتنی بر استعدادهای نهفته
با بازسازی متکی به قدرت مراکز مالی
دنیا؟

فاسمی نماینده نخستان کمان ۶۷/۱۰/۲۵
مبادا مسئولین در برنامه ریزی بنجاله
بعلت بی توجهی گرفتار دامهای پیچیده
مراکز مالی دنیا شوند و با پیش گرفتن
شیوه‌هایی نظیر بای بک و استقراض بفرست
کنیم که میتوانیم مشکلات را حل کنیم
... باید قابلیت‌ها و تواناییها و امکانات
و منابع لایزال داخلی کشور را در این رابطه
نقد اساسی را امضا کند.

استقراض خارجی تدریجاً را از هستی ساقط میکند.

مائری زاده نماینده بمرچند کمان ۶۷/۱۰/۲۱
سرمایه و استقراض خارجی هدیه مسمومی
است که کشور را گمراه کرده و تدریجاً از
هستی ساقط می‌کند. اهمیت موضوع و اهمیت خارجی
به حدی است که اصل ۲۷ تا ۸۲ قانون
اساسی بطور کامل تصمم گه‌ری در مورد
آن را به عهده مجلس گذارده است.
متأسفانه با تفسیرهایی که از این اصول
بدعمل آمده نتیجه آن عده که عمل حرکت
های دولتی می‌توانند مملوونها دلار بصورت
معاملات نسبی بوزانس و ام بگیرند بدون
آنکه ابتدا مجلس مطلع باشد.

پیش غیر انقلابی قادر به تشخیص پیامدهای استقراض (از منابع خارجی نیست).

فاسمی نماینده اسباباد رسالت ۶۷/۱۰/۱۹
... یعنی غیر انقلابی قادر به تشخیص و
تشخیص پیامدهای سیاسی و اجتماعی ذلت‌بار
استقراض از منابع خارجی نیست. ما باید
همچنان در مظلومیت زمان جنگ با استفاده
از استعدادها و معنوی غنا نادیده
برنامه‌ریزیهای دقیق بمر مشکلاتمان ناسی
آئیم.

تجربه الجزایر و مصر را تکرار نکنیم

حائری زاده نماینده بمرچند رسالت ۶۷/۱۰/۸
... قرارهای بای بک را که مطرح
می‌کنند چه نیاز هست. سر کشورهای جهان
سوم چه آوردند. در واقع سیاست گذاری در
کل صنایع اساسی و مادر ما خواهد شد
که خارجها سرمایه گذاری کنند و کمک کنند
و در جهتی که آنها میخواهند ما دلال
مظلوم باشیم و بک چیزهایی تولید کنیم
آنها هم به جهان سوم غالب کنند. اینکه
واقعاً درست نیست اگر ما بخواهیم توی این

نام بیا فتمم به هر جهت تجربه‌های تلخ
الجزایر و مصر و کشورهای دیگر که انقلاب
کردند برای ما خیلی مهم است.

الگوی مناسب توسعه اقتصادی کدام است؟

ریاضی نماینده شهریار رسالت ۶۷/۱۰/۵
... به خلاف این ادعا که استراتژی توسعه
اقتصادی رژیم گذشته را جایگزین واردات
معدانده استراتژی توسعه اقتصادی که در
آن زمان عملاً جاری بوده استراتژی
مبادائی مبتنی بر صدور نفت و تخلیه منابع
طبیعی و واردات کالا و خدمات بوده است و
ساختار اقتصادی نظام گذشته که بر اساس
باید ریزی و بنا شده است. در سال ۱۳۱۳ با
جایگزینی الگوی مصرف غربی به جای الگوی
دینی که با اجرای سیاست انگلیسی کشف
حجاب انجام گفت، چرخش اقتصادی کشور
به سمت واردات و وابستگی بیشتری به خود
گرفت. ... از ویژگیهای مهم این ساختار
گسترش فرهنگ کم کاری و بی کاری است و تا
زمانیکه بازار تجارت و دولتی و واسطه‌گری
شهرین است و مورد حمایت نمیتوان از تولید
و صادرات بطور جدی سخن گفت. تا زمانی
که شهرت بی بخش مبادلات و معاملات تمام
بخشها را تحت تأثیر خود قرار داده و همه
جانبها را آن است فرهنگ کارجانی
خواهد داشت.

تولید واقعی و تولید عوام فریانه

شهریاری نماینده تنگستان - جلسه ۶۸/۰۲/۲۸
... با زهم بیدنفت را استخراج کنیم و بفرو
- عم و ارز حاصل از آن را اتومبیل
سواری بژو وارد کنیم و عوام فریانه اسف
را تولید بگذاریم به فرض حال اگر تولید
با عده تولیدی است که نتیجه‌ای جز مصرف
انرژی ندارد ما در حالی است که نیرو
گاه هسته‌ای بوشهر با هزینه سه میلیارد
دلار و یکمده میلیاردی از ذخائر کشور به
صورت نیمه تمام سالها راه شده و در انتظار
بک میلیارد دلار از زمین کمتر از یکصد
برآوردی بعد از انقلاب بمر معبره این
نیروگاه بخاطر تکنولوژی خاص خود میتواند
بمعنوان آلترنا تویا بر منابع تولید انرژی
در کشور بصورت تکمیل گاه محکمی برای توسعه
آتی باشد ...

راه مجاهده برخی مسئولان برای
باورند که کشورهای نظیر ژاپن، کره
آلمان الگوهای مناسبی جهت توسعه اقتصادی
پس از جنگ می‌باشند. لذا معتقدند که

گرفتن وام با استقراض و قراردادهای بای-
بک و عیوه‌هایی از این مقوله میتواند ما
را در رسیدن به الگوهای فوق کمک نماید
در این رابطه چند نکته قابل توجه است:
الف - جهان سرمایه داری تنها در مسیری -
که سیاست و مناسبات خودش اقتضا نماید
حاضر است کمک کند و همانگونه که ملاحظه
میکنیم کشورهای فوق نه تنها
امپریالیست نیستند بلکه خود سیاستهای
امپریالیست را دنبال می‌کنند.

از کمال رفاه و مصرف زدگی نمیتوان
به استقلال رسید

اصغری زاده نماینده تهران ۶۷/۱۰/۲۱

امکان ندارد که در عصر حاضر بسودن
تحلیل صحیح از سرمایه داری غرب و
وضعیت جوامع پیشرفته و صنعتی نسبت به
کشورهای عقب افتاده. تحلیل صحیحی نسبت
به رفاه و مصرف زدگی داشته باشیم و اگر
بک کشور جهان سوم قصد استقلال داشته باشد
امکان ندارد که از کمال رفاه
مصرف زدگی به استقلال برسد ...
شعارهایی را که میگویند بدلیل فشار
اقتصادی باید تصمم گیری سریع بشود
با میگویند وضع مملکت هرج و مرج است شعار
- هائی درست جناح راست نه به مفهوم
منهیب بلکه به مفهوم اینکه برای سرعت
عمل و وابستگی را مطرح میکنند می‌دانم.
راه مجاهد: بنظر میرسد:

۱) در شرایط فعلی بک سرنگی در جامعه
ما نسبت به رابطه با غرب وجود نداشته باید
برای بسیاری ممکن است این سوال مطرح
باشد که واقعا ما چه تفاها اختلاف بنیادی
و عمیقی با غرب (آمریکا) داریم -
عبارت دیگر کسانی هستند که معتقدند ما جز
در زمینه بقول خودمان «اختلافات» اختلاف
اساسی دیگری با غرب نداریم و در جهت
توسعه اقتصادی میتوانیم از آنها کمک
بگیریم و با بلحاظ پیشرفت زبانی که
داشته اند حتی میتوانند الگو باشند.
لذا از نظر ما تا به این سوال که در
واقع یکی از معضلات کنونی انقلاب نیز
محسوب میشود، پاسخ مناسبی نداریم -
تحلیل واقعی از سرمایه داری غرب نخواهیم
رسید و شایسته است این نماینده محترم که
مسئله فوق را عنوان نمود، در این زمینه
تحقیق و تعمیق بیشتری بنماید.

۳) نباید از نظر دور داشت چه کسانی که
از موضع دلسوزی و حمل معضلات اقتصادی -
مسئله «تصمم گیری سریع» را عنوان -

میکند. بنا بر این می‌بایست اولاً مرز این
نیروها را با جریانات و خطوط مرموزی که
عمداً در خط وابستگی حرکت میکنند مشخص
نمود تا راه حل مناسب با استدلالهای
قوی و صحیح به آنها ارائه داد تا از روی
اضطرار به سمت شیوه‌های غیر انقلابی و راه
حلیایی که کشور را تدریجاً به سمت وابستگی
سوق میدهد، گرایش پیدا نکنند.

مجموعه مختصری از نظرات نمایندگان موافق
و مخالف در خصوص استقراض از بانک مرکزی
جهت تأمین کسری بودجه سال ۱۳۶۷

استخراج شده از رسالت ۶۷/۱۱/۱۰
نظرات مخالف:

- استقراض از بانک مرکزی سبب تورم
می‌شود. تورم به نوبه خود باعث میشود که
هزینه‌های دولت هم افزایش پیدا کند و از
طرفی تولید ضربه خورده و بخش دولتی و
سفته بازی و خدمات افزایش یابد. وقتی
تولید ضربه خورد نتیجه اش کمبود درآمد
دولت و افزایش هزینه‌های دولت خواهد بود
و برای جبران این درآمد کم و افزایش
هزینه ناچاراً استقراض می‌کند، یعنی بک
دور باطل را می‌بایست طی کند.
- مجلس قانون تصویب میکند که دولت
موظف است در حدود وصولهاش هزینه کند،
در حالی که دولت همیشه بیشتر از وصولهاش
هزینه میکند و بعد کسری بودجه را به مجلس
سپارد. لذا باید کاری کرد که اولاد درآمد
... تحقق پیدا کند و در ثانی هزینه‌ها -
مطابق با درآمدها باشد.

- از آنجا که در اثر عدم فروش نفت درآمد
های لازم حاصل نمی‌شود دولت می‌بایست به
دنبال راه‌هایی دیگری که متکی به در -
آمد نفت نیست باشد. در غیر این صورت
باعدم فروش نفت با کاهش قیمت آن ناچاراً
تمام برنامه‌ها و پروژه‌ها را با بدنا تمام
کرد.
- شرکتی دولتی از یک طرف کاهش تولید
و از طرف دیگر افزایش دستمزدها و حقوق دارند
مخود از عوامل افزایش هزینه‌های دولت
می‌باشد.

- معمولاً بگونه اعمال (دادن اصلاحیه و
تقاضای استقراض) کاری است که هر سال
انجام میشود، تا این روش و راه مدیریت
باشد، این برنامه‌ها ادامه خواهد داشت.
- استقراض بک مقدار کور از کلیه اقراض
مملکت است. استقراض بدهکار کردن تک

رقابت کشورهای منطقه به نفع نفتخواران است

این منطوق که در شرائط جنگی بسر میبریم همه را قانع میگرد
زیرا امکانات نظام صرف جنگ میشود. اما پس از جنگ قانع
کردن مردم نیاز به استدلال و منطوق دارد...

فشار مالی روی دولت بسیار زیاد است

... همه بخشها بدین استثناء فشار میآورند و روی برنا...

... ما اگر کشورهای جنوب خلیج فارس با هم رقابت
نکنیم و با هم سیاست مشترک نفتی قرار ندهیم بین خود-
مان و نگذاریم یکی بی جهت بریزد در بازار و بازار را
پر کند، رقابتها به نفع نفتخواران غرب و کشورهای صنعتی
تمام میشود. آنها برای کارخانههایشان نفت بشکای ده

مقدمه:

در راه مجاهد به شماره های ۴۰ تاریخ بهمن
و اسفندماه ۱۳۴۵ و همچنین شماره ۴۱ مورخ فروردین
ماه ۱۳۴۶ و شماره ۴۹ ماه ۱۳۴۷
مجموعه سخنرانیها و مباحثها و خطبه های
نمار جمعه حجة الاسلام رفسنجانی را تحت عنوان " گام
بگام با حجة الاسلام رفسنجانی در قضیه مک فارلینس"
به چاپ رساندیم. در این شماره نیز محورهای مهم
و استراتژیک سخنان ایشان را از اول اردیبهشت تا آخر
مردادماه ۱۳۴۷ می آوریم

در رابطه با مردم مقدما لازم است توجه کنیم که
به خط مشی موجود است؛
عده زیادی هستند که حالام بقایایشان و جود دارد
و موضع آنها این است که منتظرند در سیاست خارجی
تضادی پیش بیاید. امریکا و انگلیس با هم اختلاف پیدا
کنند، تضاد بین این اردوگاه و آن اردوگاه، وارطریق
تضادها بنویسد یک نفسی بکشند و حرکتی راه بندهارند
و مردم را هم بدینال خودشان بکشند. این منطق
منطقی است که دیگر خریداری ندارد.

ولی موضع دوم نسبت به مردم این است که می آیند
مردم را به صحنه می آورند و آن در جهت مصالح روز
مملکت استفاده میکنند، تکیه به مردم دارند نه منظور
حلی قدرت در برابر امپریالیسم، نادر معادلات سیاسی
بین المللی این قدرت و نفوذ بحساب آید. متاء سفاهت
در این جنبش انقلابی ما، رگه هایی از این تفکر دیده
میشود. امیدواریم در بستر انقلاب این خط مشی
اصلاح و تجدید نظر شود.

دشمن تراشی، مزاحم انقلاب است

قسمتهایی از خطبه های نماز (پایه شده از نور)

۱۳۴۷/۷/۲۲

... دشمن تراشی خودش میتواند عامل مزاحم باشد
یک وقت انسان آرمانها پیش اقتضا میکند که درگیری
داشته باشد و بجنگد و دعوا بکند اینها بحثی نیست و باید
برود دنبالش، یک جاهائی هست آدم بدون جهت
برای خودش مزاحم درست بکند، درگیری درست کند که
امکاناتی که باید صرف سازند گسی شود صرف درگیری کند،
اینرا ممکن بود مادر در وران خامی خود مان، درد وران شور
و هیجان انقلاب انجام بدیم، که با تجربه ای که این ده
سال پرتلاطم برای ما درست کرده، ما الان خودمان یسار
گرفته ایم که مزاحم بیجا برای خودمان درست نکنیم...

دعوی ما با کشورهای خلیج دلیلی ندارد

... بر همین اساس است که ما الان با همسایگانمان
بنای دوستی را گذاشتیم. ما احساس میکنیم هیچ
دلیلی ندارد ما با کشورهای جنوب خلیج فارس، همنشان
دعوا کنیم، ما اگر با آنها دعوا کنیم وضع همین است که
الان داریم میبینید

پول نفت برای ما خیلی اهمیت دارد

الان نفت قیمتش چربا باید ۱۱ دلار یا ۱۰ دلار باشد
این نفت پول مانیست که من حق داشته باشم شخصا
هرکار که میخواهم بکنم. این پولی است که مال نسلهای
آینده ماست، این قدرت سازندگی کشور ماست، این
موتور حرکت ماست، این روغن و بنزین چرخهای موتور
متحرک کشور ماست. اینها راه منجوری اگر بتوانیم جلوگیری
کنیم که اینطور غارت نشود، باید دست از اینکار برداریم...

گام به گام

باجه الاسلام هاشمی رفسنجانی

در مسائل استراتژیک



دلاری بریزند و محصول آنرا به قیمت هریشکهای پانصد دلار و
هزار دلار تبدیل کنند به مواد ساخته شده شیمیائی و برگردانند
به خود ما بفروشند، ما میتوانیم با کشورهای همجوار مسلمان
خودمان بگونه ای زندگی بکنیم که این مسائل پیش نیاید.

نباید باشعارهای بچه گانه ثروت مملکت را بر باد داد

باشعارهای کودکانه و بچه گانه این ثروت کشور را این
امکانات مردم را و اسلام را به باد ندهیم، که اینکار را میکشیم
و بنای اینکار را داریم و سیاستهای شبیه به این جایی که
منافع کشور را بی جهت بخواهد تهدید کند، تحت تاثیر
افکار بچه گانه قرار ندهیم...

خشکه مقدسها مانع راه انقلابند

... مانع دیگر عوامل قشری، بد فهمها، خشکه مقدسها
مقدسها هستند که نمی توانند خود را با شرایط روز منطبق
سازند، عدالت اجتماعی را نمی فهمند نیازهای روز رانمی-
فهمند، اینان با تعدیل ثروت و جذب نیروهای متخصص
مورد نیاز مخالفت میکنند و خیال میکنند اینها ضد اسلامی
هستند و نمیتوانند کار بکنند...

شیاطینی که باشعارهای ظاهر فریب مانع انقلاب هستند

... شیاطینی که به صورت مزد و راجانب که باشعارهای
انحرافی مانع حرکت مدبران هستند با دلسوزی ظاهری و
حتی استفاده از شعارهای انقلاب و گفته های امام، برای
اینکه جلوی اینکار را بگیرند، مثلاً "در مورد پتروشیمی زاین
ممكن است بگویند این با آرمانهای انقلاب نمی سازد و بگویند
مردم ما با صفت و گرسنگی و تشنگی می سازند ولی حاضر نیستند
اینکار بشود. یاد رمورد دانشگاهی که بخواهد سطح علمی اش
را بالا ببرد، یا یک شعار کد کانه دست مدبر را بلرزاند، و
فلان جا بگویند امام آنروز این جور فرموده، یا اینکه حرفهای
امام هر کدام بایستی در جای خودش رویش حساب بشود...
دانشگاه تهران ۶۷/۸/۲۰

پس از جنگ قانع کردن مردم نیاز به استدلال دارد

... در طول جنگ به خاطر شرایط موجود، انتظارات
از دولت و نظام محدود بود و مردم شرایط را درک میکردند و

پنجساله (از نظر مالی) روی بود چه کل کشور، روی دولت، روی
مجلس و نیازهایشان را منتقل میکنند به یک نقطه...

عقب گرد در مسائل مادی مردم را از انقلاب جدا میکند

... عقب گرد و در جازدن برای یک انقلاب سزاوار نیست
حتی در مسائل مادی، چیزهایی که اگر بخواهد اتفاق بیفتد
توده ملت را که پشتوانه انقلاب هستند و انقلاب مال آنها
ممكن است جدا بکند...
باید در ضمن حفظ اصول نیازهای مادی را جواب داد
... منطقی به آدم میگوید که باید راهی پیدا کرد که هم
اصول انقلاب را حفظ کرد و هم این نیاز را به گونه ای پاسخ
داد که تشنگی و اوضاع، بتواند راه درست پیش برود...

گرفتن اعتبار برای تکمیل طرحهای نیمه تمام

... ما در طول جنگ با وجود آن همه مشکلات اقتصادی
اعتبار مطلوبی در محافل مالی جهان کسب کردیم، از این
اعتبارات میتوان برای تکمیل طرحهای نیمه تمام بهره گرفت
و از محل تولیدات این واحد ها بدنی مربوط به آنها
پرداخت کرد...

در مواردی گرفتن وام محدود بسیار مفید است

طرحهای بسیاری ما الان در کشور داریم که نزدیک به
اتمام است، ۱۰٪، ۲۰٪، ۱۵٪ مانده، اینها را با یک
قرارداد کوچک با گرفتن یک یوزانس، با گرفتن یک اعتبار
محدود میتوانیم اینها را به شریکانشان و اینها را در خدمت
مردم دریا آوریم...

سه راه حل برای رفع مشکلات

... یک راه حل اینست که بگوئیم حالا که انقلاب شده و
قشر انقلابی حاکم شده توجه به اصول نکند و خودشان را
منطبق بکنیم با وضع دنیا و زمان به نرخ روز بخوریم تا اینکه
وضع وزند گیماق را اداره کنیم، که این یک حرکت ضده
انقلابی است و در دادن آنها خونهاست و عقب گرد است
راه دیگر آن است که انقلاب متحجرو انعطاف ناپذیر

بقیه در صفحه ۱۶

به یقین دشمنان ما و جهان خوار امرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی الهی با منی شناسند.
امام خمینی



اخبار و افکار

کیهان
تخطی از مقررات جمهوری اسلامی یک
جرم نابخشودنی است. جنایتی است که نسلهای
آینده از آن نمی گذرند. و فرین آنان برکسانی
است که با عدم رعایت مقررات اسلام و انقلاب
و جمهوری اسلامی باعث میشوند این انقلاب و
نظام تضعیف شود و دشمن با تضعیف شدن
نظام بتواند بار دیگر بر مقدرات کشور مسلط
شود.

قسمتی از نامه حجت اسلام روحانی به
امام خمینی

کیهان
قانون اساسی ما قانون بسیار محکم است
و در نظام ما از بالاترین مقام کشور تا پایین تر
رده آن موظفند که قوانین و مقررات را احرا
کنند.

رسالت
به نظرم میرسد دستهای مرموزی در کنار
است تا در شرایط فعلی که نمیتوانند قدرت
را از روحانیت سلب کنند عالمان دینی،
متفکران اسلامی و پژوهشگران و قوادریه
انقلاب اسلامی را به کارهای اجرایی وادار
کنند و از کارهای علمی فرهنگی، فکری و
تحقیقاتی دور کنند و فرهنگ جامعه را طبق
اندیشه های انحرافی جهت دهند و از
حاکمیت فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص)
پیشگیری کنند.

اهداف و آرمانهای انقلاب در حکم قانون
و در بعضی موارد قویتر از قانون است ما باید
با تمام وجود از آنها حمایت و حراست کنیم
اینها چیزهایی است که با خون شهدا
روئیده و پیروش یافته است.

راه سعادت

یکی از چیزهایی که باعث شکست حکومت
میشود این است که دولت مردان از اصول خود
روی گردان شوند. مردم به عشق شعار
های عدم وابستگی، استقلال، آزادی، نه
شرق نه غرب و... انقلاب کرده اند
نظام و دولت مردانی باثبات خواهند بود که
به همه این اهداف و اصول و آرمانهای
انقلاب پای بند باشند.

باید توجه داشته باشیم که کارهای اجرایی
فعلی تحقق شعارهای انقلاب در زمینه های
سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و...
بوده و اگر ما نتوانیم در احرام موفق باشیم خود
بخود زمینه سازانندیشه های انحرافی
گردیده ایم، بنابراین باید بدنیال شیوه ای
باشیم تا در حین کار اجرایی نقاط قوت و ضعف
خودمان را جمع بندی کرده تا فرهنگ انقلاب
را در عمل تحقق دهیم.

روزی که ما نسبت به آرمانهای انقلاب
برای حفظ نظام عقب نشینی کنیم آن
روز، روز مرگ و شکست انقلاب اسلامی است.
مگر امام حسین (ع) برای شعارهایش
شهادت نشده، بگذرید ماهم شهید شویم
ولی انقلاب و اسلام بماند.

باتاکیدی که امام خمینی در این ده سال
داشته اند که روحانیون باید در کارهای
عملی چون حل مسائل اجرایی نظام و حضور
در رجبیه های جنگ اسلام و کفر بطور فعال
شرکت داشته باشند و حتی اولویت را به آن
بدهند، تحلیل فوق چگونه قابل تبیین
میباشد؟

نکته ای که علی (ع) حکومتها و دولتهارا
توصیه به پرهیز از آن میکند، این است که
انسانهای پاک و با فضیلت و معتقد به انقلاب
کنار گذاشته شوند و افراد متعلق و چاپلوس به
جای آنها گمارده بشوند و کسانی که بلکه
قربان گو هستند و اصلا مسائل انقلاب
و اسلام برایشان مطرح نیست بکار گرفته
شوند و اراذل در مقدرات کشور حاکم گردند.

..... این که بگویم علت نارساناییها و
مشکلات مردم فلان کس یا فلان اداره هست
بحث درستی نیست همه کسانی که در این
مجموعه کار کرده اند از رئیس جمهور تا
رده های پایین تر گرفته همه در مقابل
ملت مسئولند. الان ده سال از انقلاب می
گذرد و حداقل بعد از بنی صدر و دولت موقت
حکومت دست نیروهای انقلاب افتاده و همه
مسئولین بر سر کار بودند و بر این اساس
مسئولیت به عهد و همت است و همه باید
با سخگو باشند که در این هفت - هشت
سال که مسئولیت اجرایی داشته اند در
کشور چه کرده اند.....

قسمتی از سخنرانی آیت الله امامی کاشانی
در وزارت دفاع

رسالت
ایشان ضمن اشاره به موضوع الگوی زن
مسلمان و خشم امام در این رابطه گفتند:
" این از ضعف تبلیغات ماست که امروزه
اسلامی آنطور که شایسته است سود نمی
بریم و در زمینه های هنری و فرهنگی از ارزش
های مذهبی و اعتقادی خود دفاع نمیکنیم"

راه سعادت

راستی آیا مقصود مردم هستند و وقتی او شین
را بصورت شیوه های راهنمای عمل تبلیغ
میکند ولی حضرت زهرا (س) بعنوان یک
واقعه تاریخی در گذشته مطرح میشود
و تازه کسانی را مثل شهید دکتر شریعتی که
حضرت فاطمه را الگوی زن امروز مطرح
میکند حذف و طرد میکنند.

قسمتی از سخنان حجت الاسلام
مجتبی در سه پنار سراسری استانداریها

رامسجاد
سخنان آقای مجتبی در زمینه
اجرای قانون احزاب و احزاب
فعالیتها در این به کسانی که قلبشان
برای انقلاب می تپد نشانه علاقه ایشان به
حفظ اصول انقلاب و مشارکت مردم در امور
سیاسی است. در این زمینه نکاتی به نظر میرسد:
- همانطور که ایشان فرمودند تخطی از مقررات
اسلام و انقلاب باعث تضعیف جمهوری اسلامی
میشود. شایان ذکر است که بسیاری از
تضعیفها و نارساناییها در نتیجه همین تخطی
قانونهاست. همانطور که آقای مجتبی

عدم آزادی اظهار عقیده در چند سال اخیر موجب جدا
شدن افراد دلسوز از نظام گردیده و نظام ناگزیر
میشود تا این خلوتنها را با ورود بیگانگان پر
نماید و به این ترتیب آرمان مقدس انقلاب زیر پا
گذاشته میشود.

طرح موافقت کرده ام، من به ایشان گفتم که
این امر نه تنها مطابق اصول قانون اساسی
نیست بلکه با روح قانون اساسی هم مغایرت
دارد الان اگر کسانی هستند که فکر میکنند با
ادغام اختیارات ریاست جمهوری و نخست
وزیری مشکلاتشان حل میشود، فردا همین
اختلاف بین رئیس جمهوری و مجلس در انتخاب
وزرایش میاید آیا بعد ان خواهند گفت که
مجلس ایجاد مشکل میکند و روند کارها را کند
میکند و فردا مجلس را زیر سؤال نخواهند برد؟

اجرای قانون احزاب و شوراهای

اجرای قانون احزاب و شوراهای با عث
میشود که مردم جهان میفهمند که آزادی به
معنای واقعی آن در اسلام است و مردم نیز
در حاکمیت حضور دارند.
روانشناسی و یکتاتوری در جامعه ما
وجود دارد مثلا هم اکنون خیلی از مسئولین
مطرح میکنند که مادر استان به اندازه کافی
مسئله داریم حالا شما میخواهید ارگان دیگری
درست کنید، در محدوده فعالیت شخصی
افراد کسی که از خالت مردم در کارها ایسا
داشته باشد بی شک خصلت یکتاتوری در
او وجود دارد.

با اجرای قانون احزاب حکومت واقعی مردم
بر مردم تحقق خواهد یافت و با اجرای قانون
شوراهای اسلامی کار سازی برای آینده
انقلاب نیز بوجود خواهد آمد. اجرای قانون
شوراهای اسلامی تمام گروهها و احزاب سیا
سی را خلع سلاح خواهد کرد و دیگر نمیتوانند
بگویند که اگر من آدم سرکار چه کار میکنم چرا
که با اجرای این قانون ما آنها را خلع شعار
کرده ایم. اگر بر مبنای قانون به احزاب
آزادی بدیم در حقیقت به قانون عمل
کرده ایم و در غیر این صورت عامل رشد هرج و
مرج در جامعه خواهیم بود. آزاد، احزاب
باعث ابراز اندیشه های متفاوت و برخورد
عقاید و آراء در محیط سالم میشود و تجربه ما این
است که برخورد آرا همیشه نتایج مثبت داشته
است، از سوی دیگر قانون احزاب باعث
کنترل دولت میشود که طی آن اگر دولت
برنامه ناقصی ارائه دهد از سوی احزاب این
نقائص رفع میشود.

استقرار خارجه

علیرغم اینکه گرفتن وام یک مسئله اقتصادی
است اما عواقب سیاسی مهمی در پی دارد
چطور در حالت اضطرار زمان جنگ که احتمال
سقوط نظام را داریم داشت ما وام نگرقتیم و جزو
افتخارات خود دانستیم و حالا زمانی که این
احتمال بسیار کمتر شده است وام بگیریم؟ اگر
ما هنوز دولت کشورهایمانند ونزوئلا، برزیل
و مکزیک را که وام گرفته اند بررسی کنیم می
بینیم که آنها نیز مانند حامیان استقرار در
کشور خود مان این تراز داشتند که ما این



می توانند یک گروه سیاسی را به دلیل اینکه
محل نظم بوده اند زیر سؤال ببرند تا در به
اقامه دعوی علیه کسانی که در جایگاه یک
مسئولین قانونی کرده اند نیز می باشند.

- حفظ شعارها و ارزشهای انقلاب
از نکات بسیار مهم و سر نوشت سازی است
که آقای مجتبی به آن اشاره کردند.

با توجه به وضعیت جامعه ما کسی قادر بر
نفی آرمانهای انقلاب بظهور آشکار نیست. اما
تا حد تکرار شعارهای انقلاب از سوی همه
مسئولین هستیم. شکل اینجاست که از

دست دادن شعارها با شیوه غلط شروع
میشود. مثلا استقلال بعنوان محور اساسی
آرمانهای انقلاب مورد تأکید همه است لیکن
عدم آزادی اظهار عقیده در چند سال اخیر
موجب جدا شدن افراد دلسوز از نظام گردیده
و نظام ناگزیر میشود تا این خلوتنها را با ورود
بیگانگان پر نماید و به این ترتیب آرمان مقدس
استقلال را زیر پا گذاشته می شود. پس جهت
تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی نخستین بایست
در صد در تصحیح شیوه ها بر آئیم.

توفیق آقای مجتبی و دیگر مسئولین در این
جهت استواریم و امیدواریم شرایطی بوجود آید
که نیروهای معتقد به انقلاب بتوانند در سایه
انلام و بدون ترس از برخورد سازی عقاید
سازنده خود را آرزایانه ابراز نمایند.

قسمتهایی از اظهارات دکتر در معاون
سیاسی وزارت کشور در سمینار استانداریها

خطرات ایجاد یکتاتوری

اطلاعات
۱۷/۱۹۸

اولین نکته ای که استقلال کشور را با خطر
مواجه میکند ایجاد یک نظام و تفکر یکتاتوری
است، چرا که قرار گرفتن یک یکتاتور در رأس
امور کشور موجب خارج شدن مردم از صحنه
باعث از دست رفتن پایگاههای حکومت در
داخل شده و این امر مساوی است با ایجاد
پایگاههای حکومت در خارج و در نتیجه ایجاد
سلطه در کشور. قانون اساسی با تفکیک
قوایه مصاف این خطر رفته است. نویسندگان
قانون اساسی متوجه بودند که کشور ایران
بامرکز زمین و طولانی شاه داری و نظام
سلطنتی روبرو است و روانشناسی زور و یکتاتور
ی قرنهای این کشور وجود داشته و علیرغم
دولت انقلاب عظیم اسلامی امکان بروز مجدد
د یکتاتوری هست.

ادغام ریاست جمهوری و نخست وزیری

من در دیداری که با نخست وزیر داشتم
به وی گفتم که گویا شما موافق هستید تا
اختیارات نخست وزیر رئیس جمهور هم
ادغام شود، ایشان گفتند که من به دلیل
آنکه مبادا در کشور بحران ایجاد شود با این

وام‌ها را میگیریم و یک صنعت سود ده ایجاد میکنیم که با آن وامهای گرفته شده را مستهلك كنسيم .

فرد اقتصاد دانی در يك سمینار گفته كه ما هم مثل آلمان و ژاپن كه از اصل ترومن استفاده كردند استفاده میکنیم تا مانند آنها صنعتی شویم ، در صورتیکه بقول هلموت شمیت چیزی كه آلمان را بازسازی كرد اصل ۴ ترومن نبود بلکه " اراده ملت آلمان بود " .
بفرض محال كه ما با يك كشورهای بیگانه بتوانیم اقتصاد خود را بازسازی كنیم باید چه کسانی به ما وام بدهند ؟ بفرض صدوق بین المللی پول و کشورهای سرمایه داری ؟ آنهم با چه شرایطی ؟ باز پرداخت این وامها یا از فروش نفت است و موقعی كه شما صادر شدید این نفت را باید بقیمت يك دهم بفروش رسانید ، یا اگر میگوئید از محل وام كارخانه میسازیم و با آرزایان وام را باز پرداخت میکنیم باید ببینیم كه ما در بعد از انقلاب چه مقدار از طریق صادرات ارز حاصل کرده ایم ؟
اخذ وام نه تنها مشكلات ما را حل نخواهد كرد بلکه همان آبروی سیاسی ای كه تا كنون كسب کرده ایم نیز از بین خواهد رفت .
اخذ وام مثل اینست كه ما بگوئیم " خدا جانبخدا انقلاب " چرا كه انقلاب یعنی فد كردن منافع اقتصادی در پای منافع ایدئولوژیک و این اندیشه وام گرفتن ما را به آنجا خواهد رساند كه ما بگوئیم اصلا بیخود انقلاب كردیم .

راه مجاهد

سخنان آقای صدر شامل مطالب بسیار مهمی است ، ما جامعه ما در شرایط فعلی به تحقق آنها نیاز بسیار داریم . اهمیت کار در سازی یکی از نکات مورد توجه ایشان است . باز سازی سیاسی و انسانی مقدم بر باز سازی اقتصادی میباشد . . . اکنون كه نیروها بسیج شده اند تا خسار انسانی از جنگ تحمیلی را ترمیم كنند اجرای قانون احزاب موفقیت این امر مهم را بیشتر میكند . زیرا كه در دل باز سازی سیاسی نیروهای مؤمن شناخته شده و بسا لا گشیده می شوند و این كادر ها میتوانند دولت را در امر باز سازی اقتصادی بیشتر مهاري دهند و آن را از كلك دول بیگانه پنهان نمایند .
بقول برادر شهید سعید محسن " توسعه اقتصادی جز در سایه سیخ توده ها امکانپذیر نیست " .

پوشش و پاسخ دانشجویان
باجت الاسلام خامنه‌ای

هفته وحدت و مسجد دانشگاه تهران
مضمون پارهای از سئوالات و جوابهای
ججت الاسلام خامنه‌ای را میآوریم :

مضمون بعضی از سئوالات :
- لطفاً بفرمائید از اصول انقلاب چه چیزی باقی مانده و برای آینده چه برنامه‌ای دارید ؟
- شما كه باند بازی و گروه‌بازی با آنان كردید انقلاب را ختم کرده‌است چه فکری برای انقلاب دارید ؟

- شما كه جام زهر را به امام دادید و ایشان را مجبور به نوشیدن آن كردید حالا چه برنامه‌ای دارید ؟
- آقای رفسنجانی گفته اند كه ما در گذشته اشتباهات و تند رویهایی داشته‌ایم . این اشتباهات چه چیزهایی بوده‌است ؟
- لطفاً بفرمائید كه چرا شعارهای شما با اول جنگ ۱۸۰ درجه تفاوت دارد ؟
- آیا از آلمان وامی گرفته شده‌است ؟

مضمون بعضی از پاسخها :

- من همیشه با باند بازی و گروه‌گرایی مخالفت کرده‌ام . و سئوال شما را به این شکل قبول دارم " آیا باند بازی و گروه‌گرایی كسر انقلاب را ختم نكرده ؟ " كه البته ختم نكرده ولی خیلی صدمه زده‌است .
- در رابطه با ترمیم جراحات عربستان

كارهای مختلف انجام شده‌است ولیكن كلاً اینگونه سئوالات را نباید از پشت میکروفون پرسید .

- در رابطه با جام زهر باید بگویم این ما نبودیم كه " جام زهر " را به امام دادیم بلکه جام زهر را واقعتاً دست امام داد .
سئله دیگر اینکه من از سال ۶۲ به بعد در هیچيك از تصمیم‌گیریهای جنگ نبودم ،

البته ممكن است بگوئید كه من ریاست شورای عالی دفاع را داشته‌ام . درست ولی شورای عالی دفاع تصمیمات مربوط به جنگ را نمی گرفت ، البته گاهی با من مشورت می‌كردند و من هم بعضاً نظراتم را میگوتم ولی

من تصمیم گیرنده نبودم . حالا سیر قضیه را برای شما میگویم :

حضرت امام نامه‌ای دادند كه سی و چند نفر از برجسته‌گان مملكتی اعم از دولتی و غیر دولتی جلسه‌ای تشكيل بد هید این جلسه در دفتر من تشكيل شد ، امام فرمودند قضیه را با انضباط در میان بگذارید . شب قبل از جلسه ، احمد آقا آمدند و گفتند حضرت امام نامه‌ای نوشته‌اند كه در آن جلسه خوانده شود . من تا قبل از باز شدن نامه از متن آن اطلاعی نداشتم و فكر میكردم كه امام میخواهند با ما مشورت كنند . حضرت امام در آن نامه فرموده بودند :

" فلان شخصیت كشوری به من چنین گفت و فلان شخصیت نظامی هم به من چنین گفت (البته ایشان اسامی را گفته بودند) و من آتش بس را قبول دارم " در آن نامه امام علك قبول آتش بس را گفته بودند .

روز بعد جلسه‌ای در مجلس با شركت عده زیادی از شخصیتهای مملكتی تشكيل شده . حدود ۵۰۰ - ۶۰۰ نفر كه اعضای شورای نگهبان هم بودند ، در آن جلسه همان نامه خوانده شد .

حضرت امام گفته بودند آتش بس را بپذیرید و ما از حضرت امام خواهش كردیم كه ما قطع نامه را قبول كنیم تا دشمن سو استفاده نکند و بطور خلاصه بگویم : " من نبودم " .

- اشتباهات ما در اول انقلاب عمدتاً در زمینه سیاست خارجی بود ، البته روال كار را حضرت امام مشخص میكند ، ولی انجام چه چیز دیگری است . بطور مثال یکی اوائل انقلاب گفته بود بحرین مال ماست ، وگلی در دست سر ایجاد كرد .

- (سی : چرا شعارهای ابتدای جنگ با حالا ۱۸۰ درجه اختلاف دارد ؟)

ج - روشن است ، زیرا آن موقع اول جنگ بود و حالا میخواستیم جنگ را تمام كنیم .

- وام شكلهای صحیحی نیز دارد كه ما تا آنجا كه قانون اجازه بدهد و آنها بدهند میگیریم .

راه مجاهد

به نظر میرسد اینگونه برخورد های رودر رو و صریح ، برای انقلاب مردم و مسئولین بسیار ضروری است ، اینگونه برخورد ها از يك طرف مسئولین را با نظرات اقشار دلسوز جامعه آشنا میسازد و از طرف دیگر قلوب مردم را به مسئولین نزدیک میكند .

۲- در رابطه با " جام زهر " به نظر میرسد نیاو به توضیحات دقیق تری است . صرف

شما كه جام زهر را به امام دادید و ایشان را مجبور به نوشیدن آن كردید حالا چه برنامه‌ای دارید ؟
حجت الاسلام خامنه‌ای : حضرت امام گفته بودند آتش بس را بپذیرید ما از حضرت امام خواهش كردیم كه قطع نامه را قبول كنیم تا دشمن سو استفاده نکند .

انداختن مسئولیت به دست امام و اعلام اینکه از فلان موقع جنگ را قبول نداشتم مسئله‌ای را حل نمیکند .

واقعتی‌هایی كه امام را مجبور به نوشیدن زهر كرد چه بود ؟ تنهافشار خارجی بود ؟ یا فشار داخلی و عدم توان مسئولین ؟

البته زهر سئوال بردن افراد دردی را دوا نمیكند ، نیاز به نقد و بررسی خط مشی است كه خود را بر جنگ تحمیل كرد . خطی كه جنبه‌ها را " امری " مذاكرات سیاسی كرد خطی كه برای مردم ارزشی به جز يك ابزار ساده قائل نبود . خطی كه تکیه بر سلاح سنگین را واجب میدانست ، خطی كه معلم و مرشد شرعی اثر دشمنی بود كه خود كافر بش مینامید ، اگر آن شهر را میگوئید ، اینهم زدن شهر را برخورد واجب میدانست . اگر او شمیانی میزد ، اینهم استفاده از شمیایی را بلا اشكال میدانست . و قس علیهذا .

۳- به نظر میرسد كه " پذیرش آتش بس " كه امام پیشنهاد کرده بودند ، خطی بسیار اصیل تراز این بود كه عمل شد . آیت الله منتظری هم در همین به حضرت امام پس از هدف قرار گرفتن هواپیما مسافری " دفاع از مرزها " را پیشنهاد کرده بودند .

این عمل يك دفاع معقول در مقابل تهاجم گسترده و همه جانبه ای بود كه علیه ایران اسلامی ایجاد کرده بودند و وحدت نیروهای ملی و مذهبی را هم بدنبال داشت ولیكن مناسبانه با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ یعنی طرح صلح شمیایی امنیت ابرق درتها ، ساده اندیشانه رهبری افرادی را پذیرفتیم كه نامه حال امنیت ما را برهم زده بودند و امنیت را از کسانی طلب كردیم كه با ما همیت ماتضاد بنهادی دارند . (رجوع شود به مقالات الف - ریشه یابی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در همین شماره . ب - بن بستهای عملیات استراتژیک عملیات گسترده ، راه مجاهد ۴۹ ج - سزهر شناسی راه مجاهد ۴۹)

كام به كام . . .

بماند و در برخورد با این نیازهای مختلف كه میشود از خودش انعطافی نشان ندهد . این تحجیر و ام نمیآورد و میشكند راه حل سوم این است كه باید هم اصول انقلاب را حفظ كرد و هم نیازها را پاسخ داد كه انقلاب نشكند . . .

كیهان

تشكيل حكومت دمكراتيك راه حل مشكل فلسطين است

... راه حل این است كه مردم فلسطين مجدداً به كشور خود برگردند . آنهایی راهم كه هستند نمیتوان به زور اخراج كرد . این مجموعه يك حكومت تشكيل میدهند و يك حكومت دمكراتيك بوجود میآید . . .

پیام تبریک سفارت فلسطین به مناسبت ۲۲ بهمن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنسبت سالگرد پیروزی انقلاب شكوهمند اسلامی ایران بر رژیم پوسیده شاهنشاهی سفارت دولت فلسطین در جمهوری اسلامی ایران مراتب تبریک خود را به محضر حضرت آیت الله العظامی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و حضرت آیت الله العظامی منتظری قائم مقام رهبری و کلیه مسئولین جمهوری اسلامی ایران و کلیه فرزندان ملت ایران تقدیم میدارد . امید داریم كه این جمهوری به عنوان پتانسیه مبارزات ملت فلسطین تهرمانان تا رسیدن به اهدافش در آزاد سازی خاکش و بازگرددن قدس شریف و اقصی مبارك موبد و برقرار بماند .
ولینصرن الله من نصره ان الله لقوی عزیز
صدیق الله العظیم - سفارت دولت فلسطین - تهران

نامه امامیه . . .

سیاسی بیشتر از فساد اخلاقی و یا جرایم جنایی تلقی میشد در چنین جوی و وزارت اطلاعات نیز عمدتاً روی افراد و جریانات سیاسی فعال بوده و از اشرا و عناصر مرموز غافل ماند همین غفلت بطور ناخود آگاه شرایط امنی را برای اقدامات جریانات فسوز مهیا نمود .

نكته دیگر اینکه وقتی سیاسیون دچار حسبهایی طولانی می شوند ولی افراد جنایتکار یا روایتی كه دارند در مدت کوتاهی آزاد میگردند در چنین جوی ترس از حبس نیز قادر به بازداشتن از اقدامات غیر قانونی اشرا نخواهد بود .

با توجه به نکات فوق بنظر میرسد كه علیرغم دخیل بودن ضعف قوه قضاییه در بحران فونی علت اصلی وقوع این حوادث بیشتر سیاسی است تا قضایی و بقول آیت الله منتظری علاوه بر برخورد های روئانی چون اعدام اشرا و . . . بایستی به حل علق و ریشه‌های بوجود آمدن چنین حوادث به عنوان يك اقدام زیربنایی پرداخته شود .

استراتژی واقعی انقلاب اسلامی در منطقه

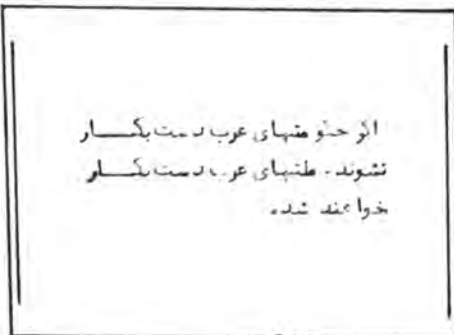
تاکنون در مصر شاهد یک دوقطبی بودیم
اخوان المسلمین و صابریستها، اخوان
مسلمین تنهاره مبارزه را تشکیل حکومت
بلاسی میدانستند. وانگیزه های
سیونالیستی را مترادف با کفر و جاهلیت
میگردد. از طرف دیگر صابریستها با
برای تکرار مذهب به عنوان انگیزه فردی
طرح است. با تاکید بر انگیزه های
سیونالیستی سعی بر سیاحت عربی بر
اسرائیل داشتند. اکنون شاهد ظهور
یده جدیدی در مصر که یکی از رشده
قویترین کشورهای عربی در مبارزه با
صیونسم است. میباشیم که هم در
گیرنده انگیزه های اخوان المسلمین و هم
در پی پیوند با ناصریستهاست.
بنظر ما این جریان درک جدیدی از رابطه
بلام و ناسیونالیسم است که قادر به
تضادهای خاورمیانه در مبارزه با دشمن
صیونستی میباشد.
آنچه در زیرماید مواضع محمود نورالدین
فلاسی مصری است که نشاندهنده این
واقعیت است.
محمود نورالدین ناصر سابق اطلاعات
بر رهبر تشکیلات "انقلاب مصر" میباشد
به اتهام ترور تعدادی از دیپلماتهای
یگانی وانگلیسی به همراه چند تن دیگر
عضای تشکیلات انقلاب مصر محاکمه شد.
قبل از آغاز محاکمه صاحبهای با مجله
مالم انجام داده است. روزنامه اطلاعات
تاریخ ۲۲/۹/۶۷ آنرا به چاپ رسانده
است. قسمتهای از آن به شرح زیر است:

پیرامون مبارزه با صیونستیها

س- آیا از اینکه ستون صیونستیها را بد
لاکت رسانده ای و سعی کرده ای که چند تن
دیپلماتهای سفارت آمریکا در قاهره را نیز
بزرگی، پشیمان نیستی؟
ج- البته که نه. من به اینکار افتخار میکنم
برازواجیات هر فرد مصری و ملی گرا و
مسلمان میدانم. هر فردی که دین و خاکش

پیرامون شهادت ابوجهاد

س- در مورد به شهادت رسیدن ۳ پو
جهاد "بوسله" موساد "چه نظری دارید؟
ج- این اقدام نیازی به گفتن ندارد و
کاملاً آشکار است. اما اینرا ثابت کرد که ما
راه درستی میرویم، اگر آنها فکر کردند که
میتوانند به رهبران ملی ما دست بیاورند و



آنها را به قتل برسانند، باید بگویم که ما
دستمان بازتر است و حتی میتوانیم به اطاق
خوابشان برسیم. . . . امیدوارم که از این
زندان نجات پیدا کنیم و بتوانیم انتقام ابوج
جهاد را بگیریم. . . . ما زهم میگویم تنها
رسانه های تبلیغاتی جهان است که برای
ترساندن ما از موساد یک غول بی شاخ و دم
ساخته.

پیرامون اخوان المسلمین و حزب وفد

س- . . . شما باعث شدید که تا پیشروهای
ملی در یک کمیته جمع شوند و به دفاع از مسئله
شما بپردازند. در این کمیته حزب "وفد" که
دشمن سرسخت عبدالناصر بود و به عنوان
"سبیل گار شمانیزم" شرکت دارد گروهها
- ی دیگری مانند "اخوان المسلمین" و
"جهاد" و دیگر گرایشهای مذهبی نیز در این
کمیته شرکت دارد. در این مورد چه نظری
دارید؟

ج- . . . کمیته یاد شده نشان میدهد
که ملت مصر با تمام مشوهای و گرایشها بر سر
مسائل ملی بزرگ توافق نظر دارد. مثلاً
ارتش مصر که در سال ۱۹۷۳ صیونستیها
را شکست داد، از هر گرایشی چه مسلمان چه
ناصریست وجه "وفدی" و غیره در آن مشارکت
داشت و همه مصری بودند. پراگندگی کونی
هم فقط یک نتیجه طبیعی از نبود مسائلی
اساسی در مصر است من از همینجا و از ترس
قلب برای جوانان جریانهای اسلامی درود
میفرستم و به آنها میگویم که راه را ادامه بدهید

که خداوند باشعاست. همچنین برای حزب
مخالف "وفد" به جهت اینکه ضایع ملی را
برتر از ضایع حزبی قرار داده، درود میفرستم
من به همه میگویم که انتظار داریم که همه در
این نبرد علیه دشمن صیونستی شرکت
کنند و وظیفه ملی - میهنی خود را انجام
دهند.

س- در اینجا دوتن از وکیلان اخسوان
المسلمین حضور دارند و خوانی هاتاجال
در کنگره هایشان از شما سخن نیز میمان
آورده اند. آیا شما از اخوان المسلمین هستید؟
ج- آنها "اخوان المسلمین" هستند و ما هم
"مسلمین" هستیم. پس همه "ما مسلمانیسم" و
هیچکس نمیتواند ما را از هم جدا کند. زیرا
اسلام ما را گرد هم آورده است.

پیرامون پسر عبدالناصر و ناصریستها

س- در لیست متهمین بعد از شما نام
"خالد جمال عبدالناصر" به عنوان متهم در
دوم آمده است. اما شما هنوز هم ارتباط او
را با تشکیلات انکار میکنید. به فرمائید چه سستی
داشتند؟

ج- خالد عبدالناصر هیچ ارتباطی
تشکیلاتی یا عضویتی با مالی با تشکیلات ما
ندارد تنها مسئله ای که هست اینکه او رهبر
روحی ماست و برای ما او جانشین پدرش
است. خالد اصول پدر خود را دنبال میکند
و خواستار مبارزه با نفوذ صیونستیها و
آمریکائیهاست. از طرفی او از زمانی که در
لندن در مقطع دکترا تحصیل میکرد، با هم

دوست بودیم. . . . سازمان جاسوسی
آمریکا از آنجا که جمال عبدالناصر پوز آنها را
به خاک مالید و منطقه عربی را از لوث وجود آنها
پاک کرد، بر این شد که برای انتقام، پسر
او را به دادگاه بکشاند و آوازه "یک آن مرد
را خراب کنند. اما آنها بدون اینکه بدانند
چکار میکنند، خود باعث شدند که نام آن مرد
باز هم بر سر زبانها بیفتد و در دل مردم جلی
بگیرد. مرد عبدالناصر را با کسانی که بعد از
او آمده اند به مقایسه مینشینند. و اکنون می-

توانیم بگویم که عبدالناصر باری دیگر اینبار
از درون قبر رهبری مردم مصر را بر عهده
گرفته است. پیش از این جریان، نسلهای
جدید که عبدالناصر را نمیشناختند و نسلها
دیگر که در زمان او کوچک بودند او را به دست
فراموشی سپرده بودند. اما ما پیش آمدن این
مسئله عبدالناصر را زهم دران جوانان
جای گرفت و باری دیگر ملی گراشی در خون
جوانان به جوش آمد.

ریشه فکری خیانت و جاسوسی

یکی از دستهای مرموزی که در دوران حکومت مردمی مرحوم صدق بطور داوطلبانه اسرار درونی
ولت را در اختیار انگلیسیها میگذاشت شخصی با نام مستعار "عمر" بود. تئوری و تحلیل شخص
تذکر این بود که هیچ تحولی در هیچ جای دنیا خصوصاً ایران خارج از حیطه اراده دولت فقیه
انگلیس نمیشد. بر اساس همین تحلیل، ملی شدن نفت را طرحی انگلیسی دانسته و بدلیل کینه ضد
صدق که داشت برای تغییر حکومت صدق به همکاری اطلاعاتی با انگلیسیها رسید که کلهکهای وی
نقش شایانی در بشر رسیدن کودتای ۲۸ مرداد داشت. زیرا نحوه همکاری این شخص با استعمار
انگلیس را با استناد به خاطرات سی. ام. بود هاوز طراح کودتای ۲۸ مرداد مختصراً شرح میدهم
میداریم با دوسگیری از وقایع تاریخی به این سنت الهی توجه شود که شعله هر شدن کینه نسبت به

نیروهای داخلی چگونه منجر به جاسوسی پوری میشود.

"یک روز صبح یک کارمند عالیرتبه ایرانی وارد سفارت انگلیس شد تا اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد. او
آنگنان آشکار آمد انگار هرگز به فکر او خطور نکرده که کار ناشایسته ای انجام میدهد. در مقام مدیرکل
چو از وزارتخانه های مهم او به این نتیجه رسیده بود که صدق مشغول بران کردن و به روشنگری
کشانیدن ایران است وی مانند اکثر ایرانیان حتی ایرانیان خیلی تحصیل کرده مانند خودش اعتقاد
داشت که در ایران هیچ چیز اتفاق نیفتد مگر به میل و اراده انگلیسیها. او یک بار به من گفت که همه
در تهران فرض میکنند که ما عدا صدق را به حکومت رسانیدیم چرا که پالایشگاه آبادان دیگر مقرون
به صرفه نیست و ما میخواهیم از راه ملی کردن آن غرامت دریافت کنیم. او این نظر را بعنوان عقیده رایج
بین مردم مطلع شهر ابراز کرد ولی چیزی نیافزود که من بتوانم فکر کنم خودش در این باره تردیدی داشت
این شخص استدلال میکرد که چون - - - - - اختیارات ایران به هر حال در دست انگلیسیها
است پس چنانچه بطور منظم و دقیق اطلاعات لازم در باره جریانها داخلی دولت صدق بدست ما
برسد، ما قادر خواهیم بود بطور موثرتری در جهت منافع مشترک دو کشورمان اقدام کنیم. گرچه استدلالش
خیلی پیچیده بود اما در باره ارزش اطلاعاتی که در طی ماههای آینده در اختیار ما گذاشت تردیدی
وجود نداشت. بدلیل امنیتی ما نام مستعار "عمر" را بر او میگذاریم. وزیر مافوق عمر از بخت
خوب ما جندی قبل استعفا داده و کسی هم به جانشینی او تعیین نشده بود. بنابراین عمر شخصاً به
نماینده گی از سازمان مربوطه در هیئت دولت صدق شرکت میکرد. هفته ای دو سه بار من و او بطور خصوصی
ملاقات میکردیم و جزئیات محرمانه داخل دستگاه حکومتی را میشنیدیم. . . . ما از تصمیمات (حکومت) آن
(بوسله عمر) اطلاع حاصل میکردیم"

* اسرار کودتای ۲۸ مرداد - ص ۴۳ و ۴۴ *

ژاپن، ژاندارم آمریکا

در آسیای خاوری



ای اجلاس سران کشورهای صنعتی غرب صبحی بر سر اینته "امنیت کشورهای ما جدایی ناپذیر بوده و باید با پیشنی جهانی با آن برخورد نمود" به نسدردت باعث ایجاد زمره‌ای در بین سران گردید. دو سال بعد به امریکا اجازه داده شد چهارمین پایگاه خود را در مسارا و در هون سا هو تاسیس نماید.

از سخنان "ناکا زونه" در سال ۱۹۸۳ در "ویلپا سز" بورگ" طی اجلاس سران کشورهای صنعتی غرب: امنیت کشورهای ما جدایی ناپذیر بوده و باید پیشنی جهانی با آن برخورد نمود.

پایگاهی بنا نمود. اگر چه اشغال ژاپن باور رسمی در سال ۱۹۵۱ با امضای پیمان صلح خاتمه یافت ولی این کشور هنوز مانند آلمان غربی یک کشور تحت اشغال می باشد. شصت هزار نیروی نظامی خارجی در این کشور حضور دارند که ۳۵ هزار نفر از آنان در اوکیناوا که فقط بطور رسمی جزو قلمرو ژاپن محسوب میشود مستقر میباشند شرایط پیمان صلح همچنین ژاپن را ملزم به تهیه مسکن و تسهیلات مربوطه برای پرسنل ارتش و نیروی دریایی امریکا می نماید.

همکاری مشترک ژاپن - امریکا در سرکوب ملتها

در حالیکه امریکا موانع با مسئله استرداد پایگاههای خود در پورتغال و اسپانیا می باشد ژاپن به منظور افزایش سهم خود در هزینههای مربوطه تعمیر و نگهداری این نیروهای اشغالگر پیشنهاداتی ارائه می کند در این مسیر تا کشتی نخست وزیر جدید ژاپن در پی تغییراتی قانونی است که ژاپن را قادر خواهد نمود سهم بیشتری از هزینه اشغال سرزمین خود را جذب نماید در حال حاضر ژاپن ۵۰٪ اجاره بهای مسکن امریکاییها و پانسیون بازنشستگان امریکایی را می پردازد.

پیوند ژاپن با غرب چنان تام و تمام است که سخنان ناکازونه در سال ۱۹۸۳ در "ویلپا سز" است.

ژنرال مت آرتور آمریکایی مولف قانون اساسی ژاپن

مولف قانون اساسی ژاپن، یک فرد ژاپنی نیست. او یک امریکایی به نام ژنرال داگلاس مت آرتور میباشد. پیمان صلح و پیمان امنیتی بین ژاپن و امریکا که در سال ۱۹۵۱ در سانفرانسیسکو به امضا رسید ژاپن را بطور رسمی تبدیل به یکی از اقطار امریکا کرد این وابستگی هنوز باقی مانده است. کشتیهای امریکایی حامل سلاحهای اتی باور معمول در بندر ژاپن پهلو می گیرند و دولت ژاپن سکوت خود را در قبال این عمل امریکا را زیرکانه توجیه میکند.

تحت شرایط مندرج در پیمان ۱۹۵۱ و اصلاحیه این پیمان در سال ۱۹۶۰ ژاپن مجبور است زمین بدون اجاره بها جهت پایگاههای امریکایی در مواقع لزوم فراهم نموده و نیروی پنجم هوایی و ناوگان هفتم امریکا اجازه استفاده از حریم هوایی ژاپن و سایر تسهیلات را خواهند داشت. تحت شرایط اخیرتر از همه این است که ژاپن مجبور به صرف سالانه ۲۷۵ میلیون ین به منظور نگهداری از این پایگاهها می باشد این موضوع بدان معنی است که امریکا می تواند به هر تعداد که بخواهد در خاک ژاپن پایگاه ایجاد کند همانگونه که در سال ۱۹۸۷ در "ژوشی" درست خارج از توکیو در مقابل دیدگان خشم آلود مخالفین داخلی

در بین برخی از نیروهای سیاسی داخل ایران وجود دارد که ژاپن و اروپای غربی (خصوصاً) را از امپریالیسم آمریکا جدا می داند و معتقد براری روابط استراتژیک و غیر قابل تردیدی با ژاپن می باشد. این عده حتی معتقد به این است که ژاپن در توسعه اقتصادی کشورمان هستند روشن شدن پیوند استراتژیک امریکا و ژاپن قابل تکلیف بودن دول امپریالیستی از یکدیگر بهایی از مقاله منتشره در نشریه "سلم بدیا" را می کنیم که در آن به واقعیتهایی در رابطه با کشورهای ژاپن در چهارچوب منافع امپریالیسم نی اشاره شده است. امیدواریم مسئولین پوری اسلامی و صاحب نظران سیاسی ضمن برقراری اقتصاد با ژاپن روی این روابط تکیه استراتژیک و چنانچه برخی در روابط با آلمان غربی تصوراتی داشتند ولی دیدیم که با توسعه قدرت (حکومت سلمان رشدی رحمانی امریکایی) این کشور اقدام به فراخوانی سفیر از ایران به همراه سایر کشورهای عضو سازمان اروپا نمود.

برای پیمان کردن قدرت مالی برای باز پرداخت آن به استقراض خارجی و با فروش ارزان قیمت منافع ملی روی میا ورده به دلیل متکی نکردن دولت به امکانات مالی مردم هم نادرست میباشد. در این خصوص استقراض دولت بدون اینکه توهارا بسنج و موافق با سیاستهای خود نماید تا با پرداخت قرضه ها به دولت کمک کنند با یک تصمیم گیری نرونی از منابع مالی کشور استقراض میکنند و هیچ تعهدی هم برای خوش رفتاری و بکارگیری شموله های دوستی که رضایت مردم را طلب کننده ندارد. قابل ذکر است که عده ای نیز از موضع اینکه دولت را از یک امکان مالی محروم نمایند تا اجباراً سرمایه های بخش خصوصی حاکم خود با استقراض دولت از بانک مرکزی مخالفانند.

اصلاحیه جهت افزایش بودجه عملی نیست: سودبنیا دستضعفان با بیت مالیات به وزارت اقتصاد و دارائی هزینه مدارس - شاهد وبه حساب صاحبان اموالی کسبه از توقف خارج شده پرداخت میشود. اگر از سرمایه شرکت های دولتی استفاده شود، از آنجا که مجلس هیچگونه نظارتی بر آنها ندارد در آینده توسعه و اداره این شرکت ها دچار مشکل خواهد شد. در مورد انتشار اوراق قرضه هم باید گفت کسانی که پول دارند دگر گروه هستند اول کسانی که مخالف نظام هستند دیناری کم، نخواهند کرد دوم آنهاند که سرمایه دارند. سرمایه آنها نوعاً در بانک است که با نکا بعنوان سرمایه گذاری از پول آنها استفاده میکند و لذا اوراق قرضه هم کاری از پیش نخواهد برد.

راه مجاهد: بنظر من سر دشو استقراض از بانک مرکزی علاوه بر بار آوردن قرض بکش از حد برای دولت که نهایتاً دولت را ناچار میکند

نظرات موافق - مخالفین باید این معنی را مدنظر قرار بدهند که چرا کسری بودجه کلان پیدا کردیم، طبیعتاً آثار جنگ هنوز باقی است. دولت قرض طلبی دارد و میخواهد با این ترمیم نارسائیهای این کشور را برطرف کند. صحبت از کسری بودجه و برگه درست کردن علیه دولت کاملاً بی نمانی است. دولت تمام توان و کوشش خود را در ارتباط با ترمیم کسری بودجه بکار برده است. اگر امکانات در اختیار دولت قرار نگیرد نمیتواند کارخانه ها را راه اندازی کند. هر چه کارخانه های دولتی بیشتر شود تورم با این خواهد آمد. علت ارائه اصلاحیه بودجه سه عامل ناخواسته بود که بر دولت تحمیل شده: ۱- کمبود فروش نفت و قیمت آن ۲- هزینه های اجتناب ناپذیر جنگ ۳- عدم کسب بعضی از درآمدهایی که در لایحه بودجه پیش بینی شده بود. سه راه حل ارائه شده از طرف مخالفین

نظرات نمایندگان نوزادان مملکت است که در آینده به میا پندوانین به عدالت اجتماعی - فایده دارد. بق اصل ۵۲ قانون اساسی همه درآمد های مردم تریک جا بلوکه شود و همه هزینه ها از یک طریق باید پیمایش شود در حالیکه در تمام اجرائی و مدیریت کشور به این اصل عمل میشود. و هر روز ارتخانها و سازمان و کت و ... سعی میکنند که با عناوین مختلف به نام تحصیل درآمد کنند. بجای استقراض از سیستم بانکی از این حلها میتوان استفاده کرد. استفاده از سودبنیا دستضعفان که مبلغ قابل توجهی است (۲۰٪) سعی در بهره گیری از سرمایه شرکت های دولتی انتشار اوراق قرضه که ولا سبب کاهش نقدینگی جامعه میگردد تا نهایتاً باعث مهار تورم در جامعه می شود.

"والسلام"

برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید در مسائل سیاسی اظهار نظر نمیکنم امام خمینی

برخورد امام با جریان عافیت طلب

امام در رابطه با جریانات درونی جامعه و مزینندی آنها سعی می کنند نیروها را در جهت مبارزه با دشمن اصلی و کفر آشکار بسیج نمایند تا در عمل صالح ایدئولوژی ایشان را تصحیح کنند و در غیر این صورت برای نیروهای صادق خطوط، مشخص و مزینندی شوند.

در رابطه با این جریان، امام با انتخاب نماینده ای سعی کردند نیروهایی را که از موضع اسلام حذب این جریان شده اند، در خط انقلاب اسلامی فعال کنند و بسط از انقلاب برون آختن وجوه شرعی به آنها مانع به عدم تأیید رژیم قرار دادند. اما وقتی از برخورد درونی با این جریان نتیجه نمی گیرند، در طی یک سیر برخورد، میناهای انحرافی ایدئولوژی آنها را در سطح جامعه مطرح کردند تا بدین وسیله تفکر آنها را از جامعه پاکسازی نمایند که این برخورد توسط کادرهای خط امام نظیر شهید هاشمی نژاد - آیت الله امامی کاشانی و ... دنبال می شود. گذشته از این نوع برخورد، ما شاهد شیوه های برخورد دیگری با این جریان عافیت طلب هستیم. بسیاری از نیروهای فعال در انقلاب که سوابق مبارزاتی و علمی داشته اند، موضعی تأیید آمیز نسبت به ایدئولوژی و خط مشی این جریان عافیت طلب دارند. از جمله "آیت ا. راضی" نماینده امام در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اخیراً در کتابی تحت عنوان "رهنمودهای نماینده امام" که از طرف این سازمان به چاپ رسیده است، نقطه نظرات خود را راجع به انجمن حجستیه اعلام داشته اند. لذا برآنیم تا به بررسی مواضع امام و نظرات "آیت ا. راضی" در رابطه با مختلف پرداخته تا به یاری خدا با توشه گیری از رهنمودهای امام چنین نیروهای صادق و معتمد مردم، با تجدید نظر در مواضع خود، فرصت رشد و گسترش را از این جریان عافیت طلب بگیرند و اجازه ندهند که خدای نکرده با مشروعیت گرفتن از سخنان ایشان به فعالیت خود در شکل دیگری ادامه دهند.

افشای اسلام عافیت طلب

امام خمینی بارها مطرح کرده اند که آمریکا با شناخت ویژگی مذهبی جامعه ما در پی جایگزین کردن اسلام آمریکایی، بجای اسلام واقعی است و در پیشبرد این خط انکار به قشر مشرعی دارد که اسلام را جدا از امور جامعه مسلمین می داند. اسلام را دینی میدانند که صرفاً بدر مسائل عبادی می خورد و حوزه سیاست و اقتصاد و حکومت و ... را از دین جدا می کنند. یک چنین اسلامی با لطبع خطری برای امپریالیسم ندارد چرا که با استقلال دادن به حوزه اقتصاد و سیاست و ... ناگزیر است رهبری ضرب را در امور جامعه بپذیرد. به این دلیل که غرب از لحاظ علم کلاسیک و سیاست غربی و تکنیک و ... جلوتر است. آمریکا تمام وحشتش از اسلام امام خمینی است که معتقدند "ما باید تا مسز شهادت جهات اسلامی را رعایت کنیم".

اینجاست که سعی همیشگی استکبار جهانی بر این بوده است که قرآن را از صحنه زندگی مسلمانها جدا کند. امام خمینی در قسمتی از سخنانشان در افشای ماهیت اسلام آمریکایی می فرمایند: "به قدری تبلیغات نامتوسه دار دشمنان اسلام در همه مسائل اسلامی زیاد و دامنه دار بود است که به خود مسلمین هم باوراندند که نباید دخالت در سیاست بکنند به خود روحانیون هم. بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید دخالت در سیاست بکنند. روحانی باید مسئله بگوید. آنها مسائل غیر سیاسی. مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است. برای اینکه مسائل سیاسی هم عبادت است." "آن اسلامی که به درد جامعه نرسد و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود یا اسم اسلام. اسلام را منزوی کردند و ..."

نظر از عملکردشان در رابطه با انقلاب و نفسی اسلام راهنمای عمل است.

اسلام آمریکایی، حرکتی برخلاف سیرج

امام خمینی طی سخنان راهگشای خود نشان در روز عید فطر فرمودند: "یک دسته دیگر هم ترشان این است که بگذارند که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چه می آید؟ حضرت صاحبی آید معصیت را بردارد ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این احواجا است امام در رابطه با سؤال آیت اله امامی راجع به این مسئله که او بیاید؟ این مسئله را برای خد اکاشانی در مورد انجمن گفته بودند. "آنگاه اگر مسلمین و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید رامن تأیید نمیکنم آنها از نظر بینشی انحراف دارند و اینها معتقدند که در زمان غیبت امامی که الان این ملت را بعیش دارد می برد در این زمان نمی شود تشکیل حکومت اسلامی داد. انجمن دیگر قابل اصلاح نیست" همچنین امام آیت ا. خزعلی را از نمایندگان گسی خود با انجمن خلع کردند. اولاً "باتوجه به این صریح و صحبت های حجت الاسلام هاشمی انتظار نمی رفت که آیت ا. راضی چنین موضعی در مورد انجمن اعلام نمایند. ثانیاً "باتوجه به سوابق اسلامی و مبارزاتی آیت ا. راضی و نقش ایشان در پیشبرد انقلاب و هدایت توده های مسلمان جامعه و از این انتظار می رود که با تجدید نظر در مواضع اعلام شده از سوی ایشان و با افشاگری ایدئولوژی جریان عافیت طلب، بیشتر از گذشته در مقابل نفوذ این تفکر و اشاعه آن در توده های حق طلب ایستادگی کنند تا بدین ترتیب چهره اسلام واقعی از کسوف و غم این ناخالصیهایی پاک شده و با تابش خود قلب مستضعفین جهان را گرمی و نور بخشند.

آنچه که می تواند این مسئله را به نفع انقلاب حل کند، نه انحلال و تصفیه افراد آن به شکل مگانیک است و نه ساده گذشتن و اغماض از این جریان است. زیرا این دو شیوه برخورد تناقضی و یا ساده اندیشانه به تبعیت از جریان انحرافی می انجامد و نه تنها مسأله ای از انقلاب راحل نمی کند بلکه باعث تشییع آن جریان می شود.

چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگها و مرکز سیاستها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. "حکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را حکوم می کنم. حکوم کردن اسلام به این است که آن چیزی که اسلام میخواهد در مسجد زبیرا گذاشته بشود." (کیهان - ۲۶ / مرداد ۶۲ - دیپدار باروحانیون کاروانهای حج ۶۰)

امام به جوهر توطئه آمریکادار برابرو انقلاب اسلامی اشاره می کنند که چون "نمی توانست اسلام را حکوم کند" با ترویج تزد ای دین از سیاست اسلام را از صحنه زندگی و مبارزه مسلمین جدا می کنند و شیوه های غیر رایجی را جایگزین آن می نمایند. بدین طریق امام ایدئولوژی جدا از عمل را حکوم می نمایند.

آیت ا. راضی در کتاب مذکور راجع به این جریان می گویند: "در مورد انجمن حجستیه باید عرض کنم اجمالاً افراد می که منصوب به انجمن حجستیه هستند، اینها نوعاً افرادی هستند که با مسائل اسلامی آشنا هستند و اعتقاد ایشان صرف نظر از مسائل سیاسی که در ارتباط با انقلاب است، حکم و خوب است." (ص ۲۷ کتاب)

آیت ا. راضی بیان کرده اند که ایدئولوژی جدا از مسائل انقلاب می تواند حکم و خوب باشد در حالیکه امام در صحبت های اخیرشان فرموده اند که اساس اسلام سیاست است. که در واقع بیانگر این نکته است که اگر نیروی هر چند مشرعی و مقدس مآب، نتواند مسائل جامعه مسلمین را حل و فصل کند و با اصولاً معتقد به چنین کاری نباشد، در حقیقت اسلام واقعی را نشان داده است و تأیید اسلام انجمن صرف

بدین طریق روشن میشود که مسئله این صرفاً با انحلال و با عدم فعالیت ظاهری نمی شود و اگر برخورد بنیادی با موارد انحراف ایدئولوژی آنها نشود و در جامعه مزینندی نباید طبیعی است که حتی در صورت انحلال قادر خواهد بود تحت لوای دیگری به انقلاب بزند و با اشاعه تفکر و شیوه های خود دستاورد مقدس انقلاب اسلامی را در معرض نابودی قرار دهد. ولیکن در کنار برخورد بنیادی تفکر عافیت طلب لازم است که بستهای کلیدی نیز از وجود چنین افرادی خالی گردد. در رسایان چنانچه نگه قابل تذکر است

ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این احواجا است امام در رابطه با سؤال آیت اله امامی راجع به این مسئله که او بیاید؟ این مسئله را برای خد اکاشانی در مورد انجمن گفته بودند. "آنگاه اگر مسلمین و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید رامن تأیید نمیکنم آنها از نظر بینشی انحراف دارند و اینها معتقدند که در زمان غیبت امامی که الان این ملت را بعیش دارد می برد در این زمان نمی شود تشکیل حکومت اسلامی داد. انجمن دیگر قابل اصلاح نیست" همچنین امام آیت ا. خزعلی را از نمایندگان گسی خود با انجمن خلع کردند. اولاً "باتوجه به این صریح و صحبت های حجت الاسلام هاشمی انتظار نمی رفت که آیت ا. راضی چنین موضعی در مورد انجمن اعلام نمایند. ثانیاً "باتوجه به سوابق اسلامی و مبارزاتی آیت ا. راضی و نقش ایشان در پیشبرد انقلاب و هدایت توده های مسلمان جامعه و از این انتظار می رود که با تجدید نظر در مواضع اعلام شده از سوی ایشان و با افشاگری ایدئولوژی جریان عافیت طلب، بیشتر از گذشته در مقابل نفوذ این تفکر و اشاعه آن در توده های حق طلب ایستادگی کنند تا بدین ترتیب چهره اسلام واقعی از کسوف و غم این ناخالصیهایی پاک شده و با تابش خود قلب مستضعفین جهان را گرمی و نور بخشند.

باید دید چه کسی بیشتر دلش برای اسلام می سوزد؟ امام یا این جریان اسلام نما؟ در حالیکه امام با مبارزاتی در پی در پی در راه تحقق اسلام، هیچ وقت سکوت در مقابل ظلم رانانید نمیکنند و هم ایشان هستند که حرکت این جریان را خلاف حرکت موج انقلاب می دانند.

نکته مهم در برخورد امام با این جریان پرهیز از برخورد شخصی و تشکیلاتی است. از آنجائیکه این جریان انحرافی با استفاده از زمینه های موجود در جامعه، به انگارشان رنگ اسلام و ولایت امام زمان زده اند، در نتیجه افراد صادق و عاشق اسلام و امام را بخود جذب کرده اند. بنظر می رسد امام با دست گذاشتن روی ریشه تفکری آنها و مطرح کردن انحرافات و احواجا نشان سعی در پاکسازی این تفکر از درون جامعه انقلابی دارند.

تنهاد زاین صورت است که قادر خواهد بود از رشد و گسترش جریان عافیت طلب با چهره های اسلام نما جلوگیری کرده و انقلاب اسلامی را از خطر هجوم آنها برهانیم. ثالثاً "بعد از موضع گیری صریح امام نسبت به جریان عافیت طلب انتظار می رود که آزادان و فروش کتاب "رهنمودهای نماینده امام" قبل از تجدید نظر با اضافه کردن ضمیمه جلوگیری بعمل آید.

نظرات آیت الله خزعلی در مورد حجتیه
بخش از نامه سرگشاده نهضت مجاهدین به جامعه
مدرسین
اسفند ماه ۱۳۶۲

بخش از نامه سرگشاده به جامعه مدرسین :
* در اولین سالگرد حمله هویزه و در نشر ایطی که آیت
الله منتظری پیشنهاد هفته وحدت را مطرح کردند ، آیت
الله خزعلی به سبز وارفته و چند شب سخنرانی کردند .
ایشان در منزل حجت الاسلام آقای علوی اقامت داشتند
بجز در منزل اعضای انجمن ضد بهائیت دعوت داشتند .
شب اول سخنرانی ، قدری راجع به شهدای هویزه
تجلیل از آنها صحبت کردند و بقیه صحبتها پیرامون مسائل
مختلفه از جمله : دفاع مکرر و بیش از حد از انجمن ضد
بهائیت ، مخالفت با جریان تقسیم زمین ، دفاع از رژیم
بطاشی صغویه ، کوبیدن گروههای بدون مرز بندی صحیح
بروری دانستن شکجه بمنظور اعتراف ، کوبیدن ناروای
مشتبای تقسیم زمین و سنج و سپاه و . . . که چون ایشان
اعضای برجسته جامعه مدرسین هستند لذا همه شما
تولیت گروهی دارید .
الف - توجیه انحراف انجمن ضد بهائیت
منظر میرسد آیت الله خزعلی باید برای انجمنیه
شان سوخته و آنها را هدایت نموده و تعالی و رشد
دهد . ولی متأسفانه سعی میکنند آنها را در همان
منها و اشتباهات نگاه دارند . از اینکه چرا انجمن سی
ال نیروها را به مبارزه با بهائیت بدون درگیری با رژیم
بطاشی و حتی هویدا و وزرای بهائی کشاند خود
عضی ها هم دیگر دفاع نمیکند . ولی آیت الله خزعلی
را توجیه کرده و می گویند :
... چهار تا جوان بی اطلاع : آقا اینها قبل از انقلاب
گفتند انقلاب پیروز نمیشود ، اینها میگفتند ایمن
نه برای چیست ؟ اینها همه اش روی بهائیت کار
کردند . اینها نمیامدند برای انقلاب . بسیار خوب
تائیت برای چیست ؟ شاخه ای از صهیونیسم .
صهیونیسم چیست ؟ شاخه راست راست آمریکا . تو
ریکا نمی جنگی الان ؟ ...
ب - از آشکارترین انحرافات انجمن همین است که سی
کاری به سیاست رژیم شاه و حاکمیت طاغوت نداشتند و
مبول به بهائیت یکی از مفاصد و اثرات امپریالیسم شده
ند و آنهم فقط در زمینه فرهنگی با بهائیت مبارزه میکردند
حتی در زمینه سیاسی و اقتصادی و نظامی که به نفع رژیم
سنت برخوردار پیدا میکرد . (رجوع شود به نوار شهید
سمن نژاد و نشریه راه معاهد شماره (۱)
تائیا " این شیوه استدلال که خوب بهائیت شاخه
صهیونیسم و صهیونیسم شاخه راست آمریکاست ، پس با تو
آمریکامی جنگی فرقی ندارد ، شیوه ای توجیه گزایانه
ت . هر فساد ای از قبیل بهائیت ، شاخه های از تصوف
شا " ، قمار و زدی رشوه و مواد مخدر و . . . همه معلول
دخه های رژیم سلطنت و امپریالیسم بودند . بنابراین
برای و ژاندار مری رژیم سابق هم که با زدی مواد
رو . . . مبارزه میکردند در خط انقلاب و امام بودند
امریکا مبارزه میکردند و به هیچکس ایرادی نیست .
لثا " - مبارزه شاخه های امپریالیسم با ورا صیل
مقدس است . اما مبارزه با بهائیت از موضع تائیه
سنت امری عیب و بیفایده بود و حکایت " یکی بر سر شاخ
صبرید " است . تعبیر و تفسیر فوق بیک سفسط بیشتر
است . اگر ایزد تفسیر را بید بریم شاه با کمونینتها
رو میکرد و آنها را شکجه میداد . پس به شاه هم
ای نیست . چون بالاخره یک مبارزه ای میکسره
* کمونیستهای طرفدار جین خطمشی شاه را بدین
تائیه مینمودند که شاه با شوروی مبارزه میکسند
هم که هواداران جین همچون دکتر جاسبی ، مهندس
خواه ، دکتر لاشایی و . . . نهایتاً یک جناح از ساواک
ند . آیا این شیوه های آیت الله خزعلی را باید به

حساب تدبیر اسلامی گذاشت بگماید که اعضا انجمن
میگفتند ما آدمهای زرنگی هستیم چرا که به شکی از مبارز
دست یافته ایم که زندان و شکنجه و شهادت ندارد ،
اینهایی که به زندان میروند و شکنجه و اعدام میشوند
آدمهای احمقی هستند . اینها مدبریت و تدبیر و زرنگی
ندارند و آگاهیه زمان نیستند و شرایط را درک نمی کنند .

ب - متهم کردن حضرت خدیجه برای تبرئه
انجمن ضد بهائیت

تعصب آیت الله خزعلی در مورد انجمن ضد بهائیت
بحدی است که ضعفها و نارسائیهای آشکار انجمن را هم
حسن نیت و خیر می شمارند . افرادی که با انجمن
سروکار داشته و یاد دارند میدانند که طیف طبقاتی انجمن
بیشتر از طبقه مرفه و نیمه مرفه است و اساساً در دیدگاهشان
م تضادی بین اسلام و رفاه طلبی نمی بینند که بایستی این
بینش و شیوه زندگی تصحیح و به سمت خط اسلامی امام
تعالی باید . اما آیت الله خزعلی در این مورد چنین
گفتند :

" . . . دیدیم هر چه کلابه دارند مال قبل از انقلاب بود
بعضی می گفتند اینها چرا رفاه طلبند ، اینها وضع
خانه ها شان حط و راست . . . آخه این گله نمیشود .
پسر ما خدیجه هوس پیغمبر را محکوم بکند ، خدیجه
مرفه بود . . .
اولاً - خدیجه قبل از هجرت پیغمبر سرمایه داشت و
بعد تمامی را در جهت تحقق اهداف خدایی صرف نمود و
سرمایه طلب نبود .

ثانیاً - این چه حکمی است که وقتی گفتند : چرا مثل
امام حسین (ع) قیام نمیکند و مبارزه بیزیدی شاه مبارزه
نمیکند ؟ انجمنی ها می گفتند ماسریاز امام زمان هستیم
زمان امام حسین که نیست . وقتی می گوئیم چرا مثل حضرت
علی (ع) زندگی نمیکند و رفاه طلب هستید ؟ می گوئید
ماسریاز حضرت خدیجه هستیم ، وقتی انتقاد میکنیم
چرا اتومبیل بنز آخرین مدل سوار میشوید ؟ جواب میاید
که اسب امام حسین هم در عاشورا انژاد عالی بود
و بهترین اسب بود و حالا هم باید بهترین مرکب را داشته
باشیم .

حرا ایثار و تغییر حضرت خدیجه و مبارزات امام حسین
و حضور در گریلا و حرکت آفرینی امام عصر (ع) نظر آنها
راه حقوق بخور حلب نمیکند ؟ امام خمینی در تفسیر
الحمد قریب باین مضمون گفته اند که سرمایه داشتن عیب
نیست علاقه داشتن و وابستگی به دنیا عیب است حتی یک
طلبه ای هم اگر به کتابش علاقه داشته باشد وابسته بشود
این عیب است . امام سرمایه داری که امکان تشر را در
جهت اسلام بکار گیرد و تزکیه شود راستی ترمیدانند از
طلبه ساده زیستی که به کتابش وابستگی اش هر روز بیشتر
شود . انجمن آیه شریفه قرآن را که عبارت باشد از
یرید اللهبکم الیسر ولا یرید کم العسر " بقره ۱۸۵

تفسیر به رای کرده و رفاه طلبی را از آن استخراج می کنند و
می گویند خداوند رفاه شمارا میخواهد و نه سختی شمارا .
در حالیکه در کتاب عدل الهی شهید مطهری آیه " فان
مع العسر یسرا " را اینطور تفسیر کرده اند که حتماً یسر
بعد از عسر هم نیست بلکه یسر با عسر است و از دیدگاه
مومن واقعی سختی و آزمایش عین سعادت است . قرآن
منظور تراز سیر این است که با عسرها برخوردار آسان و
کمال حویس بکنیم نه آنکه رفاه طلبی را اصلت دهیم .

امام خمینی در سخنرانی شان در ده فجر سال ۶۰ برای
ریاست مجلس و کابینه قریب به این مضمون گفتند : در
حکومت طبقه متوسط و مادیون متوسط وجود دارد و از طبقه
مرفه کسی نیست از مردم نظارت بر آنها را در مورد انحراف
یعنی رفاه طلبی و مقام طلبی خواستار شدند . آیا
دفاع از رفاه طلبی و نسبت دادن آن به حضرت خدیجه
جزو " صیانت نفس " است که لازمه اجتهاد میباشد . ؟

ج - دفاع بیحد از انجمن ضد بهائیت

آیت الله خزعلی به نهادها و ادارات دستور میدهند
که کسی به انجمن جیب نگاه نکند :
" . . . اشداً باشید علی الکفار و رحماً باشید بین
خودتان . من یک ابلاغ تمام کردم ، دیگر تشنوم در فرهنگ
و دیگر نهادها خدای نکرده اسائه ادب به انجمنی بشود
یابه دیگر واحدها . اگر تشنوم باید دنبالش را بگیرم

بینم مرض چیست ؟ نکند سرطان است ؟ . . .
" . . . یک صفت ، یک مختصر از آن صفت وفاتی که خدا
به معنی از موجود است و آده که گله را حفظ کند من هم
میخواستم یک خورده از آن صفت را داشته باشم . نمیخواهم
بگم من مالک آن ، حیوان خیلی با وقاست ، خیلی باصفا
است ، ادعایم باندازه آن صفت را دارم ، اما یک مقدار
صفت گله باز را دارم . یک مقدار اگر خدا بمن عنایت
کند که بمانند آن حیوان یک چنین صفتی بمن بدهد
افتخارم بیشتر میشود . البته من خودم ربه آن اندازه
وفادار نمیدانم اما خدا این نعمت را بمن داده که باین
گروهی که مربوط به دین بودند اعتراف هم میکنم که
ضعفهایی هم داشته اند گفتم و تذکر دارم و بیزیرفتند . . .
آیت الله خزعلی راجه شده است که این جنس
خودشان را در برابر اول و عرض تشکیلات ضد بهائیت
باخته اند ؟ آخر مگر ایسادی از خط اسلامی امام چه
ضرری دیده اند که خود را در حد حیوان و فسادار و
محافظة خط عاقبت طلبند بهائیت نزول داده اند ؟
ان خطی که همکاری با ساواک و دربار را برای مبارزه
با بهائیت مباح میدانست . (رجوع شود به کتاب
سازماندهی و مکتب ، صفحه ۲۸ و همچنین کتاب " توطئه
دوقطبی کردن کاذب انقلاب صفحه ۴۷)

آیا انجمن ضد بهائیت باید تعالی باید و نسبت به
خط اسلامی امام وفاداری پیدا کند و گوشه نگهبان
و حامی آن باشد یا آیت الله خزعلی عضو جامعه مدرسین
برای انجمن گله بازی کنند و تابع آن گردند ؟

آیاسی سال سکوت و بی تفاوتی در مقابل مفاصد و
جنايات رژیم پهلوی و هویدا و سایر وزرای بهائی و مشغول
کردن از هان و نیروهای مسلمان به امر فرعی ، خط می
است که باید به آن وفادار ماند ؟ آیا تشکیلات بظاهر
عربی و اوایل میرونده و بیایگانی داشتن اینقدر آیت الله
خزعلی را گرفته است که حق و باطل بودن وجهت آن
تشکیلات را از یاد برده اند ؟ آیا آیت الله خزعلی بهتر
نبود که نگهبان و گله باز خط اسلامی امام میشدند
و انجمن را هم باین جهت دعوت میکردند تا تعالی و رشد
پیدا کنند و عزیزان خود را در خط جنگ اسلام و کفر جهت
میدادند ؟ و در غیر اینصورت باین دل باختن حادی
و عاشقانه به انجمن چگونه میتوانند مدعی پاسداری از خط
امام و عشق به امام باشند ؟ بقول شاعر : رسم عاشق
نیست بایک دل دو دلبر داشتن یا ز دلبر یاز دل دست
برداشتن .

ای گاش آرزو میکردیم سنگ در خانه علی (ع) بودیم .
ای گاش آرزو می کردیم که با خسه با همیقات می رفتیم و در
گلزار انقلاب مستحیل میشدیم و نه اینکه در شوره شوره زار
انجمن مستحیل شویم .

د - تطهیر انجمن بدون تغییر رویه

آیت الله خزعلی میگویند :
" . . . اینها در خط نیستند ؟ و ولایت فقیه را قسول
ندارند ؟ راست میگی در مجلس خبرگان که تانسون
اساسی من نوشتم شخصی چند پیش نویس آورد . یک
پیش نویس مال انجمنی ها بود . ولایت فقیه را از همه
روشنتر بیان کرده بودند . از همه روشنتر . . . پس اینها
خط ولایت فقیه را قبول دارند . اخیراً هم حجت الاسلام
آقای حلبی نوشته اند اطاعت امام واجب است لازم است
اطاعت کنید . . . "

اولاً - راستی آیت الله خزعلی در توبه دادن انصرار
انجمن از شیوه ساده گزینانه ای تبعیت کرده اند . سسی
سال سکوت و سازش و حتی مبارزه تبلیغاتی با انقلابیون و
خط اسلامی امام و بازداشتن نیروهای جوان از
مبارزه با سلطنت بایک حمله محو و نابود میشود .

ثانیاً - آقای حلبی سه سال پسران روزی انقلاب زحمت
کشیده و فرمان داده اند از امام اطاعت کنید حال آنکه
اهل تسنن ، ارامنه ، یهود سهای مقیم ایران و امثالهم
و حزب توده ابتدا ای انقلاب رهبری امام را بیزیرفتند و اعلام
کردند . خط و اینقدر بنظر آیت الله خزعلی مهم جلوه
کرده است ؟

ثالثاً - حالا که مشخص شده است خط عاقبت طلبانه
اینها مورد تائیه و ولی فقیه نیست . آیت الله خزعلی و شما
اعضای جامعه مدرسین این مواضع را چگونه ریشه یابو میکنید

در سال ۵۵ که اختلافات ایدئولوژیک در بین نیروهای ضد سلطنت مطرح شده بود حسین زاده از مسئولین بالای ساواک گفته بود ما در سه مرحله برنامه داریم اول - تشدید اختلافات مذهبی و مارکسیستها که تا حدی انجام یافته است دوم - تشدید اختلافات درون گروههای مارکسیستی که در حال انجام است و مرحله سوم که مشکلتر از همه است تشدید اختلافات مذهبی با یکدیگر

رهرو علی میدانست و دائما در ظاهر به شیعه ها کمک میکرد به شیعیان لبنان بعضی کمکهای مادی میکرد و آنها خود ثرو را رهبر جهان تشیع میدانست . در بار هم تشیع قشری را تقویت میکرد و هم تسنن قشری را و مردورا به جان هم میانداخت و خالق تضاد های مصنوعی بود . کسیکه فرورد ارد و خودش را خدا میبیند و خود خدا بین میشود معمولا تضاد های فرضی ایجاد میکند . اگر تاریخ دیپلماسی انگلیس را ایران به قلم محمود محمود را بخوانید ، میبینید که همیشه تکیه گاه انگلیس ، تضاد های مصنوعی بوده ، و میبینید که تضاد شیعه و سنی چیست ، تضاد فیرق شیعه چیست ، خانقاه صنی علیشاه و خانقاه گنابادی ها چه اختلافی دارند ، یا مثلا " زیدی ها و شیخیا راد کرمان بجان هم می اندازد ، یا میگوید که عرب و بلوچ و عجم و کرد و فارس و ... و تضاد هارا تشدید میکند و همیشه کارش تشدید تضاد های فرضی است تا اینکه سلطنت حاکم بماند و منافعی تضمین شود . و زمانی جو ساختند که اگر ما کمک فلسطینی ها بکنیم ، بالاخره سنی هستند پسر چه فایده ای دارد . ببینید به کجا دست گذاشته اند . ارتجاع امپریالیسم و صهیونیسم کارش دامن زدن به تضاد های فرضی است و گفتیم که آنکس که تضاد های مصنوعی ایجاد میکند بایستی یک آدم مستکبری باشد که بگوید " اناریم الاعلی " و در رأس استکبار جهانی برهبری آمریکا است .

استبداد ، مشروطه - مشروطه

در انقلاب مشروطیت وقتی نهضت ضد استبداد اوج گرفتو شعار حکومت قانون و مشروطه داشت تثبیت میشد . انگلیس و استبداد طلبها وحشت کردند . آمدند اختلاف دیدگاههای که بین برخی روحانیون بود عمده کردند . مشروطه مشروطه درست کردند . آیت الله نائینی هم حکومت اسلامی و مشروطه را قبول داشت ، منتها میگفت در این مرحله برای گذار از استبداد به حکومت اسلامی مشروطه یک تاکتیک و شعار مرحله ای است . مخالفین این ظرافت را درک نمیکنند . مشروطه طلبان هم سلطنت را بکلی نفی نمیکنند ولی می گفتند مشروطه باید مشروطه باشد . مستبدین و انگلیسی ها که منافعیشان را در خطر می دیدند این اختلاف را دامن زدند . آنها را به ضدیت با یکدیگر تحریک کردند تا خودشان در امان بمانند . اختلافات فرضی را عمده کردند .

آشنایی با شیوه های گروه عاقبت الی
روش ضدیت بجای روش هدایت
از راه مجاهد شماره ۲۰

روش " ضدیت " بجای روش " هدایت "

یکی از ویژگیهای مهم این جریان شیوه ضدیت و برخورد نفی است . بطوریکه در بین نیروهای مسلمان گروه را با نام " ضد بهائی " بیشتر میشناسند . البته در آموزشهای گسروه چیزی بعنوان " برخورد ضدی " تعلیم نمیدهند و چه بسا خود مدعی روش هدایتی و ارشادی باشند ، ولی برخورد - نفی و نقض بصورت یک شیوه تشکیلاتی آنقدر عمل شده که بصورت فطرت ثانویه کادرهای تعلیم دیده درآمده است و حتی جهت دهنده برنامه ها و سازماندهی گروه نیز همین شیوه است . با بنیانهای فلسفی گروه نیز این روش بیشتر تطابق دارد که شرح آن خواهد گذشت .

فلسفه ایجاد تضاد های مصنوعی

ما میگوئیم که خدا رب العالمین است ، خدا خالق تضاد ها است . حضرت علی (ع) می فرماید : بمضادته بین الامور حرف ان لا ضد له " - نهج البلاغه - او ضد آفرینی است که ضد ندارد . حالا اگر کسی ادعای خدائی بکند و مثل فرعون بگوید " انا ربکم الاعلی " - من خدای برتر شما هستم - چه باید بکند ؟ اینهایی که ادعای خدائی می کنند و شهادتی به ویژگیهای خدا در خود احساس می کنند ، آنها خودشان را خالق تضاد میدانند و به همین دلیل بایستی تضاد ایجاد کنند . اما چون خدای واقعی نیستند تضاد های کاذب و مصنوعی درست می کنند . خدا خالق تضاد حق و باطل است که موجب ابتلا و رشد و تازیا نه تکامل و غلبه حق بر باطل است ولی " ارباب متفرقون " که همان مستکبرین باشند خالق تضاد های مصنوعی اند . تضاد حق و باطل را در بار ایجاد نمیکنند و دامن نمیزد ، تضاد های فرضی را ایجاد میکرد و اگر بود دامن میزد . بهائیت ضد بهائیت ، چهو راست ، شیعه و سنی ، روحانی و روشنفکر و ... شاه هم شیعه را ظاهرا حمایت میکرد و هم سنی را . در جریان انقلاب ایادی ساواک و ضد اطلاعات به کرد ستان میرفتند و به مسردم میگفتند آخر شما با خمینی چه سختی دارید ؟ او شیعه است و شما سنی هستید . . .

آنها ضد سنی هستند و سنی هارا دشمن اصلی میدانند . از یکطرف تمام ایادی ساواک و ضد اطلاعات در آنجا مردم را علیه شیعه بسیج میکردند و از طرفی شاه میگفت که مسن نظر کرده حضرت عباس هستم یا نظر کرده امام زمان هستم اینجا تنها کشور شیعه است و خودش را علمدار شیعه و

در بار : مصدق - کاشانی
در جریان نهضت ملی نفت سعی می کنند اختلاف دیدگاهها را در مصدق و آیت الله کاشانی را عمده کرده و نهضت را دو قطب مصدق - کاشانی تبدیل کنند . تا اتحاد این دو جریان علیه دربار و انگلیس شکسته شود و آنها به منافع خود برسند . دکتر مظفر بقائی که از آنموقع با مأموران استکبار جهانی آمریکا در ارتباط بوده است ، به این تضاد فرسود دامن میزند و آنقدر این اختلافات عمده میشود تا نهضت تضعیف شده و منجر به کودتای ننگین ۲۸ مرداد میگردد . (اسناد لانه جاسوسی جلد ۲۳ از انتشارات دانشجویان بیرو خط امام)

اسرائیل : عرفات - ابو موسی
در انقلاب فلسطین نیز شاهد همین روش هستیم . گروههای فلسطینی را تحریک میکنند بر علیه یکدیگر اسلحه بکشند و بر ضدیت با هم بیفتند . عرفات و ضد عرفات ، ابو موسی و ضد ابو موسی درست میکنند و آنوقت اسرائیل به فضا و تجاوز خود ادامه میدهد .

ساواک : مارکسیستها - مذهبی ها
در سال ۵۵ که اختلافات ایدئولوژیک در بین نیروهای ضد سلطنت مطرح شده بود ، ساواک که این تضاد را دید بود روی تشدید آن برنامه ریزی کرد . حسین زاده از مسئولین بالای ساواک گفته بود ما در سه مرحله برنامه داریم اول تشدید اختلافات مذهبی ها و مارکسیستها که تا حدی انجام یافته است دوم تشدید اختلافات درون گروههای مارکسیستی که در حال انجام است و مرحله سوم که مشکلتر از همه است تشدید اختلافات مذهبی ها با یکدیگر است . یعنی دقیقا " حاکمیت خودشان را در این می دیدند که هر جا تضادی هست دامن بزنند . از هر تشکیلی می ترسیدند و هیچ وحدتی را جز در خدمت خودشان نمی توانستند تحمل کنند . این خصالت مستکبرین است که همان فرعونیت است خود خدایی است .

اسلام شاهنشاهی

اینکه امام خمینی تعبیر اسلام شاهنشاهی از گروه عاقبت طلب نمودند بنظر میرسد منظورشان همین روش اصلی کردن فرضی ها و فرض کردن اصلی ها باشد . که کار شاهنشاهان در طول تاریخ ایران بود و حالیه کار شیطان بزرگ و شیطان های کوچک است . ممکن است گروهی اصول اسلام را در کلیت بپذیرند ولی در شیوه ها و برخورد ها و آموزشها به اسلام شاهنشاهی عمل نمایند . باید در برابر اسلام شاهنشاهی مصونیت پیدا نمود و چاره آن سیاستی است که از متن دیانت جوشیده باشد . سیاستی است که همین دیانت باشد سیاستی است که شهید مدرس و امام خمینی مطرح می نمایند . عاقبت طلب سیاست جدا از دین را مطرح می نماید و امام حسین (ع) سیاستی داشت که از پایداری شد دین جلوگیری نمود . امام خمینی هم میگویند بدون احکام سیاسی احکام عبادی قابل درک نیست .

شیوه حق ، هدایت و تعالی

در مقابل این ویژگی مستکبرین نیروهایی که با تضاد های جامعه حریان حق از آنجا که بنا به عدل الهی با هر نیرویی برخورد متناسب و عادلانه می کند ، دشمن اصلی را فراموش نکرده و ارزشهای وجودی و حدودی سایر نیروها و مرتبه واقعی هر یک را در نظر میگیرید و همه را به توحید و کمال

فرا می خواند

ببرخورد اصولی کنند ، از افتادن بدام این توطئه در امانند . جریان حق از آنجا که بنا به عدل الهی با هر نیرویی برخورد متناسب و عادلانه می کند دشمن اصلی را فراموش نکرده و ارزشهای وجودی سایر نیروها و مرتبه واقعی هر یک را در نظر میگیرد و همه را به توحید و کمال فرا میخواند . در زمان امام حسن بن علی (ع) معاویه نامه ای به حضرت مینویسد که این خوارج پدرت را کشتند و با او جنگها کردند اکنون با شما هم دشمنند و مرزها را نامن کرده اند . امام حسن (ع) پاسخ میدهند که اگر بخوایم با کسی از اهل قبله بجنگم اول کس تو هستی .

گشتاسب و رستم - اسفندیار

داستان گشتاسب و رستم و اسفندیار حاکی از این واقعیت است . گشتاسب برای تثبیت حاکمیت خود اسفندیار را مانع میبیند و از صلاحیت او برای این امری ترسد . رستم راهم که قهرمانی ملی است و ممکن است در مواقعی جلو خواسته های ضد انسانی او بایستد باید از میان بردارد . آنها را بجان هم می اندازد . بدست رستم اسفندیار را از سر راه بر میدارد و بعد رستم را به شیوه ای دیگر نابود میکند این ویژگی استکبار و خوی گشتاسب ها است .

این ها بود میبایست علت اصلی و بنیادی را کشف میکردند و از مشغول شدن به فریقات و معلولها سرباز میزدند بعبارت قرآنی " امر خود را یافته و از لغو اعراض میکردند - اما در چنین موقعیتی رهبران گروه بدون توجه باین حقیقت دست روی فرقه بهائیت گذاشتند و همه نیرویشان را بر مبنای ضدیت و کوبیدن این فرقه ضاله بکار گرفتند - و این انتخاب بهیچ وجه باملاکهای اسلامی قابل تأیید نیست

اثرات روش ضدیت

الف - در سیستم آموزشی گروه

گروه عاقبت طلب مبنای آموزشهایش کتب و نوشتجات بهائیت بود . یعنی میرفتند کتابهای آنها را میخواندند و تناقضات و ایرادات آنها را جمع آوری کرده و بصورت جزوه های درسی در کلاسها تدریس میکردند و حفظ مینمودند .

یعنی از ارزشهای وجودی هر کس شروع کنیم و آنرا تعالی دهیم ، نه اینکه نقاط ضعف و کمبودهای دیگران را اصالت داده و ...

مثلا در مقابل استدلال بهائیان که دین اسلام دوره اش تمام شده و حالا باید دین جدید بیاید از کتب بهائیان مدرک می آوردند که رهبرانش معتقدند که دین اسلام آخرین ادیان و حضرت محمد ص آخرین پیامبر است . و آنها را در مقابل این تناقضگیری انداختند . یا افراد را نسبت به بهائیت واگزینه میکردند .

دوره های آموزش و انتخاب موضوعها دقیقاً مبنایش بهائیت بود . یک دوره تاریخچه بود که تاریخ تشکیل بهائیت و پایه در سرگشته میشد . دوره بعد قائمیت که اشکالات فرقه ضاله در مورد حضرت مهدی "ع" را شامل میشد . دوره سوم خاتمیت که اشکالات بهائیه در مورد خاتمیت دین اسلام رد میشد و یک دوره هم اصول دوازدهگانه که ریشه های ۱۲ اصل ظاهراً مترقی فرقه بهائیه بود که با اصطلاح منشور آنها بشمار میرفت . دوره نهائی درسی که برای مدرسین گروه گذاشته شده بود نقد ایقان بود که جمله به جمله کتاب ایقان نوشته میرزا حسین علی بهاء و حتی کلمه به کلمه نقد شده بود . که بیش از هزار صفحه پل کپی شده نشر میشد و آموزشش چند سال طول میکشید .

اولاً خود تقسیم بندی دوره های آموزش مبنایش نیاز جوانان مسلمانان که تشنه شناخت اسلام بودند نبود . مباحثی از اسلام در نظر گرفته شده بود که بهائیان روی آن حساسیت داشتند و اشکال مطرح میکردند مثل قائمیت ، خاتمیت و ... در زبانی محتوی جزوات نیز بهمین شکل تنظیم یافته بود یعنی مبنای بحثها اشکالات مطرحه از طرف بهائیان بود .

یعنی بی بنیاد در طول ۳۰ سال فعالیت تشکیلاتی آموزش گروه تغییرات و تکامل داشته است . مثلاً در ابتدای امر افراد مطالعات اسلامی لازمند داشتند و بعد از آنستن چند مدرک از کتابهای بهائیت میتوانستند در بحثها مبلغان بهائی را از پای در آورند و در رسها هم صرفاً حول مطالب ردیه دور میزد . حتی با آموزش مطالب اسلامی بعنوان رکن مخالفت میشد و اینرا جزو محدود وظایف خود ندانستند و میگفتند از خط انجمن دور میشویم ولی تدریجاً بر اثر رشد انقلاب و تشکل یافتن مسلمانان انقلابی فشار بیشتری بر جوانهای انجمن میآمد که چرا با ظلم انجمن نمیکند؟ چرا اسلام همه جانبه را به جامعه معرفی نمیکند و آموزش نمیدهند تا در مقابل هرگونه انحرافی طبعاً واگزینه شوند ؟ و ... مسئولین انجمن نیز بر اثر این فشارها و حفظ معترضین صادق گروه مجبور شدند برخی مطالعات اسلامی را آزاد گذاشته

اعتمادی آوردن است . این شیوه در خدمت منافع مستکبرین قرار میگردد که ویژگیشان نفی همه ارزشها و اثبات خود است ریشه معرفتی این روش آنست که برای حق اصالت و استقلال قائل نیستند و بر طبق قاعده یونانی " تعسرف الاشیا" باضدادها " باشیا" بوسیله ضد شان شناخته میشوند گمان میکنند که از نفی باطل و ضدیت با باطل حق در میآید برخی آنقدر این قاعده غلط یونانی برایشان مطلق شده بود که آیات قرآن را هم با آن تفسیر میکردند . می گفتند اول باید لا اله الا الله . اول باید نفی کنیم طرفرا بعد دعوت به اسلام . دقت نمیکردند که خود لا اله الا الله و باعتبار آنست .

در اساس جهان بینی نیز که میخواهند هستی را ثابت کنند از نفی نیستی در میآورند که هستی هست و حال آنکه در اصل وجود کسی نمیتواند شك کند و یا انکار نماید و نیازی به اثبات این چنینی ندارد .

این تفکر و شیوه وقتی در مقابل تضاد های مصنوعی و کاذب جامعه قرار میگردد طبعاً بدام یکی از آنها می افتد . چرا که هر کدام باطل باشند ضد آن را با این روش باید حق تلقی کرد . با این روش فکری از شناخت جریان حق و اصل عاجز خواهیم بود . مثلاً در جریان سقیفه برخی با سقیفه ضدیت آشکار و درگیری رود رود داشتند ولی حضرت علی گاهی همکاری هم میکرد - با این تفکر اینجا هر کس ضد سقیفه است حق تر جلوه میکند .

بایستی متذکر شد که بسیاری نیروهای موجود در معرض چنین روش فکری هستند و انحصار به گروه خاصی ندارد اما از آنجا که گروه عاقبت طلب این روش را بصورت یک جسر میان تشکیلاتی و خط مشی در آورده و کادرسازی کرده است سیر و عملکرد آنرا بعنوان زمینه عبرت و تزکیه قرار داده و سعی باید کنیم این شیوه های انحرافی را در هر کجا از دامان انقلاب پاکسازی نماییم .

۱ - " ضدیت " با بهائیت - عنوان تشکیل گروه در مقالات گذشته تاریخچه تشکیل گروه را بررسی کردیم و دیدیم که علاوه بر ایادی وابسته و شیطان فلسفه ایجاد گروه ضدیت با بهائیت بود . گسترش شکلی فرقه بهائیه انگیزه برای فعالیت این گروه شد . در سازماندهی اسلامی گروه و تشکیلات وسیله و راهی برای تحقق نیازهای فطری و اصیل انسانهاست . در واقع سازماندهی تجلی وحدت طلبی و عدل طلبی انسان است . تشکیلات اسلامی همان است واحد است که در حال رشد و گسترش مستمر میباشد . (توضیح در سلسله مقالات سازماندهی و مکتبراه مجاهد - شماره های ۷-۸-۹-۱۱-۱۲-۱۳ و کتاب سازماندهی و مکتب) .

اما در گروه انیت طلب محور اصلی کوبیدن و ضدیت با دین بهائیه بود . در مورد مسائل مبتلا به مسلمانان و نیازهای امت اسلامی خط مشی مشخص داشتند . به نیازهای اساسی و حیاتی مسلمانان اهمیت نمیدادند و هم دشمنان این بود که جلو گسترش بهائیت را بگیرند . زمانیکه گروه تأسیس یافت امت اسلامی گرفتار مصائبی بود از قبیل حاکم شدن رژیم ضد اسلامی پهلوی ، آزاروستی که مستضعفین دهقان از اربابان میکشیدند ، نفوذ روز افزون امریکا در ایران ، غارت نفت مسلمانان ، مسئله اسرائیل و آوارگی ملت فلسطین و انحرافات فکری و عقیدتی یا برو عدم بسیج عمومی و از طرفی جوانهای مسلمان نیازمند به شناخت اسلام راهنمای عمل بودند ، نیاز به جمع بندی صحیح از نهضت ملی نفت داشتند ، نیاز به تسدوم نهضت داشتند و عمل صالح زمان در آوردن شیوه تحقق

را که چه خواجگ آنها آزار و اذیت کردند و حتی حضرت را از آنها کشتند ولی امام بین آنها و معاویه فرق بود و با هر کس متناسب وضعیت خودش برخورد - در جریان سقیفه حضرت علی که حق خود را غصب یافت وقتی ابوسفیان به آنحضرت پیشنهاد کرد که یا رهبری بنی هاشم را بعهده بگیرد و با آنها بیعت نمود کن . آنحضرت حاضر نمیشود با ابوسفیان الزکوة ها علیه سقیفه هم موضع شود . پیامبر یا قریش نیز سرمشق بسیار خوبی برای شیوه با تشکل های انحرافی است .

سوره ایلاف این شیوه مطرح شده است : لا ایلاف فی دین الله فی حجة الشتاء و الصیف فلیعبدوا رب هذا الدین الذی انزلنا به الامور و الفتن لعلهم یتقون . ایستان و زمستان ثابت و برقرار باشد ، پس باید خدای این خانه را)

بگاه قریش خانه کعبه بود که هم مرکز تجاری و هم بیت ها بشمار میرفت . آنها يك تشکل نوادی بودند و در وحدتشان را قریش بودن و هم نواد بودن قرار میدادند که طبعاً از نظر اسلامی باطل است . اما در مقابل تضاد های موجودشان را دامن بزدند . و با انحلال طلب کنند . بلکه به جوهره و فطرت و وحدت طلب و تعلق آنها اصالت میدهد و نفس تشکل و ایلاف قریشها را از وحدت طلبی آنهاست ارزشمند می شمارد و در تعالی آن است . منتهی درجه وحدت رشدشان اینست وحدت محض و وجود محض الهی را نشناخته اند و در وحدت قریش اصالت یافته است . مثل داستان موسی که چویان خدا را ، خواست ولی در رکش از خدا همان وظیفه انبیا تعالی این درك و پاسخ واقعی دادن به انسانها است .

تنها این ایلاف و تشکل را نفی نمیکند بلکه میگویند بنیال وحدت و الفت هستند ، این خود پرتوی از وحدت محض الهی است ، بدنبال وحدت و الفت بروید که آن را همیشه باشد به مکان و زمان بستگی نداشته است و آن تسلیم به پروردگار همین کعبه است . به ایسن آنها که صادقانه و فطری برخورد کنند تعالی یافته که فرور و عناد داشته باشند نیز تصفیه میشوند . شیوه برخورد را شیوه تعالی بخش میگوئیم . یعنی از قیام وجودی هر کس شروع کنیم و آنرا تعالی دهیم . نه نقاط ضعف و کمبود های دیگران را اصالت داده و آنرا

سرکوب کنیم . ای انقلاب خیرنگار خارجی از امام خمینی پرسیدند وقتی به حکومت برسید با مارکسیستها چه میکنید ؟ امام ماکاری به آنها نداریم ، آنها در عقیده شان آزادند و میبینیم قوانین اسلام را پیاده کنیم وقتی این کار بشود هم که صداقت داشته باشند به اسلام رو میآورند و دیگر مارکسیسم جای نمی ماند . یعنی با تحقق اسلام های عدالت خواهی و ضد ظلم مارکسیست ها بنحویت و کامل پیاده میشود و دیگر آنها حرنی برای گفتن نیستند . اخیراً امام خمینی در مورد اختلافات ایدئولوژیک جامعه گفتند ما با بهائی بودن کاری نداریم ما با کسی مخالفیم ، با توده ای هم بخاطر توده ای بودن نداریم با وابستگی به شرق و غرب مخالفیم . این شیوه همان شیوه تعالی بخش اسلامی است . بین افراد و به يك ایدئولوژی و صادق و افراد فرصت طلب و خود هم نفی گذاشته و راه تعالی و تکامل آنها را نیز مشخص . وقتی با ظلم و وابستگی مبارزه شود و عناصر خائن شوند ، افراد ساده اندیش و فریب خورده نیز فطرت طلبیشان بیدار شده و زمینه هدایت پیدا میکنند .

باطل : روش ضدیت قابل روش تعالی بخش برخورد ضدی و نفی وجود - بجای اصالت دادن به ارزشهای وجودی و اصالت با ضعفها و اشتباهات ، بجای جذب و تعالی شدن با نفی و طرد و سرکوب آنها ، بجای تعالی دادن و - کردن تشکلها و ایلاف ها تفرقه افکندن و بدبینی و بی

و نیز جزواتی پیرامون عقاید اسلامی تدوین کنند و در جلسات ابتدائی دربردارند.

از طرف دیگر بهائیان که با شیوه ضدی انجمن متشکل تروکینه‌ای ترویج می‌دهند، در "کالاتطح" شده توجیهاتی می‌آورند یا شروع به کمال تراشی و طرح تناقضات ظاهری در آیات و روایات می‌کنند تا افراد سستایمان را متزلزل نمایند. لذا مسئولین آموزش، به عافیت طلب مجبور بودند به تبع یا سخای ج... مبلغین بهائی آموزشهای خود را کامل ترک کرده و وسعت بخشند و بر ایرادات آنها به قرآن و روایات پاسخ پیدا کنند. لذا ناگزیر به مطالعات اسلامی میبرد اختصند. در این مسیر آموزشهای اسلامی در گروه گسترش یافت. یکی بر اثر رشد نهضت اسلامی بود که به گروه تحمیل میشد و با مقاومت قشر مومسرو قدیمی انجمن روبرو میشد مثلاً "مطالعه کتابهای استاد مطهری و مهندس بازرگان و دکتر شریعتی نفوذ یافت."

یکی هم به تبع پیچیده شدن بهائیت و برضدیت با آن بود. یعنی خود اینها در برنامه ریزی آموزشی نگاه نمی‌کردند باینکه یک جوان بطور فطری نیازمند است خدا را بشناسد، از رابطه خدا او پدیده ها تبیین داشته باشد. نقش خدا را در حرکت اجتماع، علم، تمدن و انقلابات حس کند و از وحی و امامت تبیین الهی مکتبی داشته باشد و نیازمند به شناخت نقش قیامت در زندگی دنیوی است و بسیاری مسائل دیگر... آنها آموزش خود را از نیاز فطری و الهی انسان شروع نکردند یا در صحنه اجتماع فکر نکردند که انسان فطرتاً عدل طلب است نیاز دارد دشمنان و دوستان مکتبی اش را بشناسد و دشمن اصلی را پیدا کند و راه مقابله با آن شیطان بزرگ را دریابد و در مسیر لقا الله با طوفانیان مبارزه کند. کما اینکه گروه عافیت طلب که اکنون خود را بعنوان با سابقه ترین تشکیلات اسلامی جا میزنند و مدعی است تجسریات تشکیلاتی سودمند برای انقلاب اسلامی دارد ولی روش درسی خود را از مکتب اسلام نیاموخته است.

بسیاری از جوانان بهائی بخاطر چهره بدی که بنام اسلام با آنها معرفی شده بود، به شعارهای فریبنده بهائیت جذب شده بودند و اگر حقیقت اسلام با آنها معرفی میشد و نیروهای مسلمان شعارهای اصیل اسلام را تحقق میدادند توخالی بودن بهائیت برملا شده و دچار انشعاب میشدند.

کما اینکه با اوج گرفتن انقلاب جوانهای آنها علیه اصول جدائی سیاست از دین اعتراض کرده و از تشکیلات بهائی - بیرون آمده و به فعالیتهای انقلابی می پرداختند. و لسی شیوه ای که گروه عافیت طلب داشت زمینه هدایت و تعالی را بر آنها می بست.

اگر به آنها می گفتند که بهائیت فرقه ای استعماری است و شعار جدائی سیاست از دین خود دلیل بر این مدعاست جوان بهائی میدید که گروه عافیت طلب مدعی اسلام هم گساری به مبارزه با ظلمند ارد بلکه چه بسا موارد ارگانهای رژیم سلطنتی بفتح آنها کار می کنند.

تمامی ادعاها و مطالب آنها بر این پایه بود که اسلام دیگر کشش ندارد یا دوره اش تمام شده است و نمیتواند جامعه ای سالم بسازد. و این سخنی بود که در صحنه اجتماعات روز نیکو ظاهر "مصداق داشت و عافیت طلبان در این جهت کوتاهی کرده اند."

حال بجای ضدیت با این مسئله و جوابهای نقضی و جدلی میبایست نیروی دلسوز اسلام به تحقق اسلام در صحنه جامعه بپردازد. وقتی اجتماعی با معیارهای اسلامی ساخته شود تمامی تبلیغات آنها رنگ میبازد و متزلزل میشود و گرنه بسا سالها بحث و جدل که اسلام چنین و چنان است پیشرفت حاصل نمیشود.

لذا در برخورد های بحثی و جدلی نیز عمده هدف روکم کنی و از میدان بدر بردن مبلغ بهائی میشد. حتی یکی از روشها این بود که عده ای درون تشکیلات بهائیه نفوذ کرده تا اطلاعاتی کسب کنند و با کمک آن ضریاتی از بیرون به تشکیلات بهائیت میزدند تا افراد نسبت به تشکیلات بد بین شده

می بایست در مقابل خط اسلامی انقلاب و نیازهای فطری توده های مسلمان تسلیم شده و در خود و روشهای خود تجدید نظر کرده و به پاکسازی تفکرات و شیوه های انحرافی خود می پرداختند که طبعاً رضایت خدا را هم می خریدند

بجای اینکه تشکیلات خود را با وحدتاید تلو تلو استراتژیک شروع کنند و درباره خدا، قرآن، امامت دیدگاههای خود را مشخص مطرح کنند تا کسانی که عقیده مشترک دارند گرد هم آیند و مبنای تشکیلات ایمان به خدای واحد گردد. آنها ضدیت با فرقه ضاله را عامل گرد هم آمدن قرار دادند و هر کس ضدیت با این فرقه را اصل میدانست و در روکوبیدن این فرقه تند تر بود در این تشکیلات جای بیشتری داشت این شیوه مکتبی نبود و با این روش نمیتوان به شکل الهی دست یافت.

ب- روش ضدیت در برخورد با نیروها

در اسلام هدف از برخورد با دشمن نیز رشد و تکامل اوست. هدف هدایت آنها به راه مستقیم الهی است نه نفی و طرد و سرکوب. شیوه های طرد و سرکوب و شکنجه و کینه توزی از عنکر د های جریان باطل است که بر علیه حق اعمال میکنند. میبینیم امام خمینی در مقابل بعثتاران های شدید صدام و به شهادت رساندن توده های بیگناه ایران گفتند که به هیچ وجه نباید شهرهای عراق و افراد غیر نظامی مورد حمله قرار گیرند و به نیروهای نظامی ایران گفتند که بعکس العمل و انتقامجویی نیفتند.

اما برخورد گروه عافیت طلب با فرقه ضاله عملاً چنین نبود. به فطرت عدل طلب، و وحدت طلب افراد نا آگاه آنها اسالت نمیدادند. لذا نمیتوانستند آنها را بسیج کرده و تغییر و تحول جدی در آنها ایجاد کنند.

و نفی و ضدیت میشد. چنانچه در مناطقی که بهائیت فعالیت چشمگیرند اشت افراد گروه نیز منفعل بوده و تشکیلاتی چند اند داشتند. فقط در صورتیکه بهائیان شر به فعالیت میکردند و تبلیغ می نمودند آنها احساس مسئولیت نشان گل کرده و تحرک پیدا میکردند. یا وقتی برخی از شور افتاد و منفعل میشدند برای تحریک و انگیزه شدن کردن آنان اخبار فعالیتها و گسترش تشکیلات بهائیت می گفتند و اینکه بهائیت اینقدر دارد توسعه پیدا می و ما بیکاریم و داریم منزوی می شوم و حتی گاهی افراق کرد بهائیت را بزرگتر نشان میدادند باین نیت که افراد گروه را کنند. این روش ضدیت باعث میشد که در برنامه ریزی مبارز بهائیت نیز تابع آنها گردند. مثلاً در هر نقطه ای که بهائیان فعالیت داشتند اینها نیز شعبه ای باز میکرد جایی که بهائیان بیشتر نیرو می گذاشتند اینها نیز انفر زده ترو بیشتری در آن منطقه بکار می گرفتند.

یا موقعمیکه بهائیان برای تبلیغ شروع به مهاجرت به خارج کشور کرده مؤسسه گروه نیز در هر کشوری که بهائیان تبلیغ میکردند شعبه ای تأسیس میکردند. و حال آنکه میبایست نیاز مسلمین و نهضت های آزاد بیخش صالته میدادند. و نیاز بیشتر و رشد بیشتری هست آنجا فعال میشدند وقتی در اسباب انتخاب خط مشی و دشمن اصلی و فرعی نیاز فطری مسلمین اصالت میدادند و با معیار عدل الهی شروع نکردند در شیوه هانیز عدالت را از یاد بردند. ضدیت عامل بقایشان گردید بطوریکه با خود بهائیت مبارزه بنیادی نمی کردند. بعد از انقلاب به یکی از افراد که پیشنهاد کرده بودند که شما که از درون بهائیتها اطلاه دارید اسامی آنها را بد هید سپاه تا سران و جاسوس آنها را مجازات کنند. گفته بود در این صورت آنها هم ما را میدانند و ما را ترو میکنند. تفاهمی کرد مبروند که در زمینه فرهنگی مقابله کنند. و از یک مزی فراتر نروند. باین ترتیب با این شیوه فیر الهی خو گرفتند، بطوریکه فطرت شایسته شان گردید.

کاد رهایی پرورش دادند که این تفکرات و روشها در آنها نهاد شده است و اکنون حتی اگر فعالیت تشکیلاتی نداشته باشند اما در هر کجا عمل کنند این شیوه ها را رواج میدهند

بعد از انقلاب

در جریان انقلاب که درگیری با بهائیت دیگر کشی جوانهای مسلمان نداشت انسجام گروه که حول ضدیت با آن بود نیز تا حدی از هم گسیخت. بخصوص که برخی نظری های اساس عافیت طلبانه نیز با پیروزی انقلاب برآب شده و منزوی گردید. (که خود این واقعیت نش میدهد بهترین شیوه برخورد با جریان های انحرافی برود به عمل صالح زمان و کار اصلی است.)

اینکه شاه باین سادگیها از بین نمیرود، نمیتوان با ساد درگیر شد ما را از بین میبرند، اینک مردم بی وفا بند و حر نمیکنند، هیچ حرکتی تا بحال بعشر نرسیده و نخواهد و از این قبیل جمع بندیهای ضد حرکت عافیت جوانه های بی اثر و بیوک شد. و جوانهای معتقد و صادق در آنچه در مقابل شهادت ها و ایثارهای مردم و قیامهای بی بخود آمده و نسبت به بی تفاوتی گذشته و حتی خوش بینی رژیم احساس ریشمانی و گناه کردند و سئوالات متعدد در ذهن شد. لذا انسجام تشکیلات با روند انقلاب و پیشرفت در تضاد بوده و هر روز گسیخته تر میشد.

میبایست در مقابل خط اسلامی انقلاب و نیازهای فطری های مسلمان تسلیم شده و در خود روشهای خود تجدید نظر کرده و به پاکسازی تفکرات و شیوه های انحرافی می پرداختند که طبعاً رضایت خدا را هم می خریدند.

و جو ظن و بی اعتمادی در میان نشان رشد کند و از بهائیت زده شود. اینها گمان میکردند هر کس با بهائیت ضد شود به اسلام نزدیک نمیشود. و حال آنکه باین شیوه ها ممکن است فرد منحرف بی اعتماد با افراد و یا گروه شود ولی تفکرات و شیوه های انحرافی جا افتاده در او بسادگی قابل پاکسازی نیست. مثلاً "بجای تعالی افراد صادق و نا آگاه بهائی که موجب انزوی ایادی وابسته آنها میشد، نیروی زیادی می گذاشتند و مبلغین بهائی را تحقیر و مراقبت میکردند و آنقدر بطور دائم در محل کار و منزل و خیابان مزاحم می شدند که دچار حالت عصی شده و با این فشارها گاه دست از فعالیت میکشید. سعی عمده گروه این بود که تشکیلات بهائیت را با روشهای تشکیلاتی و نفوذی در هم بریزد و این منتهی آمال افراد بود. این روش برخورد توحیدی و تعالی بخش نبوده و با معیارهای اسلامی تطبیق ندارد.

شیوه ای که پیامبر با شکل قویش برخورد کردند میبایست راهنمای عمل مآثر قرار گیرد. و در برخورد با گروهها یا فرقه های انحرافی آنها را به عمل صالح زمان بسیج کرد و طبعاً عناصر صادق و نا آگاهشان جذب جریان حق شده و ایادی وابسته و پشت پرده منزوی و رسوا میشوند.

کما اینکه در دوره انقلاب مردم محلات بهائی نشین شعار میدادند: برادر بهائی چرا از ماجدائی شرکت بهائیان در تظاهرات ضد سلطنتی موجب رشد آنها و تزکیه شدن از انحرافات بهائیت میشد.

اما در گروه عافیت طلب روشهای نقضی و نفی آنقدر رایج شده بود که اصولاً انگیزه فعالیت افراد در گروه سرکوب



پیرامون ...

مخالف کمپ دیوید کشتا ندولی از جریا نهایی انقلابی و عمیق
ساحل نگران است. لذا غرب با چند قیاس برای برنامه -
پیزی در ز مدت خود در رابطه با ایران و امکان سرمایه -
گذاری روی آن نیاز دارد که شناخت جدید و دقیقتری از درون
انقلاب بدست بیاورد و اینک به اندجه نوع شباهتی در ایران
وجود دارد.

"توطئه بسیج ناراضا یثیها"

برخی به این نتیجه رسیده اند که غرب از دیدگاه خود
پس از ده سال توطئه های سیاسی اقتصادی و نظامی میهنها هنگ
ظهور میخورد و اقتصادی، تحمیل جنگ و ترور کار درهای انقلاب
... به این نتیجه رسیده است که ناراضا یثی در ایران
پس از این یافته است. از طرف دیگر طبقه متوسط و مرفهی کهنه
پس از فرم شاه تقویت و گسترده شد بطور خاص تکیه گاه و نقطه
بند خدی در رویا روئی با انقلاب و بازگشت ایران به دامن
غرب است. ولی بدلیل بسته بودن جا معه امکان شکل و بروز
راضا یثیها و اعتراضات از طرف خط میانه یعنی بین طبقه
پود ندارد.

غرب معتقد است چنانچه شرایط داخلی ایران بقدری تعدیل
و فضای بازی وجود پیدا بین فضا پیش از آنکه موجب
شدتعالی نیروهای انقلابی (که انسجام درونی لازم را ندارند)
بود زمینهای برای شکل و حرکت خط میانه و نیروهای علاقه -
مند به غرب که شیوه تولید و تکنیکها و روابط طبیعی طبقاتی
رند، خواهد بود.

و بدین ترتیب با زمینه برای جرخش بسوی غرب فراهم
و با درگیران بصورت هر چه مورج و تشنجات داخلی زمینه
برای به قدرت رسیدن یک جریا ن سرکوبگر و بسته مشا به
دنیای رضا خانی مسا عدخوا همداخت.

"تلاشی احزاب"

عده ای هم معتقدند که احزاب حرفی برای گفتن ندارند
بی درسا به مظلوم نمائی رشد میکنند. اینها میگویند اگر
احزاب آزادی بدهیم چون آنها فاقد شعرا زبیرتری هستند
دشان بتدریج منزوی و مضمحل میشوند.

"آزادی برای شناسائی و سرکوب"

عده ای هم برداشت منفی از آزادیها داشته و میگویند
پس از آزادی دستهای مرموز و جریا نهایی سرکوبگر از
آزادی برای شناسائی و سرکوب انقلابیون میخوایند
تفاهه کنند.

جمعی و استبدادات

در جمع بندی از مطالب فوق با بدگفت که "آزادی" ذاتی
لاب و از اهداف مسلم است و هر چند که جریا نهایی مختلف
نظام و کشور در این شرایط هر یک بنا به ضرورتها شی به
بیت آن رسیده اند که عمده آنها ضرورتها ای بدلولوژیک
... البته برخی از این ضرورتها پیدا رهم نیستند لیکن
پودما با یستی برخورد فعال و تعالی بخش باشد. تا به
سج به یک نهاد پیدا روزانی در نظام مسا سوا جراحی
پرتبدیل و تثبیت شود و انشاء الله راه برای مشارکت
نیروهای متعهد در پیش برد امور انقلاب فراهم گردد.

بطور خلاصه اگر بفرض اجرای قانون احزاب جنبه تا کتبی
دستی کنیم آنرا به یک نهاد استرا تزیک تبدیل کنیم و اگر
پورا از جریا ن جنبه استرا تزیک دارد با برخورد تعالی
آنرا تعمیق کنیم و به یک ضرورت ای بدلولوژیک تبدیل
شیم و تدریجا با استمرا روپی گیری بن ضرورت ای بدلولوژیک
به یک امر ذاتی و جوهری ارتقا دهیم. تا آزادیها نهاد
سی برای اجتهاد انقلابی گشته و امیرا لیسیم هم میدی به
نشدند. لذا روی گردانی از هرگامی که در جهت تحقق
نمون اساسی و احزاب برداشته میشود کار درستی نیست.

در راه اجرای قانون احزاب عده ای میگویند آزادیهای
سج در قانون اساسی مغایر با شرع میباشد. در اینجا مسا
برداشت قرآنی را تذکر میدهم:

"آزادی در بندگی خدا"

در مکتب ما اسلام، حریت یا آزادی واقعی فقط در بندگی
و عدم بندگی غیر از خدا نهفته است. زیرا وقتی انسان

بگوید "اما کعبه و ابای، نستعین" دیگر نه زبیرا ر قدرتها
و بر قدرتها میروند و نه آزادیها کمک خواسته و به آنها وابستگی
پیدا میکند. نه از تهید و اعاب دستهای مرموز و توطئه گر
ترسی به خود راه میدهد و نه برای بقا و حفظ موقعیت خود از
درسا زش و سکوت در برابر آنها در میآید. پس آزادی واقعی
با آزادی معنی مبارزه با امیرا لیسیم و هرگونه ظلم و
استبداد دوا بستگی.

هر جریا ن و حزبی که شعرا آزادی را بدون مبارزه با
امیرا لیسیم و بر قدرتها مطرح کند، با آزادی و حریت
قرآنی فاصله داشته و آزادیها نه با خود آگاه همان شعاری
را میدهد که خواست دشمن است.

تفاوت آزادی قرآنی با آزادی غربی در همین نکته
نهفته است. غرب در همه جا از این نوع آزادی دفاع میکند
آزادی برای مستکبران، سرمایه داران، طبقات مرفه و بی -
برد، نه آزادی واقعی و جهت دار.

پس آزادی با استقلال و ظلم ستیزی همرا ه و لاینفک است و
در شرایطی که بسیج و انسجام مظلوم ستیزی درجا معه وجود
نداشته باشد حریت و آزادی واقعی امکان تحقق نخواهد داشت
و آنچه باقی خواهد ماند یک آزادی صوری و لیبیرالی است که
مطلوب غرب خواهد بود.

"آزادی و عدالت"

وقتی جوهر آزادی را بندگی خدا دانستیم با بدی برای
تحقق صفات خدا قیام کنیم. درجا معه ای که قیام مبررای
عدالت وجود نداشته باشد و طبیعا ظلم و استثمرا مری پذیرفته
با شد آزادی واقعی وجود ندارد. زیرا هرگونه ظلم و استثمرا
مانع از رشد تعالی استعدادها ی انسانی شده و کسی که با آن
سازش میکند از حریت و آزادی فاصله گرفته است.

اراده خلقت و عدل است و عدل الهی بر هر چیزی حتی
بر آزادی هم مقدم است و آنرا در بر میگیرد.

"آزادی حتی برای شیطان"

در داستان آدم و شیطان در قرآن بعد از فرمان شیطان از
امر خدا شیطان میگوید: "فبعزتک لا غوبنهم جمعین الاعبادک
منهم المخلصین" - ای خدا به عزت تو قسم که من همه بندگانت را
گمراه میکنم بجز بندگانت مخلص را - پس از آنکه از خدا تا
قیامت مهلت میخواید، خدا و ند میفرماید: "قال انک من
المنظرین" - تو از مهلت بافتگا نی. با اینکه شیطان دشمن
قیم خورده انسان است و میخواید خلاف امر و اده خدا حرکت
کند ولی خدا به مهلت داده و آزادی میگذارد زیرا خدا قاشم
بذات استوار داده است برای قرا ر گرفته است که انسانی نهایی
صالح را هدایت کرده و راهی برای نفوذ شیطان در آنها قرار
ندهد. پس چه باک که شیطان به اغوا انما نپیرد از د. این
بر خوردی که خدا با شیطان دارد با بدی برای ما الگو باشد.

ما هم اگر با توکل به خدا اعتماد به نفس و ثبات و انسجام
داشته باشیم. به خودمان شک نداشته و یقین کنیم که تا ریخدر
جهت رشد و گسترش جا معه توحیدی به رهبری امام زمان (عج)
حرکت میکند و هیچ نیروئی قادر نیست در برابر آن با یستد
آنرا متوقف یا منحرف کند. دیگر از آزادی گذاشتن مخالفین
خودمان درجا ترس و اضطراب نشده و با سعصدر میتوا نسیم
مخالف را هر قدر که با ما درضا دبا شد تحمل کرده و با آن
بر خورد کنیم.

پیشنهادات:

۱- "ارتباط و اتحاد"

عده ای معتقدند برای اینکه احزاب - سیاسی بتوانند در
فعالیتهای خود توفیق بیشتری داشته باشند، بهتر است به
صورت یک ائتلاف وارد صحنه بشوند.
در این زمینه با بدگفت که اصل ائتلاف و اتحاد هدف خوب
و مقدسی است ولی با بدشود که از یک طرف جا معه ما بقول
مرحوم معدن جا معه استعمار زده ای است و در هر ائتلافی اگر
انسجام کافی وجود نداشته باشد برای آن وقت نگذاریم و
خلاصه برای آنکه در سایه نکشیم، دستهای مرموز و وابسته گتاما
در آن نفوذ نخواهند کرد و با لآخر به آن ضربه خواهد خورد. تاریخ
مدالها خیرا برانگوا ه بسیار روشنی بر این ادعا است.

از طرف دیگر اختلافات فکری و سیاسی یک امر طبیعی و یک
واقعیت است که اگر یک اتحاد صولی بخواید صورت بگیرد
با بد نظرات به هم نزدیک شده و وحدت ای بدلولوژیک سیاسی
و تشکیلاتی تحقق پیدا کند.

راه حل چیست؟ بنظر میرسد با توجه به وضعیت موجود بهتر
است تا مدتتها به روش جبهه ای عمل کرد و با تلاش در برقراری

ارتباط و برخورد های مستمر سعی کنیم مفا هم و در کمان را
نسبت به مسائل مختلف به یکدیگر نزدیک کنیم و هر چه بهتر
یکدیگر را بشناسیم. بدین ترتیب به تدریج و در جریا ن عمل
صالح اتحاد صولی و با لآخره حزب و احد تحقق پیدا خواهد
کرد. بعبارت دیگر از محتوا شروع کنیم و بعد به شکل متنا سب
با محتوا هم برسیم.

۲- "جبهه استقلال"

لازمه تشکیل یک جبهه چندجیزا است:
اولا- با بدشعرا ثباتی داشت. یک جبهه با بدیک هدف
اشباتی و روشنی داشته باشد تا نیروها حول محور آن بس
یکدیگر نزدیک شده و مشخص باشد که چه میخوایند.

ثانیا- درگیری با امیرا لیسیم و صهیونیسیم و با نگاه -
ها بیش در درون داشته باشد. تا به درگیری با تضادهای فرعی
و انحرافی کشیده نشده و در دام شیطان نیفتد.

بعبارت دیگر جبهه مفا و متی در برابر امیرا لیسیم
باشد.

ثالثا- با یستی به رشد وحدت ملی بیانشا مدو فرا گیر
هم باشد.

بنظر میرسد "جبهه استقلال" که از طرف برخی صاحب نظران
نیز مطرح شده است، از ویژگیهای فوق برخوردار باشد.
استقلال در وجه مکتبی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و ارضی
یک هدف اشباتی است و مشخص میکند که این جبهه چه
میخواید. استقلال همچنین متضمن مبارزه با استکبار
جهانی و مبارزه با مزمینهای فوق با امیرا لیسیم درگیر
میکند. همچنین این شعار وحدت ملی را رشد و گسترش
میدهد زیرا "استقلال" یکی از ارکان قانون اساسی است و
قانون اساسی هم بعنوان یک "میثاق ملی و اسلامی" تمام
نیروهای صادق ملی و مذهبی و نظام جمهوری اسلامی را نیز
در بر میگیرد.

استقلال در هر وجهی برای یک جریا ن درجا معه جا ذب
داشته و همه را بهم پیوند و ارتباط میدهد.

استقلال ارضی ارتش و سپاه را، استقلال سیاسی
روشنفکران ملی و مذهبی را و استقلال مکتبی تمام نیرو -
های مکتبی را به یکدیگر نزدیک کرده و بدین ترتیب یک
وحدت اصل و پایداری در میان ملت و همچنین نظام بوجود
میاورد.

پیشنهاد میشود برای اینکه چنین جبهه ای در عمل تحقق
پیدا کند و هم از عمق و محتوا برخوردار باشد، نیروهای
معتقد به آن هر یک به تناسبتوان و استعداد دوسری که
داشته اند در وجهی از استقلال کارکنند و دستاوردهای خود
را ضمن تبادلا با یکدیگر در اختیار جا معه قرا ردهند.

۳- "تشکیلهای رزمینده"

برای اینکه اجرای قانون احزاب گامی در جهت
انسجام درونی در مقابل امیرا لیسیم باشد و به آزادی
مطلوب غرب منجر نشود، لازم است که نیروهای مبارزو
رزمندگان که در طول ده سال انقلاب در عرصه های مختلف
از جنگ گرفته تا تصرف لانه جاسوسی و مبارزه با توطئه های
گونگون شرکت داشته اند به میدان بیایند. پیشنهاد
میشود اینگونه نیروها و بخصوص رزمندگان و فرماندهان
بسیجی که عضو نیروهای مسلح نیستند با موافقت شورای
فرماندهی سپاه پاسداران، تقاضای تشکیل حزب نموده و
تلاش کنند تشکیلهای از رزمندگان و نیروهای خوب انقلاب
بوجود بیاورند.

۴- "اجرای قانون در مورد تمام تشکیلهای"

پیشنهاد میشود برای اینکه قانون احزاب اعتبار عملی
پیدا کرده و حقیقتا اجرا شود، هیچ نیروئی خود را مستثنی
نکرده و همه گروهها و تشکیلاتها به قانون گردن نهند. لذا
گروههای نظیر جا معه مدرسین، بنیاد رسالت، جا معه
روحا نیت مبارزو روحا نیون مبارزو... با یستی در اجرای
این قانون همکاری کرده و به ضوابط اعلام شده عمل کنند
و الا اینگونه گروهها به جریا نهایی غیر مسئولی تبدیل
خواهند شد که آزادی را از جا معه و دیگران سلب کرده و قانون
را بی اعتبار خواهد کرد. "والسلام"

ریشه یابی ...

در دوران خود ایجاد نماید ؟ آن هم پس
توجه به حاکمیت سلسله مراتبی که در نظام
وجود دارد . البته شاید در مقابل این
استدلال مطرح شود که نظام راسا و بدون
حضور مردم نمی توانستند به تنهایی در
جبهه ها حضور پیدا کنند . در جواب باید
سئوال کرد که اگر این دو ماه اقامت رئیس
جمهور و روحانیون قبل از پذیرش قطعنامه
انجام میشد خود موجب بسیج مردم نمیکردند
و آیا وضعیت مارا در مقابل قطعنامه تغییر
نمیداد ؟

۷ - ناشی نبودن عملیات و توجه نکردن به شرایط عملیات

آیا عملیات کربلای ۴ با قریب چهار هزار
شهید آن هم با توجه به لورفتن عملیات موجب
انفعال خیلی از رزمندگان نشد . آیا اینکه
گفته شد رزمندگان نیز متوجه شدند که
عملیات دسته گلی بوده که تقدیم به کفرانس
همیاری شد . سیاسی بودن اینگونه
عملیات نشان میدهد . اینکه بدون
توجه به آمادگیهای جبهه صرفا برای یک
هدف سیاسی دست به عملیات بزنیم سپس
آن نتیجه را حاصل کنیم باز هم در تحلیل
تهایی باید مردم شهید داده را مقصر قلمداد
نماییم ؟

۸ - ضعیف کشی در حسابرسی

آیا اینکه رزمندگان می دیدند در هیچیک
از ضربات ، ریشه یابی آن به مسئولین و
سراخان جنگی بر نمی خورد و نهایتا گفته
میشد که ضربه در عملیات به این دلیل است
که اخلاص کم بوده رزمندگان راه نماز و
روزه و خواندن دعای بیشتری دعوت میکردند
آیا این ضعیف کشی در امر حسابرسی نمیتواند
دلیلی برانفعال مردم باشد ؟

۹ - تصفیه برخی نیروهای وفادار به انقلاب از جبهه ها

در جریان دفاع مکتبی از هرنیروی که
مخلصانه در صدد انجام وظیفه باشد
میبایست حداکثر استفاده را نمود و نمی بایست
اختلافات فکری مانع از وحدت نیروها در روند
دفاعی گردد . با وجود بدیهی بودن این
اصل برخی جریانهای مسئول در جنگ

وقتی که روش جنگی ما مکتبی
به عملیاتهای گسترده و
کلاسیک و در آمدنفت باشد ،
علیرغم استقلال طلبی
مسئولین در حالتی که در
صدور نرفت و ورودا سلحه
جلوگیری میشد طبعاً یک
ناامیدی را بدستال داشت

بخاطر اختلاف نظرهای فکری از حضور برخی
نیروها در جبهه جلوگیری کردند و بسیاری
از این نیروها را که در جبهه مشکل گشایند
به بهانه های مبهمی تصفیه کردند . آیا
این برخورد ها نمیتواند دلیل انفعال
مردم قلمداد گردد ؟

۱۰ - تردید مسئولین در ادامه جنگ

رئیس شورای عالی دفاع طی سخنانی
در دانشگاه مطرح کردند که من از سال ۶۲
به بعد نقشی در جنگ نداشتم . آیا وقتی
مسئولین در ادامه یا خاتمه جنگ مردد باشند
این تردید در تمامی سطوح اثر خود را نشان
نمیدهد ؟

۱۱ - پاس استراتژیک در جنگ

وقتی که روش جنگی ما مکتبی
عملیاتهای گسترده و کلاسیک و در آمدنفت
باشد ، علیرغم استقلال طلبی مسئولین
در حالتی که از صدور نرفت و ورودا سلحه
جلوگیری میشد طبعاً یک ناامیدی را -
بدستال داشت . آیا این روش موجب پاس
در مسئولین بالای مکتبی نگردید و آیا این
پاس به تمامی سطوح جبهه منتقل نگردید ؟

۱۲ - دور بین بست استراتژیک

در ابتدای جنگ امام گفتند که این جنگ
را آمریکا به ماتحتی کرد و دست آمریکا از
آستین صدام بیرون آمده است . ولی
علیرغم موضع امام برخی از مسئولین در صدد
بودند که با استفاده از بسیج مردم و
جلب نظریه جناح از غرب صدام را حذف
کنند و عملیات چشم گیری گسترده را هم از موضع
سرقل آوردن غرب انجام میدادند .

در این رابطه ستوالی مطرح میشود که
آیا میشد عدم عامل برناه های غرب را به
کمک جناحی از غرب حذف کرد . آیا این
خود یک دور و بین بست استراتژیک محسوب
نمیکرد و آیا نمیتواند دلیلی برانفعال
بسیاری از فرماندهان و رزمندگان باشد ؟

۱۳ - پذیرش یک کودتای آمریکایی در عراق

وقتی مسئولین درجه اول مکتبی از
یکطرف اعلام میکنند که ما خواهان تسدوم
از یکطرف

اینکه بدون توجه
آما دکبای جبهه صرفا برای
یک هدف سیاسی دست
عملیات بزنیم و سپس آن
نتیجه را حاصل کنیم باز هم
در تحلیل نهایی با مردم
شهید داده را مقصر قلمداد
نماییم ؟

جنگ ناتشکیل حکومت مردمی در عراق
هستیم ولی از طرفی دیگر اعلام میدو که ما
تغییر حکومت در عراق را حتی اگر به شکل یک
کودتای آمریکایی هم باشد ، میپذیریم . آیا
این دوگانگی موجب انفعال فرماندهان ،
رزمندگان و نیروهای مردمی نگردید ؟

۱۴ - مشکلات شهری رزمندگان

وقتی رزمندگان از جبهه برمی گشتند
از یکطرف می دیدند که در استان هم کلاسی
و هم دانشکده های آنها قدر در رزمندگی
بیشتر کرده و اعتبار ظاهری بیشتری هم در
جامعه کسب نموده اند . ولی از طرفی
دیگر شاهد نا بسامنی ظاهری زندگی خود
و احیاناً با فشارهای خانواده برای تامین
مایحتاج اولیه زندگی بودند . علیرغم
تحمل سختیهای زندگی آنچه که برای
رزمندگان حرزهای ناراحت کننده میگردد
رشد روحیه مدرك گزایی در سطوح مختلف
نظام منجمله ارگانهای مانند وزارت سپاه
و دیگر نهادها بود . آیا مدرك گزایی موجب
انفعال بسیاری از رزمندگان حرزهای ما
نگردید ؟

۱۵ - شرایط حسینی و پذیرش قطعنامه

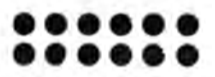
از یکطرف در تمامی دستگاهها
تبلیغاتی جمهوری اسلامی شرایط اصرار
را شرایط حسینی اعلام میکردند و مقاومت
تا آخرین نفر را تجویز مینمودند ولی از طرفی
دیگر روزی در مصاحبه ها بوی صلح استشمام
میکردید . آیا این امر موجب انفعال نمیشد
آیا میتوان مردمی را که در کربلا و اسلام
ایران رانجات داده و از ابتدای جنگ
جانفشانی نمودند مقصر دانست ؟

۱۶ - مطرح شدن التقاط به عنوان اصلی ترین جرم

حجت الاسلام ری شهری طی مصاحبه
در رابطه با اعدام سید مهدی هاشمی
گفتند که اصلی ترین جرم او التقاط بود
است . آیا اصلی شدن جرم سید مهدی
هاشمی برای وزارت اطلاعات و اعدام وی آر
هم با اصلی دانستن جرم التقاط موجب
انفعال بسیاری از رزمندگان قهر رجانی
و نجف آبادی و ... نشد آن هم در مقام
حساس از جنگ که نیاز به بسیج کلی
نیروهای رزمی احساس میشد . توضیحا
اینکه حضور از طرح این مطلب صرفا
انفعالی است که از تلقی شدن التقاط
به عنوان اصلی ترین جرم ناشی میگردد .

در خاتمه این بحث به این واقعه
اشاره میکنم که در ایام پس از آتش
بسیاری از جمع بندی هشت سال مقاومت
جانانه در رابطه با ریشه های مشکلات جنگ
فکر میکنند و اظهار نظرهای متفاوت مینمایند
آیا وقت آن نرسیده است که اما رزمندگان
و فرماندهان در رابطه با هر هشت ساله جنگ
جمع بندی خود را ارائه دهند ؟

و السلام
"بنا لاتواخذنا ان نسینا او اخطانا"
پروردگارا ما را بخواخذه نکن اگر فراموش کردیم
و یا خطایی انجام دادیم



توطئه

صهیونیسم بدست رشدها

علیه اسلام ناب محمدی (ص)

۱ - صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی
در حاکمیت اسرائیل دو جناح وجود
دارد . یکی جناح حزب کارگر به رهبری
شیمون پرزو جناح حزب لیگود به رهبری
اسحاق شامیر . حزب کارگر کمیوندهای
صهیونیسم دارد اصلی ترین خطاری که
موجودیت اسرائیل را تهدید میکند بنیاد
گرایی اسلامی دانسته و آن را در پیچ
وجه زیر خلاصه کرده است .
"عرب" ، "مسلمان" ، "مذ صهیونیسم" ،
"مذ امپریالیسم" و "خواهان حکومت اسلامی"
بعبارت اصلی ترین خطر را پیوند اعراب
یا اسلام امام خمینی می دانند بسیار طبیعی
است که صهیونیستها که نفوذ زیادی در
مغزهای متذکر و نویسندگان و رسانه های

گروهی عرب دارند توطئه های عمیق علیه
اسلام و برداشت امام خمینی از اسلام
نشانند . کتاب آیات شیطانیک حلقه از
این سلسله زنجیر است .
۲ - ریشه یابی عرب از پیروزی های ما در جنگ
به طور خلاصه کلیه جناحهای غرب به
این نتیجه رسیده اند که مقاومت اسلامی در
برابر اراده اسرائیل رتها ، دفاع اسلامی در
برابر تجاوز اسرائیل رتها ، پیروزی های ما در
فتح العین و طریق القدس و الو بیت المقدس
و الفجر هشت و امثال آن و گستاخی ما در
برابر دشمنان و اینکه خوف از اسرائیل رتها
در ذهن های ما ریخته است ، همگی ناشی
از اسلام واقعی است و بسیار طبیعی است
که با این ریشه یابی تلاشهای سپه های در
حسب زدن این ریشه بنمایند . کتاب سلمان
رشدی یک حلقه از این زنجیر است .
۳ - ریشه یابی امام از توطئه ها
امام بارها در ریشه یابی هر توطئه گفته
اند هدف واقعی استیکار توطئه علیه
اسلام است اینها می خواهند جلوی رشد
و گسترش اسلام را بگیرند ایشان تحمیل
جنگ و توطئه نفت و حصر اقتصادی و ...
را توطئه علیه اسلام دانسته اند . کمتر کسی
متوجه عمق نظرات امام می شد . کتاب

سلمان رشدی درگیری آشکار غرب را بانفس
اسلام و قرآن و پیامبر "ص" که شریک قرآن
است نشان داد .
۴ - اسلام ناب محمدی و اسلام امریکایی
امام چند سال است که اصلترین شعار
انقلاب اسلامی را در ساحت جهان تغذای
می دانند که یا طرف آن اسلام ناب محمدی
بوده و طرف دیگر آن اسلام امریکایی
و شاهنشاهی است . فرموله کردن کلیه
مشکلات عالم در یا بنظر حق و باطل به
صورتی ساده و فراگیر کار بسیار هنرمندانه
و بزرگی است بسیاری از جناحهای داخل
و خارج از این فرمول رنج می برند که
در مقالات گذشته راه محاهد آمده است .
حال می بینیم توطئه استیکار متوحسه
شخصیت حضرت محمد "ص" است که کتاب
آیه های شیطانیک یک حلقه از آن زنجیر
است .
پیشنهاد ما :
یکی از برکات انقلاب اسلامی و بعبارتی
یکی از موارید بیلان در مساله انقلاب این
بوده که اسلام بعنوان یک مکتب قابل پیاده
شدن و قابل نظام شدن موضوع تحقیقات
عربی ها گشته است . دکتر حسین نصر که
از صاحب نظران اسلام امریکایی است .
در مصاحبه ای اعتراف کرد که تحقیقات

اسلامی ای که در این چند ساله پس
پیروزی انقلاب اسلامی شده است هنوز
برابر بیشتر از کلیه تحقیقاتی است که
گمون در مغرب زمین بر روی اسلام بعمل
آمده است . حال اینکه خطا تحقیقاتی
معالجات فوق ناخود آگاه تابع موج عظیم
انقلاب اسلامی است .
از آنجا که این تحقیقات دو وجه دارد که
هم به نفع اسلام و هم توطئه ای علیه
اسلام است . پیشنهاد ما این است که
هیئتی زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی و
وزارت کشور با استفاده از کلیه صاحب نظران
اسلامی تشکیل شود تا سریرا مطالعات
بعمل آمده در غرب را بررسی کرده و با
آن برخورد فعال نمایند و اگر در توان
آنها نیست حداقل برای اطلاع صاحب
نظران مسلمان در روزنامه ها منتشر و از
صاحب نظران استمداد نمایند . این را
بدانیم که تا کنون در هر کاری که به مردم
رجوع کرده ایم ضروری ندیده ایم و به یقین در
این استمداد ضرر نخواهیم کرد . که
سیار کتابهای مضرت و توطئه آمیزی از
کتاب سلمان رشدی نوشته شده و ترجمه
شده باشد و ظاهرا توهین هم به
شخصیت های اسلامی نگردیده باشد و ما
نسبت به آنها حساس نباشیم .

پاسخ به ...

بطور تاکتیکی سرمایه داری از آن بهره برداری می کند یا خود را طرفدار آن معرفی میکند. بایستی مواضع آنها را آگاهانه موشکافی کرد. واضطرار این جناح را دریافت. بقول آقای خلخالی بازار پول برای جنگ می دهد و کاروان تبلیغات راه می اندازد ولی جان نمیدهد. این واقعیت نشان می دهد که مردم و رزمندگان با شرکت فعال در این جنگ به آن ماهیت مردمی داده و این شعار را از دست سرمایه داری گرفتند.

۲- شما اشاره به رسوبات تفکرات سرمایه داری و اسلام ابوسفیانی کردید. یعنی قبول دارید که سرمایه داری در ایران تنها یک طبقه اقتصادی صرف نیست بلکه پشتوانه ایدئولوژیک و مذهبی داشته و لذا در باورهای ذهنی مردم پایگاه دارد. این نکته بسیار مهمی است. هرگز این ویژگی جامعه ایران را درک نکرده باشد قادر به مبارزه بنیادین با سرمایه داری نیز نخواهد بود. برای تصفیه جناح سرمایه داری و مبارزه با آن بایستی یک مرحله مبارزه ایدئولوژیک را گذراند. بایستی پایگاه فلسفی و دینی سرمایه داری را کشف و پاکسازی کرد.

پس از فراز و نشیب ها اکنون مشخص شده است که ثبات سرمایه داری ایران در گرو توجیهات فقهی است که از طرف برخی روحانیون می شود. واژه اسلام سرمایه داری یا اسلام امریکایی یافته نفتی یا فقه ارسطویی که اکنون شهرت یافته

است، حاکی از این واقعیت است.

فقط همتی و غیرتی نیاز است که ریشه یابی عمیق پرداخته و آموزشهای ارسطویی رایج در حوزه ها و جامعه را مورد ارزیابی قرار داده و نقد بنیادی کند. اکنون مردم میدانی لازم است که از مرحله شعار گذشته انسجام اسلام واقعی را ارائه دهد. روش شناخت مستقل را در مکتب اسلام مشخص کند.

نکته سوم - همانطور که شما اشاره کرده اید علت شروع جنگ از طرف صدام وقوع انقلاب ایران و تأثیر پذیری مردم عراق بوده است. بعبارتی دیگر صدام از ترس صدمه و انقلاب ایران و تکرار آن در عراق به پیشگیری پرداخته و به سرکوب انقلاب دست زده است. این تحلیل کاملاً درست است. اما باید توجه کرد که از انقلاب ایران و امکان گسترش و صدور آن سایر مرتجعین عرب و صهیونیسم و امپریالیسم نیز وحشت داشتند. و آنها نیز در تشویق و حمایت صدام نقش بسزایی ایفا کردند.

ولی برادر شما که در شروع جنگ رشد انقلابی مردم را در نظر میگیرید، چرا در طول جنگ نقش این رشد را نشان نمیدهد مسلماً نقش داشته است. آیا همین که قول شما جناح مردمی حاکمیت خواستار تحولات اقتصادی بنیادین شده اند و اینکه در جنگ هیچ جناح سرمایه داری باز می شود، ناشی از رشد مردم در طول جنگ نیست؟

باتوجه به همین مسئله بود که ما از موضع ایران در جنگ دفاع میکردیم در عین حال به شیوه های غیرمردمی و غیر انقلابی

انتقاد می کردیم. منجمله: مرحله سوزی در مرحله آزادی کربلا، عملیات کلاسیک و سلاح سنگین وابسته، شیوه ابزار توده ای، مقابله بمثل مکانیکی و بی تمیزی برای ورود به خاک عراق... علت بن بست نظامی راهم در اعمال همین شیوه های توان دید (مقاله عملیات چشمگیری بن بست نظامی)

س- در ادامه تحلیل بالا ایشان موضعگیری راه محاهد رایشه یابی کرده می نویسند: " حمایت شما از چنین جنگی بدون اینکه امیال گروه منحرف را بمردم وسیعاً بشناسانید و عدم تلاش در برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی توحیدی و هدایت سازماندهی مردم در پاکسازی حریبان ابوسفیانی و در مواردی سعی در ایجاد توهم بین مردم می تواند ریشه های مختلفش داشته باشد:

- ۱- نداشتن ایدئولوژی جامع و مدون
- ۲- ساده گیری و لیبرالیسم عقیدتی و تشکیلاتی
- ۳- سعی بر قانونی ماندن و ادامه فعالیت علنی
- ۴- برادر قبل از پاسخ، باید عرض کنم از احساس مسئولیت و دلسوزی شما صمیمانه متشکریم. شما به صرف یک انتقاد بسنده نکرده بلکه بارشهای و زگر علل احتمالی آن ماراد رحمت حل یاری داده اید. روش ریشه یابی شما نیز که حاکی از عمق ایدئولوژیک و تقوای سیاسی بود ما را خوشحال تر کرد. و اما اصل مطلب:

شما معتقدید حمایت از جنگ اگر همراه

باشناسا ندن جناح منحرف داخلی و پاکسازی انحرافات درونی باشد امری درست است. در این مورد اعتقاد ما بر این بود که برای پاکسازی انحرافات داخلی اعم از سیاسی، اقتصادی و... ابتدا باید بایستی از عوامل شروع کرد، یکی "پشتوانه ایدئولوژیک استراتژیک این شیوه ها و عملکردها، و دوم دستهای مرموز و عوامل منحرفی که آگاهانه و عمدتاً در گسترش انحرافات و شیوه های ضد انقلابی در نظام

و اجتماع تلاش می کنند. مثلاً شیوه شکنجه بمنظور اعتراف علیرغم ممنوعیت در قانون اساسی و نفرت عمومی از آن، از طرف عده ای روحانیون توجیه فقهی می شود و بصورت یک مسئله شرعی و مقبول ارائه می گردد و از طرفی برخی عناصر هم در رواج و گسترش این شیوه در ارگانها سازماندهی و تلاش می کنند. و یا شیوه مقابله بمثل مکانیکی در جنگ و...

در د زمین فوق ماکم و بیش تلاشهایی داشته ایم ولی قصور و کوتاهی هم داشته ایم. از طرف دیگر مواجه با جریاناتی در جامعه بوده ایم که موضعگیری غیر اصولی داشتند، یا شیوه های نارسایی در قبایل انحرافات بکار می گرفتند. یا با دامن زدن به تضادهای درون خلقی دستهای مرموز و باند های ضد انقلابی را تقویت می کردند. می بایست در جهت تعادل و هماهنگی شیوه های انقلاب نیز تلاش می کردیم.

"اما از اینکه سعی در ایجاد توهم بین مردم نمائیم، بخدا پناه می بریم. اگر چنین مواردی سراغ دارید از تذکر فراموشمان نکند. بقیه در صفحه ۱۰.

سخن امام...

از عدم اعتقاد و انعی نسبت به خداوند میداند و مشخص میکنند که در واقع هر دو نظر ما بر پایه منطقهای بشری غیر الهی بیان شده اند. امام در تفسیر سوره الحمد " خود گفته اند همانا شما خدا جویند حتی دزد سرگردنه و کافر تر و... و در تفسیر الحمد لله" گفته اند هر حمدی که در جهان واقع شود مال خداست و چنین مستغنا میشود که " صلا" بی خدایی معنی ندارد و مطرح نیست و تقسیم جوامع دنیا به بی خدا و با خدا و فلسفه "بود" و "نبود" کار درستی نبوده و اگر بر این اساس جهان را تقسیم کنیم در میان رزه با ما رکسیم (بی خدایان) در کنار آمریکا و غرب (با خدایان) قرار میگیریم. در قرآن هم که جستجو کنیم میبینیم، حتی شیطان که در راس کفار و منافقین و ملحدین است خدا را پرستش کرده و به گمراهی بشر میبرد از ما. گفته اند که وجوه انقلابی و عصیانگر ما رکسیم به اعتراف سردمداران اصلی ما رکسیم الهام گرفته از "توماس مانستر" کشیش مذهبی و انقلابی است.

در قسمتی دیگر از پیام امام به گورباچف می خوانیم: " ... از شما جدا می خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات ما رکسیم گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید... " ... به همین اندازه شما متجدید نظر در مورد مکتبی که سالها در سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است... "

علت جذب جوانان انقلابی به ما رکسیم چیست؟

بنظر میرسد علت اصلی جذب جوانان که امام از آنان به عنوان "فرزندان انقلابی جهان" نام میبرند به ما رکسیم، بخصوص در کشورهای مذهبی، این مسئله است که مذهبیون نتوانستند ایدئولوژی راهنمای عمل برای مبارزه با ظلم به این جوانان ارائه دهند و جوانان

مردم فربا دکشدند دین از سیاست جداست، مخدراجا معاست ولی این دیگر مذهب واقعی نیست. بلکه مذهبی است که مردم ما آنرا مذهب آمریکا می نامند...."

جدایی دین از سیاست
ملاک
مذهب آمریکا شی

بنظر میرسد منظور ما از مبارزه با مذهب در انقلاب سال ۱۹۱۷ شوروی نیز همین مذهب وابسته و کلیسا های در خدمت تزار و اربابها بود زیرا مسیحی های انقلابی در آن زمان خود را بلشویکها، درجه و واحد علیه تزار می جنگیدند.

ما رکسیم و پذیرش منطق
حسی ارسطویی

امام در پیام به گورباچف گفته اند " چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می باشد که محسوس نباشد و در حای دیگر گفته اند قانون علیت و معلولیت که هرگونه شناختی بر آن استوار است معقول است نه محسوس.

به نظر میرسد منظور ما از معقول چیزها بی است که در فرهنگ ارسطو و افلاطون و ابن سینا به عنوان ملاک تعقل مورد پذیرش قرار گرفته که در یک کلمه معنا پیش همان "قیاس تعقلی ارسطویی" است که شهید مطهری هم در کتاب روش شناخت به عنوان "ملاک خود معیار" از آن نام برده اند. باید توجه کرد که شیخ شهاب الدین سهروردی که مورد استناد دهبیام قرار گرفته منطق ارسطو را یک منطق حسی دانسته معقول و ثنائی "دایره المعارف شوروی و مارکسیستهای شوروی و اروپا پس از جنگ جهانی دوم منطق ارسطو را قبول کرده و از ارسطو به عنوان پدر ما تربیالیسم (حس گرایی) اعا ده حیثیت نموده اند.

امیدواریم که ما مدرسین و وپیا میهای بعدی خود توضیحاتی بدهند تا روشن شود میان معقولات از نظر ایشان چه می باشد؟ چرا که ما رکسیمها با پذیرش معقولات ارسطویی در واقع اختلافی با ارسطو و افلاطون و ابن سینا ندارند.

عصیانگری که برای مبارزه با روزه نیا ز به خط منی و سازماندهی و... داشتنه منطقهای بشری روی آورند، تا از طریق سابقه طولانی ما رکسیم و کتا بهای مدون آن، بتوانند به نیاهای خود دست یابند.

در زمانی که یکی از بزرگترین متفکرین اسلامی و مفسرین قرآن منشأ اصلی بوجود آمدن جامعه را غریزه جنسی انسان و همچنین استفاده مطلق امید اندوز واقع به نظریه " فروید" تاسی بسته و استثمرا راتا بید میکند، چگونه متوقعیم که جوانان پرشور، زمانی که با عدم پاسخ نیاز اصلیشان مواجه میشوند به دامن منطقهای دیگر دست نیاندازند.

در ادامه پیام امام می خوانیم:

"... امروز دیگر دولت های همسوی شما که دلشان برای وطن و مردمان میباید هرگز حاضر نخواهند شد، بیش از این منافع زیرزمینی و روز میخی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندان نشان رسیده است مصرف کنند...."

برخورد اصولی با ما رکسیم

در این رابطه امیدواریم ما در پیامهای بعدی علت گرایش جوانان به ما رکسیم و گسترش آن در اروپا و خاور میانه و آسیا و کشورهای اسلامی ریشه یابی نمائیم. البته اگر ما رکسیم پیوسته و در موزه های تاریخی جای دارد، با برخوردی جدید و اعدام مسئله ای حل نمیگردد، بلکه تضادهای درونی آنها خود باعث از هم پاشیدگی ما رکسیم میگردد، البته بنظر ما تا وقتی که حوزه های علمیه ما یک مجموعه راهنمای عمل و مدون ارائه ندهند ما رکسیم گسترش هم پیدا خواهد نمود.

امام بعد از بیان مطالب ایدئولوژیک و فلسفی در برخورد با مذهب می نویسند:

" راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار ر کرده است مخدراجا معاست؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان، و خواها از آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است، مخدراجا معاست؟ آری مذهبی که وسیله شود تا سرمایه های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و بر سر

پاسخ به خوانندگان

قبل از طرح سئوالات جدید با عرض معذرت در شماره گذشته اشتباهی رخ داده است... در پاسخ به سئوال دوم آخرین پاراگراف مطلب جا افتاده است که اکنون میآوریم. در پاسخ به اینکه چرا ما به بنیانگذاران مجاهدین در بحثهای ایدئولوژیک استناد می کنیم؟: "اما اینکه در بین متفکرین ماوی این جریان (مجاهدین) دست میگذارد بین خاطر است که آنها وقتی باین نیاز رسیدند که باید اسلام را در صحنه عمل و مبارزه راهنما قرار دهند. و از قرآن به خطامی برسند به مطالعه آثار متفکرین اسلامی منجمه آنها که شما اسم برده اید و سایر متفکرین روز پراختند خود آنها قبل از سازمان از عناصر فعال انجمن اسلامی دانشجویان و هیای ثابت مسجد هدایت و محافل مذهبی بودند آنها بعنوان یک تشکیلات اسلامی که میخواهد اسلام را در روابطش، برنامه ریزی و خط مشی مبارزاتی اش، درسیستم حکومتی آینده اش پیاده کند دوره مگر آمدند. تلاش کردند از مجموعه مطالعات و دستاوردها مکتب منسجم اسلام را کشف کرده و راهنمای عمل قرار دهند. تلاش آنها منفردها و ویرانه ها نبود بلکه با اکثر متفکرین بنام اسلامی در تماس بوده و استفاده کردند. آنها کوشیدند از بین همه اختلافات و دیدگاهها انسجام اسلامی را دریابند. لذا امانیاز آنها را یک نیاز اصیل دانسته و معتقدیم با جمع بندی کار آنها و کشف نارساییها و عدم انسجامهای موجود در آموزش آنها می توانیم دنبال این نیاز را بگیریم. آنها به نیاز روش شناخت و روش تحلیل رسیدند ولی متاسفانه در بین متفکرین اسلامی کسی چیزی ارائه نمیداد هم اکنون نیز این نقیصه وجود دارد. و تا این معضل حل نشود کار نیادی نمی توان صورت داد.

لذا اگر از آن نهادان می بریم نه تعصبی است نه منافعی بلکه جز مارکها و اتهامات و فشار بیشتر برای مائری ندارد. اما ای کاش صلاحیت چنین رسالتی را بتوانیم پیدا

کنیم. توجه دارید که حالا هم که مشکلات انقلاب نیاز به حل دارد خود مسئولین منجمه آقای هاشمی رفسنجانی و آقای خامنه ای به این خلا "ایدئولوژیک" و لزوم کار مکتبی اشاره می کنند.

درباره بازسازی س - خواننده های زحمت کشیده مقاله ای تحت عنوان "سیاست لیبرالی پس از انقلاب و پس از جنگ" فرستاده اند. و خطرات پس از قطعنامه را گوشزد نموده اند. در این مقاله می نویسند:

"این را باید بدانیم که اگر قدرتها هیچگاه دست از منافعشان در خلیج فارس و دریای عمان برنمی دارند و اگر ماشیوه درست و اصولی برای بسیج نیروها در زمان پس از جنگ در پیش نگیریم، مسلما "آمریکا توسط همین ابادی داخلش که تفکر و خط مشی مورد نظر او را دارند و باره بمیدان می آید... اگر ما بخش عمده نیروهای بسیج شده در زمان جنگ را مشغول بازسازی به شیوه کاذب کنیم، حتما "آمریکا نقشه حاکمیت لیبرال هارا که آرزوی دیرینه اش می باشد عملی خواهد کرد..."

"مبارک برای سازندگی دست در دست شرکتیهای خارجی قرار دهیم که باقیمت ارزان تر و سریع تر باز سازی انجام شود. مسلما" در این صورت نیروهای خط امام یعنی آن بسیجی های صادق بدلیل عدم تخصص های مورد نیاز برای بازسازی منزوی می گردند..."

س - در این دوران که مسئولین امر شعار بازسازی می دهند و حتی صحبت از آمدن احزاب باین خاطر میشود، دل سوخته ای متعهد به زبان شعر هشداری داده و برای چاپ فرستاده است. با هم بخوانیم:

"برادرم که برای بازسازی به دیار آشنا، به مزار شهدا

به یاری که زمینش سرخ است و شقایق های عاشق از دل تربت آن روئیده برادرم، مبارک از بیاسازی شقایق های شهر مرا کهند ای حرکت و سرواز دارند برای من، برای تو، برای نهفت خونین آینه

برادریان، بیاباهم بیابیم بذرهارا در دل خاک بکاریم در زمین، جای گلوله، گندم پاک اگر در خون، ما گندم بکاریم در گربه شرق و غرب نیماز نداریم در باره جنگ

س - برادری در رابطه با جنگ ایران و عراق تحلیلی کرده اند و خواستار تأمل و تجدید نظر در این رابطه گردیده اند:

می گویند: "پس از وقوع انقلاب ضمد سلطنتی در ایران، توده های محروم مردم عراق شدیدا" متأثر گردیدند. لذا طبقه حاکم سرمایه دار عراق با تشنج آفرینی در مرزهای ایران به استقبال جنگ تمام عیار با ایران می رفت. طبقه سرمایه دار ایران که بخش تجارتی آن در حاکمیت جاپای محکمی داشت و هنوز بدلائلی ماهیت طبقاتی آن برای عموم مردم پوشیده بود، باترس تمام از روند مبارزات اجتماعی بدنبال یافتن مسئله انحرافی بود تا از هان راز این بردن به ماهیت خود منحرف سازد. و این تشنجات برای وی یک موهبت الهی بود. لذا با استفاده از وسایط تفکرات سرمایه داری و ضد الهی غالب مردم سعی در غالب کردن جنگ بصورت اسلام و کفر بود. داشت حال آنکه اسلام آنها نه اسلام محمدی که اسلام ابوسفیانی است و تنها پس از تصفیه آنها و برقراری روابط اسلامی (ضمد سرمایه داری و توحیدی) است که جنگ از چنین ویژگی برخوردار میشود. در این بحیوچه جناح سرمایه داری با قبضه کردن مواضع کلیدی من الجملة دستگاه سرکوب، تمامی نیروهای آگاه متشکل را نابود کرد. در ضمن بدلیل نداشتن توان پاسخ گویی به خواسته های توحیدی مردم موجهیات رمیدن آنها را از انقلاب پدید آورد. علاوه بر این باتبدیل جنگ به توسعه طلبی ارضی برای رژیم فاشیستی عراق موهبتی شد و موجب گردید که زحمتکشان عراقی بیش از پیش نوبت تبلیغات شوونیستی رژیم حاکم بر آنها را بخورند.

بهر حال تمامی قضایای فوق باعث ایجاد

بن بست نظامی شد. در این اثنا بخش مردمی حاکمیت در عین حال که خواستار ادامه جنگ بود. تقاضای تحولات اقتصادی بنیادین را می نمود که آخرالامر منجر به مشخص شدن مواضع جناح سرمایه داری گردید. لذا با از شدن میج آنها آن گردید که همه دیدیم: ج - با برخی موارد تحلیل فوق ما وحدت نظر داریم و برخی جهاتش نیاز به مرز بندی دارد:

۱- همانطور که متذکر شدید در رستتر همین جنگ نهایتا" مواضع جناح سرمایه داری مشخص و بر ملا شد و مقول شما میج آنها باز شد. همین جناح بود که از رازمد شدن جنگ بیم داشت.

سرمایه داری در ایران یا عمدتا" تجاری است یا صنعتی. سرمایه داری تجاری که عمده درآمدش از واردات است مستقیما" به ارز نفت وابسته است. از طرفی چنانچه درآمد نفت تقلیل یابد بازار مصرف داخلی و قدرت خرید نیز پائین آمده و تجارت در چار بحران میشود کارخانه ها نیز بدلیل وابستگی به خارج، چه از جهت لوازم یدکی یا مواد اولیه، به ارز نفت احتیاج داشته و پاک شدن فروش نفت در چار بحران میشوند.

اوم جنگ از یک طرف موجب میشد که دشمن در صدور نفت ما و امنیت نفتی خلیج فشار آورده و در نتیجه اقتصاد نفتی ایران متزلزل گردد و از طرف دیگر ارزی هم که از فروش مختصر نفت بدست می آمد عمدتا" در جهت پیش برد امر جنگ صرف می شد. لذا سرمایه داری اعم از تجاری یا صنعتی دوره بیشتر نداشتند یا رفتن بسمت خود کفایتی و قطع وابستگی به خارج و یا مخالفت با ادامه جنگ.

در طول جنگ در برخی رشته ها ما شاهد رشد خود کفایتی بودیم و از طرفی هم فشار برای صلح وجود داشت. چنانچه سرمایه داری در رستتر جنگ روی شیوه های نظامی ای تبلیغ میکردند که بسرعت جنگ را تمام کند. مثل: موشک جواب موشک یا عملیات بزرگ زود رس. یا بطور آشکار وعده پایان جنگ برای آخر هر سال می دادند.

بقول شما سرمایه داری تجاری در ابتدا ای جنگ ماهیتش برای مردم پوشیده بود. ولی در رستتر جنگ مواضع آنها افشاشد. این واقعیت نشان می دهد که نمیتوان گفت جنگ ماهیتا" بنفع سرمایه داری و خواست آنها بوده است. بلکه اگر در مرحله ای با

بقیه در صفحه ۲۷

نحوه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند. بهای اشتراک:

۱۲ شماره ۲۰۰ تومان
 ۶ شماره ۱۰۰ تومان

لطفا "وجه اشتراک" را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانکا صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید.

جمهوری اسلامی ایران
 وزارت مشاور و امور ایالتی
 اداره کل امور مطبوعات و نشریات

آقای لطف میثمی
 بزرگ ویرانگانه مطبوعات و نشریات
 ۱۳۵۸، ۵، ۲۰

پروانه انتشار: راه مجاهد به روش چاپی به روشی
 تهیه و تنظیم: نشریات قلم در تهران
 شماره: ۲۱۵۲ تاریخ: ۲۷/۲/۶۸ شماره ثبت: ۲۶۰۰۲
 بنیاد ملی مطبوعات و نشریات وزارت و امور ایالتی

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
 زیر نظر شورای نویسندگان
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول
 مهندس لطف الله میثمی
 روش سیاسی ایدئولوژیک - چاپ آشنا

آدرس: توجه شود که راه مجاهد بعطت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر مسئول نشریه است و صرفا جهت جرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۲۵۲۴۶۸ تماس بگیرید. خیابان ری - شهید رضوی - کوی قلم گلی - کسبوجه آخوان طباطبائی - پلاک ۲۶ - طبقه دوم - کد پستی ۱۱۷۵۶

با گروه های دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخواهند تقاضا داشته باشید
 امام خمینی